



مردان و زنان

آخر الزمان

محمد امینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مردان و زنان آخر الزمان

تأليف:
محمد امينى

سلیمان، کامل

[یوم الخلاص فی ظل القائم المهدی (ع)، برگزیده (فارسی)]

مردان و زنان آخر الزمان / مؤلف: محمد امینی، - قم: ملینا، ۱۳۸۶.

۱۲۴ ص. ۱۲۰۰۰ ریال. ISBN:978-600-90262-2-7

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

این کتاب برداشتی آزاد از کتاب «یوم الخلاص فی ظل القائم المهدی (ع)» کامل سلیمان می باشد.

۱. مهدویت ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - ۳. آخر الزمان. الف.

امینی، محمد، ۱۳۶۴ - ب. عنوان، ج. عنوان، ج. عنوان: یوم الخلاص فی ظل القائم

المهدی (ع)، برگزیده. یوم الخلاص فی ظل القائم المهدی (ع).

۲۹۷/۴۶۲

BP224/4/ ۹ س ۸۰۴۲۱

شناسنامه کتاب

عنوان:	مردان و زنان آخر الزمان
مؤلف:	محمد امینی
ناشر:	انتشارات ملینا
قطع:	رقعی
نوبت و تاریخ چاپ:	اول / ۱۳۸۶
چاپ:	امیران
شمارگان:	۵۰۰۰ نسخه
بهاء:	۱۲۰۰ تومان
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۹۰۲۶۲-۲-۷

کلیه حقوق این اثر برای مرکز پخش کتاب ایمان محفوظ می باشد

مراکز پخش:

۱- مرکز پخش کتاب ایمان: ۰۹۱۲۶۵۲۰۸۱۲-۰۹۱۲۵۵۲۸۷۵۵

۲- انتشارات چاف: قم / پاساژ قدس / طبقه آخر / شماره ۱۶۹

تلفن: ۷۷۴۷۳۹۶ - ۰۲۵۱ / نمابر: ۷۸۳۱۰۴۱ - ۰۲۵۱

فهرست مطالب

پیشگفتار ۷

اوضاع عمومی مردمانِ پایانِ دوران

- گفتار اول: روایات پیامبر اکرم (صلوات الله علیه و آله) ۱۵
- گفتار دوم: روایات امیر مؤمنان (علیه السلام) ۳۹
- گفتار سوم: روایات امام باقر (علیه السلام) ۴۸
- گفتار چهارم: روایات امام صادق (علیه السلام) ۵۰
- گفتار پنجم: روایات امام رضا (علیه السلام) ۵۷

مردانِ پایانِ دوران

- گفتار اول: روایات پیامبر اکرم (صلوات الله علیه و آله) ۶۱
- گفتار دوم: روایات امیر مؤمنان (علیه السلام) ۷۰
- گفتار سوم: روایات امام صادق (علیه السلام) ۷۲

زنانِ پایانِ دوران

- گفتار اول: روایات پیامبر اکرم (صلوات الله علیه و آله) ۷۹
- گفتار دوم: روایات امیر مؤمنان (علیه السلام) ۹۲
- گفتار سوم: روایات امام صادق (علیه السلام) ۹۴

دانشمندان و حاکمانِ پایانِ دوران

- گفتار اول: روایات پیامبر اکرم (صلوات الله علیه و آله) ۹۹
- گفتار دوم: روایات امیر مؤمنان (علیه السلام) ۱۱۶
- گفتار سوم: روایات امام صادق (علیه السلام) ۱۲۱
- گفتار چهارم: روایات امام رضا (علیه السلام) ۱۲۴

پیشگفتار

آینده و حوادث مربوط به آن همواره یکی از جذابترین موضوعاتی است که از آغاز تاکنون، مورد توجه آدمیان بوده است و این علاقه به آگاهی از حوادث پیش روی آدمی را وادار به کندوکاو و جستجو برای یافتن پاسخی قانع کننده نموده است. این علاقمندی گاه در حوزه زندگی فردی و شخصی خلاصه می شود و گاه پا را فراتر گذاشته و وارد حوزه زندگی جمعی آدمیان و سرنوشت نهایی بشر می گردد. مردمان به فراخور حال خویش هریک به گونه ای در پی آگاهی از آینده فردی یا جمعی خویش اند، عده ای به سراغ فالگیرها و کفبین ها می روند، عده ای دیگر رو به سوی کاهنان می آورند و دیگر گروه ستاره شناسان پیش گو را بر می گزینند و عده ای رو به سوی سرچشمه زلال حقایق یعنی وحی الهی می آورند.

از سویی دیگر انسان موجودی اجتماعی است و این جامعه است که بستر شکوفایی استعدادهای خفته آدمی را فراهم می کند و معنای کاملی از زندگی را پیش روی او قرار می دهد، پس لاجرم سرنوشت زندگی فردی آدمیان پیوندی ناگسستنی با حیات جمعی و سرنوشت نوعی بشر دارد، از این روی سرنوشت جامعه بشری مهم ترین موضوعی است که ذهن آدمیان را به خود مشغول می سازد، اینکه در نهایت چه خواهد شد؟ و آیا این سرنوشت شوم را پایانی هست؟ و آیا روزی خواهد رسید که فرزندان آدم با صلح و دوستی و برادری و به دور از جنگ ها و

دشمنی‌ها و کینه‌ورزی‌ها در کنار هم زندگی کنند؟ و در نهایت آیا افق سرنوشت بشر، نویدگر طلوع صبح نیکبختی است یا غروب غم‌انگیز پاکی‌ها؟

در این میان آئین‌های آسمانی نیز توجه خاصی به این موضوع مهم و حیاتی بشر داشته‌اند و هر یک نسبت به سرنوشت نهایی بشر در این کره خاکی آموزه‌هایی را به پیروان خود عرضه کرده‌اند که جدای از اختلافات ظاهری همگی در اصل موضوع واحد هستند؛ در عین حال آئین‌های خود ساخته بشری که تلاش چشمگیری برای پرکردن خلا معنوی انسان معاصر می‌کنند نیز انگاره‌هایی را در خصوص سرنوشت نهایی آدمیان ارائه می‌دهند که در برابر آموزه‌های ادیان آسمانی قرار می‌گیرد. درحالی که نظریه پردازان مادی‌گرایی، پایان تاریخ را غلبه لیبرال دموکراسی غربی بر سایر اندیشه‌های آرمان خواه عالم می‌دانند، ادیان آسمانی سرنوشت نهایی بشر را در پیروزی نور بر تاریکی می‌دانند و به پیروان خود مژده آمدن یک منجی آسمانی را داده‌اند که به فرمان آفرینشگر بی‌همتا حکمرانی عدل و داد را بر سراسر پهنه گیتی گسترش داده و با تشکیل یک حکومت واحد جهانی انسان گمگشته در بیراهه‌های تباهی را به سر منزل مقصود که همانا نیکبختی ابدی است می‌رساند.

پیروان آئین موسی کلیم الله در انتظار آمدن ماشیح، مسیحیان پیرو عیسی روح‌الله منتظر مسیح و دل‌سپردگان واپسین آئین آسمانی یعنی امت محمد حبیب الله چشم به راه آمدن مهدی موعود هستند. طبیعی است که وقوع چنین واقعه سترگ و سرنوشت‌سازی همواره آرزوی پیروان ادیان آسمانی بوده است و از این رو در پی نشانه‌هایی بوده‌اند تا با آگاهی از آن‌ها پیشاپیش خود را برای وقوع این اتفاق بزرگ مهیا کنند. دراین میان مسلمین و به طور اخص شیعیان نیز برای آگاهی از وقایع پایان دوران و حوادث آستانه ظهور منجی آخرین رو به سوی مخازن اسرار الهی یعنی پیامبر اعظم و خاندان مطهرش

برده‌اند و پاسخ پرسش‌های خود را در پیشگاه آنان جستجو کرده‌اند، معصومان نیز به دلیل اهمیت موضوع و پرسش‌های پرسشگران، اخباری درخصوص وقایع پایان دوران و آستانه ظهور منجی ارائه فرموده‌اند.

این نوشتار مجموعه‌ای از اخبار معصومین در خصوص ویژگی‌های مردمان پایان دوران است که با برداشتی آزاد از کتاب «یوم الخلاص» نوشته «کامل سلیمان» گردآوری شده، به این معنا که در این برداشت آزاد روند اصلی مطالب حفظ شده و ضمن نقل تمامی روایات ذکر شده در کتاب یوم الخلاص در خصوص موضوع مذکور، تنها به تغییر در توضیحات ذیل روایات بسنده شده که آن هم نه از جنس محتواست بلکه تغییرات صورت گرفته از جنس تغییر در ساختار جمله بندی و واژگان به کار رفته در متن اصلی بوده تا فهم مطالب روان تر شود و به اصطلاح روزآمدتر باشد. به امید آنکه مفید واقع شده و راه گشای آینده پیش روی ما باشد.

و من الله التوفیق

محمد امینی

مهر ۱۳۸۶

اوضاع عمومی مردمانِ

پایان دوران



پیش از ورود به بررسی اوصاف و ویژگی‌های مردمان پایان دوران، توجه به نکاتی چند، ضروری می‌نماید؛ ما مردمان هزاره سوم میلادی در دورانی زندگی می‌کنیم که عصر شکوفایی علم و فناوری است، عده‌ای از آن به عصر اتم تعبیر می‌کنند، عده‌ای دیگر آن را عصر انفجار اطلاعات می‌نامند، و عده‌ای دیگر ...، اما به هر حال نام دوران حاضر را هر چه بدانیم در واقعیت امر تأثیری نخواهد داشت، ما مردمان آخرالزمان، شاهد رویدادهای شگفتی بوده و هستیم که در همه ابعاد حیات بشر به وقوع پیوسته است.

پیشرفت‌های شگرف علوم و به کارگیری آن‌ها در عرصه فناوری آدمی را قادر به انجام اموری کرد که پیش از آن رؤیایی دست نیافتنی می‌نمود تا جایی که حتی برخی از آن به اعجاز علم تعبیر می‌کنند. اما هم قدم با پیشرفت در عرصه تسلط بر عالم ماده سیر نزولی پر شتابی در وادی اخلاق و عقلانیت سعادت محور، گریبان‌گیر آدمیان شد که همچنان ادامه دارد. جنگ‌های عالم‌گیر، خونریزی‌های بی‌انتها، فسادهای اخلاقی و جنسی، ظلم‌ها و تبعیض‌ها، فقر و فلاکت عده‌ای و ثروت بی‌حد و حصر عده‌ای دیگر و ... همگی دست آورد علم بدون اخلاق است که منشأ ثروت و قدرت گشته و انسان امروز را مسحور خود ساخته است.

اما آدمیان آینه‌ای پندآموز پیش رو دارند که تاریخ می‌نامندش و هر آنکه خویشتن را در آئینه تاریخ به نظاره نشست ره به سوی سعادت یافت. صفحات بی‌شمار تاریخ، سراسر پند و عبرت است برای عاقلان و خردمندان؛ کافی است

چند ورقی از کتاب قطور تاریخ را مطالعه کنیم تا ببینیم که عملکرد مردمان این دوران بی‌شبهت به اقوامی نیست که بر دوره‌ای از تاریخ حکمرانی می‌کرده‌اند، اما پس از مدتی نابود گشته‌اند، تاریخ گواه طلوع و افول تمدن‌ها و حکومت‌های مقتدری است که مردمانش حتی تصور نابودی آنرا نمی‌کرده‌اند اما حرکت در خلاف مسیر جریان عالم خلقت سرانجامی جز نابودی نخواهد داشت. مگر نه اینکه پرودگار بی‌همتا فرمود:

«أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»^۱.

آیا گمان برده‌اید که شما را بی‌هوده آفریده‌ایم و اینکه شما به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟

به راستی آیا جهان به این بزرگی و با تمام شگفتی‌هایش بی‌هوده خلق شده است؟ آیا انسان که سرآمد مخلوقات است بی‌هوده آفریده شده است! کدام انسان خردمندی یافت می‌شود که در پی دانستن آن نباشد که بداند از کجا آمده است؟ به کجا خواهد رفت؟ و از بهر چه آمده است؟ آیا آدمی که مظهر شگفتی‌های عالم خلقت است آفریده شده تا فقط بخورد و بیاشامد و عمر خویشتن را صرف اموری کند که خود نیز از درستی آن آگاه نیست. کدام ذهن آگاهی است که همواره در پی کشف این مجهولات نباشد؟ چه کسی می‌تواند به عقل بقبولاند که هدف از زندگی همین امور روزمرهٔ یکنواخت است که غایتی جز لذت‌های پوچ و بی‌ارزش ندارد.

چه نیکو بود اگر ما آدمیان به ندای عقل خویش گوش فرا می‌دادیم و از سرنوشت گذشتگان پند می‌گرفتیم و راه به بیراهه‌های تباهی نمی‌بردیم. آنچه از قرائن و شواهد آشکار است، بیانگر این امر است که دوران ما، همان



آخرالزمان یا پایان دوران است؛ آدمی همواره، از آغاز تا کنون به دنبال آگاهی از وقایع پایان دوران بوده و همین علاقه و کنجکاوی او را وادار به پرسش و کندوکاو در این مورد کرده است، در این میان مردمان با ایمان نیز به دنبال آگاهی از سرنوشت نهایی بشر بوده‌اند و از این رو جواب سؤالات خویش را در پیشگاه پیشوایان الهی خویش جستجو می‌کرده‌اند، همین پرسش‌ها و اهمیت موضوع آخرالزمان موجب گردیده بود تا پیامبر عظیم‌الشان اسلام و خاندان پاک و معصومش دور نمایی از احوالات پایان دوران را برای پیروان آخرین دین الهی ترسیم کنند و ما در این نوشتار در پی آن هستیم تا گوشه‌ای از آن فرمایشات را تقدیم علاقه‌مندان کنیم.

گفتار اول: روایات پیامبر اکرم ﷺ

لَا يَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ إِلَّا الَّذِي بَعْدَهُ شَرٌّ مِنْهُ.^۱

زمانی بر شما وارد نمی‌شود مگر آنکه زمانی بدتر از آن، پیش روست. اگر نگاه کوتاهی به تاریخ اسلام بیندازیم به روشنی در خواهیم یافت که پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ، سختی‌ها، رنج‌ها و مصائب یکی پس از دیگری همچون آوار بر سر مسلمانان خراب شدند تا امروز که ما در اوج فتنه‌ها و بلاها به سر می‌بریم و این تجربه تاریخ است که به برخی بی‌ایمان‌ها درستی این فرمایش پیامبر اکرم ﷺ را می‌نمایاند و به روشنی بیان می‌کند که این دوران بدترین دورانی است که تاریخ بشر تا کنون شاهد آن بوده است، همان‌طور که پیامبر ﷺ به یاران خویش فرمود:

انکم فی زمان من ترک عشر ما امر به هلك، و سیأتی زمان من

عَمَلٍ بَعْشَرٍ مَا أَمَرَ بِهِ نَجَا.

همانا شما در زمانی هستید که اگر کسی یک دهم تکالیفش را ترک کند هلاک می‌شود و زمانی فرا می‌رسد که اگر کسی فقط یک دهم تکالیفش را انجام دهد نجات پیدا می‌کند.

اما به راستی آیا ما حتی همان یک دهم تکالیف خویش را هم انجام می‌دهیم تا امیدوار به نجات باشیم آیا یک دهم تکالیف خود را می‌شناسیم تا چه رسد به انجام آنها؟ صد حیف که ما مرد عمل نیستیم و ایمان را فقط ورد زبانمان کرده‌ایم و اثری از آثار آن در اعمال و رفتارمان یافت نمی‌شود.

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هَمُّهُمْ بَطُونُهُمْ، وَ شَرَفُهُمْ مَتَاعُهُمْ وَ قِبَلَتُهُمْ نِسَاؤُهُمْ وَ دِينُهُمْ دَرَاهِمُهُمْ وَ دَنَانِيرُهُمْ، أَوْلَيْكَ شَرُّ الْخَلْقِ، لِاخْلَاقِ لَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ.^۱

بر مردم زمانی فرامی‌رسد که هم و غمشان (فقط) شکمشان و شرف آنها، اموالشان و قبله آنها، زنانشان و دین آنها، درهم‌ها و دینارهایشان است، آنان بدترین مردم هستند و در نزد خدا، ارج و قربی ندارند.

به راستی چه نیکو فرمود خاتم رسولان الهی، با اندکی تأمل در خواهیم یافت که متأسفانه آنچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند گویی شرح حال دوران ما است که انسانیت و شرف فدای اموال و دارایی‌ها می‌شوند و پول و ثروت خدای ما گشته است. به راستی چرا باید چنین باشد؟ آیا منشأ این انحرافات از انسانیت چیزی جز لذت‌جویی‌های بی‌انتهاست، اگر هر کسی به پول و ثروت به دیده ابزار حل مشکل و ادامه حیات می‌نگریست و در انباشتن آن طمع



نمی‌ورزید و فقط به اندازه نیاز خویش به دنبال آن می‌بود به یقین آدمیت، قربانی بی‌گناه پول و ثروت نمی‌شد و همه انسان‌ها از خان گسترده رحمت الهی به اندازه نیاز خویش بهره می‌بردند و آنگاه بود که دیگر شاهد فقر عده‌ای و ثروت بی‌حد و حصر عده‌ای دیگر نبودیم.

سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، يُخَيِّرُ فِيهِ الرَّجُلُ بَيْنَ الْعَجْزِ وَالْفُجُورِ، فَمَنْ
أَذْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَلْيَخْتَرْ الْعَجْزَ عَلَى الْفُجُورِ.^۱

زمانی بر مردم خواهد آمد که مرد (انسان) بین ناتوانی و گناه مخیر می‌شود، پس کسی که آن زمان را درک کرد، ناتوانی را بر گناه برگزیند.

آری به راستی که چنین زمانی فرا رسیده است؛ زمانی که دست رد بر سینه گناه زدن را دلیل بر ناتوانی می‌دانند. آدمی همواره به دلیل برخی از خصوصیات روانی و نظام فکری بی‌ریشه و ناستوار در برابر اینگونه اتهامات سرتعظیم فرود می‌آورد و فقط برای اثبات توانایی، گوهر وجود خویشتن را به گناه می‌آلاید؛ در حالی که عقلانیت سعادت محور حکم می‌کند که این راه، راه اثبات توانایی نیست و اساساً پرداخت چنین هزینه هنگفتی در مقابل به‌به و چه‌چه دیگران معامله‌ای سراسر ضرر و زیان است.

لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهَنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ، أَوْ لَيُسَلِّطَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ،
فَيَدْعُوا خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ.^۲

امر به معروف و نهی از منکر نمائید تا انسان‌های بد بر شما مسلط نشوند که (در چنین صورتی) هر چه نیکوکاران دعا کنند مستجاب نمی‌شود.

۱. نهج‌الفصاحه، ج ۲، ص ۳۷۲.

۲. نهج‌الفصاحه، ج ۲، ص ۴۷۰ و ۴۷۱.

آری به راستی که خود کرده را تدبیر نیست، آنچه بر سر یک جامعه می‌آید دست‌آورد جمعی تک تک اعضای آن جامعه است، بی‌تردید در هر اجتماعی افراد متفاوتی وجود دارند، عده‌ای خوب و عده‌ایی بد، در چنین شرایطی اگر خوبان یک جامعه به ترویج نیکی‌ها نپردازند و از بدی بدکاران جلوگیری نکنند، به خودی خود و رفته رفته به گوشه‌انزوا رانده شده و بدکاران سرنوشت امور جامعه را به دست می‌گیرند و در این هنگام است که دعای نیکوکاران نیز کارگر نخواهد بود چرا که خدای یگانه سرنوشت هیچ قومی را جز به دست خودشان تغییر نخواهد داد.

وَ عِنْدَهَا يَظْهَرُ الرَّبُّا وَ يَتَعَامَلُونَ بِالرُّشَى وَ يُوضَعُ الدِّينُ وَ تَرْفَعُ الدُّنْيَا.^۱

در آن زمان ربا آشکار می‌شود و کارها با رشوه انجام می‌شود و دین خوار و دنیا عزیز می‌گردد.

لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، لَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَكَلَ الرَّبَّا، فَإِنْ لَمْ يَأْكُلْهُ أَصَابَهُ غُبَارُهُ.^۲

دورانی بر مردم فرا می‌رسد که کسی نمی‌ماند مگر آنکه ربا می‌خورد و اگر نخورد، غبار آن به او می‌رسد.

متأسفانه دوران ما ترجمان آشکاری از این روایات است که عده‌ای آشکار و نهان با پروردگار جهان اعلان جنگ نموده و به ربا خواری مشغول گشته‌اند. به راستی به چنگ آوردن ثروت بیشتر ارزش آنرا دارد که با خالق خویش اعلان

۱. بشاره الاسلام، ص ۲۶.

۲. نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۵۰۰.



جنگ کنیم و گرفتاری دنیا و عذاب آخرت را برای خویشتن به ارمغان آوریم؟
 مَا مِنْ قَوْمٍ يَظْهَرُ فِيهِمُ الرَّبِّيَا، إِلَّا أَخَذُوا بِالسِّنَّةِ وَمَا مِنْ قَوْمٍ يَظْهَرُ فِيهِمُ
 الرَّشْيَى إِلَّا أَخَذُوا بِالرُّعْبِ.^۱

هر قومی که ربا در آن آشکار شود، دچار غفلت می‌گردد و هر قومی
 که رشوه در آن آشکار شود، ترس (و وحشت) آن‌ها را می‌گیرد.
 يَكُونُ أَسْعَدَ النَّاسِ بِالدُّنْيَا لُكْعُ ابْنِ لُكْعٍ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ.^۲
 خوشبخت‌ترین مردم در دنیا، انسان‌های پستی هستند که به خدا
 و فرستاده‌اش ایمان ندارند؟

اینگونه افراد همان پیروان هوای نفس‌اند که از پی خواسته‌های نفسانی
 خویش روانند و گرنه کدام انسان بیداری را می‌یابد که در دنیا راحتی و آسایش
 داشته باشد و در پی اصلاح امور جامعه نباشد؟

يَذْهَبَ الصَّالِحُونَ أَسْلَافًا، الْأَوَّلُ فَالْأَوَّلُ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا حُثَالَةٌ كَحُثَالَةِ
 التَّمْرِ وَ الشَّعِيرِ، لَا يُبَالِي اللَّهُ بِهِمْ.^۳

انسان‌های شایسته، یک به یک می‌روند و فقط به اندازه تحاله
 خرما و جو، از آن‌ها اثری باقی خواهد ماند. خداوند دیگر به
 آن‌ها اعتنایی نخواهد کرد.

آیا چنین شرایطی به وقوع نپیوسته‌است؟ آیا ما آدمیان با اعمال و رفتار خود
 جایی برای اعتنای پروردگار نسبت به خود باقی گذاشته‌ایم؟ اگر غیر از این

۱ الزام الناصب، ص ۱۸۲.

۲ نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۵۰۰ و ۵۱۷.

۳ نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۶۴۶.

است این همه بلا از چه رو بر آدمیان سزوار گشته است؟

سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ، تَخْبُثُ فِيهِ سَرَائِرُهُمْ وَ تَحْسُنُ عَلَانِيَتَهُمْ طَعْمًا
فِي الدُّنْيَا، لَا يُرِيدُونَ مَا عِنْدَ اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - يَكُونُ أَمْرُهُمْ رِيَاءً لَا
يَخَالِطُهُ خَوْفٌ، يَعْمَهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ، فَيَدْعُونَهُ دُعَاءَ الْغَرِيقِ فَلَا يُسْتَجَابُ
لَهُمْ.^۱

به زودی بر امت من زمانی فرا می‌رسد که در آن باطن انسان‌ها پلید می‌شود و ظاهرشان به خاطر طمع به دنیا نیکو می‌شود. آنچه را در نزد خداست، نمی‌خواهند، ریاکارند و از خدا نمی‌ترسند. خداوند، آن‌ها را به عذاب خود دچار خواهد کرد و آنها همچون انسانی که می‌خواهد غرق شود، خدا را می‌خوانند ولی خدا پاسخ آن‌ها را نمی‌دهد.

کمی تأمل انسان منصف را وا می‌دارد که با تمام وجود به تحقق این حدیث شریف اذعان کند، زمانی که مردم ظاهری آراسته دارند ولی در باطن، وجودشان مالا مال از پلیدی‌هاست و این فقط برای کسب منافع مادی دنیاست. زمانی که مردم نقاب زیبایی بر پلیدهای درونشان می‌نهند و به ظاهر به یکدیگر احترام می‌گذارند اما در باطن چشم دیدن یکدیگر را ندارند. زمانی که ارزش‌های الهی جای خود را به ارزش‌های مادی و نفسانی می‌دهند و مردمان با بی‌رغبتی به ارزش‌های الهی، شتابان به سوی ارزش‌های مادی و نفسانی می‌روند.

أَوَّلُ مَا يُرْفَعُ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ الْحَيَاءُ وَالْأَمَانَةُ.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰.

۲. نهج الفصاحه، ج ۱، ص ۱۹۷: الامام المهدی، ص ۲۱۹.



اول چیزی که از این امت رخت بر بندد، حیاء و امانتداری است.

إِذَا ظَهَرَتِ الْفَاحِشَةُ كَانَتْ الرَّجْفَةُ وَإِذَا جَارَ الْحُكَّامُ قَلَّ الْمَطَرُ وَإِذَا
عُدِرَ بِأَهْلِ الذِّمَّةِ ظَهَرَ الْعَدُوُّ.^۱

هنگامی که فحشا بسیار (و آشکار) شود، زلزله می آید و هنگامی
که حاکمان ظلم کنند، باران کم می بارد و هرگاه که با اهل کتاب
با حيله رفتار شود، دشمن مسلط می شود.

يُصْبِحُ الرَّجُلُ مُؤْمِنًا وَيُمْسِي كَافِرًا وَيُمْسِي مُؤْمِنًا وَيُصْبِحُ كَافِرًا! يَبِيعُ
أَحَدُكُمْ دِينَهُ بَعْرَضٍ مِنَ الدُّنْيَا قَلِيلًا.^۲

مردی، صبح مومن است و در شب کافر می شود. بعضی دیگر
شب مومن اند و صبح کافر می شوند و این را به متاع کمی از دنیا
می فروشند.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ فِتْنٌ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ يُصْبِحُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مُؤْمِنًا وَ
يُمْسِي كَافِرًا وَيُمْسِي مُؤْمِنًا وَيُصْبِحُ كَافِرًا يَبِيعُ أَقْوَامَ دِينِهِمْ بَعْرَضِ
الدُّنْيَا.

در آستانه ظهور، فتنه ها همچون شب تاریک می آیند. مردی در
صبح مومن است و شب کافر می شود، و مردی دیگر شب مومن

. نهج الفصاحه، ج ۱، ص ۴۲.

. نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۵۱۰.

است و صبح کافر می‌شود. گروهی از مردم دین خدا را به متاع اندکی از دنیا می‌فروشند.

آیا دوران ما با این حدیث مطابق نیست؟ جوانانمان از دین روی گردان نیستند؟ در حالی که شتابان به سوی امور دیگر در حرکتند! صبح هنگام در گروهی و شب هنگام در دسته‌ای دیگرند، صبح به گونه‌ای می‌اندیشند و شب به گونه‌ای دیگر.

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

يُصْبِحُ أَحَدُهُمْ وَ هُوَ يُرَى أَنَّهُ عَلَى شَرِيعَةٍ مِنْ أَمْرِنَا وَ يُمْسِي وَ قَدْ خَرَجَ مِنْهَا وَ يُمْسِي عَلَى شَرِيعَةٍ مِنْ أَمْرِنَا وَ يُصْبِحُ وَ قَدْ خَرَجَ مِنْهَا.^۱

یکی از آن‌ها صبح می‌کند در حالی که پیرو ماست ولی شب از میان پیروان ما خارج می‌شود و دیگری شب پیرو ماست و صبح از گروه پیروان ما خارج می‌شود.

امام جواد علیه السلام می‌فرمایند:

وَ قَبْلَ ذَلِكَ فِتْنَةٌ شَرٌّ، يُمْسِي الرَّجُلُ مُؤْمِنًا وَ يُصْبِحُ كَافِرًا وَ يُصْبِحُ مُؤْمِنًا وَ يُمْسِي كَافِرًا. فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ. فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَلْيَكُنْ مِنْ أَخْلَاسِ بَيْتِهِ.^۲

پیش از آن (ظهور) فتنه‌های سختی است به طوری که مردی شب، مومن است ولی صبح کافر می‌شود و دیگری صبح مومن است و

۱. الغیبه، طوسی، ص ۲۰۶.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۳۷.



شب کافر می‌شود. پس هر کس که آن زمان را درک کرد، تقوا پیشه کند و گلیم خانه‌اش باشد. (کنایه از اینکه در خانه خود بنشیند و داخل فتنه‌ها نشوید.)

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَكُونُوا أَخْلَاصَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى يَظْهَرَ الطَّاهِرِينَ الْمُطَهَّرِينَ،
ذَوَالْغَيْبَةِ الشَّرِيدِ الطَّرِيدِ. إِنَّ الْفِتْنَةَ عَلَى مَنْ أَتَاهَا، إِنَّهُمْ لَا يُرِيدُكُمْ
بِحَاجَةٍ إِلَّا أَتَاهُمْ اللهُ بِشَاغِلٍ لَأَمْرٍ يَعْزِضُ لَهُمْ.^۱

هرگاه چنین زمانی (زمان ظهور) فرارسید، گلیم خانه‌هایتان باشید تا خداوند امام غائب غریب و فراری که پاکیزه و پسر پاکیزه است را ظاهر سازد. هر کس فتنه‌ای را به راه بیاندازد خودش گرفتار همان می‌شود، زیرا هرگاه آن‌ها بخواهند برای چیزی به شما یورش آوردند، خداوند آنان را مشغول می‌کند تا شما را فراموش کنند.

كُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ وَأَلْزَمُوا بُيُوتَكُمْ، فَإِنَّهُ لَا يُصِيبُكُمْ أَمْرٌ، تُخَصُّونَ بِهِ أَبَدًا.^۲

زیانتان را کنترل کنید و در خانه‌هایتان بنشینید؛ زیرا (در این صورت) هرگز جریانی اتفاق نمی‌افتد که به شما اختصاص داشته باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند:

إِنَّ الْقَوْمَ سَيُفْتَنُونَ بِأَمْوَالِهِمْ وَ يَمْنُونُ بِدِينِهِمْ عَلَى رَبِّهِمْ وَ يَتَمَنَّونَ

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۹.

رَحْمَتَهُ وَ يَأْمَنُونَ سَطْوَتَهُ وَ يَسْتَحِلُّونَ حَرَامَهُ بِالشُّبُهَاتِ الْكَاذِبَةِ وَ
الْأَهْوَاءِ السَّاهِيَةِ، فَيَسْتَحِلُّونَ الْخَمْرَ بِالنَّبِيذِ وَ السُّحْتَ بِالْهَدِيَّةِ، وَ الرِّبَا
بِالْبَيْعِ.^۱

به درستی که این قوم، شیفتهٔ اموالشان شده‌اند و با دین خود بر
پروردگارشان منت می‌گذارند و به رحمت او امید دارند؛ و خود را از
خشم او در امان می‌دانند و با شبهات دروغ و وسوسه‌های خلاف،
این حرام‌ها را حلال کرده‌اند؛ شراب را به نام نبیذ، رشوه را به عنوان
هدیه و ربا را به عنوان خرید و فروش حلال می‌شمارند.

کمی با خود بیاندیشیم، آیا مردمان دوران ما مصادیق این حدیث شریف
نیستند؟ آیا فضای حاکم بر جامعه، جز شیفتگی مال و ثروت است؟ متأسفانه
برخی از افراد ترجمان آشکاری از این اوصاف هستند، انسان‌هایی که به ظاهر
دیندارند اما بویی از دین و دیانت نبرده‌اند، اینان به گمان خود با خواندن نماز و
گرفتن روزه و در دست داشتن یک تسبیح همهٔ خصائص یک متدین تمام عیار
را در خود جمع کرده‌اند! در حالی که کوچکترین اطلاعی از معارف عمیق دین
ندارند خود را یک فرد متدین می‌دانند، گویی دین منحصر است در برخی
اعمال و شماییلی خاص! اینان شیفتهٔ اموال خود هستند و با دین نداشتهٔ خود
بر پروردگار جهان منت می‌گذارند و با خود یقین دارند که از خشم الهی در
امان‌اند.

إِذَا كَثُرَ الْجَوْرُ وَ الْفَسَادُ وَ ظَهَرَ الْمُنْكَرُ وَ أُمِرَتْ أُمَّتِي بِهِ، وَ نُهِيَ عَنِ



الْمَعْرُوفِ وَيُنْكِرُونَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ.^۱

هنگامی که ظلم و ستم بسیار شود و منکرات آشکار شود و امت من امر به منکر و نهی از معروف کنند و امر به معروف و نهی از منکر را انکار کنند (ظهور نزدیک است).

إِذَا صَارَ النَّاسُ سَمَاعِينَ لِلْكَذِبِ، أَكَالِينَ لِلسُّخْتِ، يَسْتَحِلُّونَ الرِّبَا وَالْخَمْرَ وَالْمَقَالَاتِ وَالطَّرَبِ وَالْمَعَارِفِ.^۲

هنگامی که مردم به دروغ گوش فرا دهند، رشوه بخورند و ربا، شراب، قمار و لهو و لعب را حلال بدانند، (ظهور نزدیک است).

آری در دوران ما حقیقت دُرّ دست نیافتنی گشته است که در میان دروغ‌های بیشمار یافتش غیر ممکن می‌نماید و مردمان نیز به جای حقیقت به دروغ گوش فرا می‌دهند، این واقعیتی تلخ است که در جامعه بشری وجود دارد، و موارد وقوعش بسیار است از جمله گوش فرا دادن به شایعات، اخبار دروغ برخی رسانه‌ها و باور کردن کلام دروغ‌گویان در حالی که این گوش کردن به دروغ مبنای قضاوت و تصمیمی خواهد شد که گاه پشیمانی‌های بی‌سود به بار می‌آورد. در این دوران برخی از مردمان حتی مجالس مذهبی را نیز به مجالس لهو و لعب تبدیل کرده‌اند و به جای دستیابی به معارف عمیق دین خود را به ظواهر بی‌ارزش مشغول ساخته‌اند که نه خیر دنیا را در بر دارد و نه آخرت.

إِذَا تَوَاحَى النَّاسُ عَلَى الْفُجُورِ وَ تَهَاجَرُوا عَلَى الدِّينِ وَ تَحَابُّوا عَلَى

۱. الزام الناصب، ص ۶۴ و ۱۸۲.

۲. بشاره الاسلام، ص ۷۷-۷۵.

الْكَذِبِ وَ تَبَاغَضُوا عَلَى الصِّدْقِ ... فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ الْوَلَدُ غَيْظًا وَالْمَطَرُ
قَيْظًا.

هرگاه مردم برای ظلم کردن با یکدیگر همکاری کنند و از دین دوری نمایند و به خاطر دروغگویی یکدیگر را دوست داشته باشند و به خاطر راست‌گویی به یکدیگر غضب کنند ... در این زمان است که فرزندان عاق والدین می‌شوند و باران کم، و در غیر فصل می‌بارد و انسان‌های پست بسیار و انسان‌های بزرگوار کم می‌شوند.
وَ كَانَ أَهْلُ ذَلِكَ الزَّمَانِ ذُنَابًا وَ سَلَاطِينَهُ سِبَاعًا وَ أَوْ سَاطَهُ أَكْثَالًا وَ
فُقْرَاؤُهُ أَمْوَاتًا.^۱

مردمان آن زمان (ظهور) همچون گرگ و حاکمانش همچون درندگان و طبقه متوسط آن همچون مرده‌خواران و فقیرانش همچون مردگان هستند.

وَ غَارَ الصِّدْقُ وَ فَاضَ الْكَذِبُ وَ اسْتَعْمَلَتِ الْمَوَدَّةُ بِاللِّسَانِ وَ تَشَاجَرَ
النَّاسُ بِالْقُلُوبِ وَ صَارَ الْفُسُوقُ نَسَبًا وَ الْعِفَافُ عَجَبًا وَ لُبِسَ الْإِسْلَامُ
لُبْسَ الْفَرِّ مَقْلُوبًا.^۲

راستگویی کم و دروغگویی بسیار می‌شود، دوستی فقط بر زبان‌هاست و مردم در دل‌هایشان با یکدیگر مشاجره می‌کنند،

۱. نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۰۹.

۲. نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۰۹.



گناهکاری افتخار به حساب می‌آید و عفت عجیب می‌نماید و اسلام را همچون پوستین وارونه به تن می‌کنند.

چه دردناک است ادعای مسلمانی با وجود اعمال کفر آمیز! آری مردمان مسلمان پایان دوران، اسلام را همچون پوستین وارونه‌ای به تن می‌کنند، مگر ندیده‌اید اسلام طالبانی و وهابی را؟ مگر ندیده‌اید اسلام سکولاریستی و لیبرالیستی را؟ مدعیان اسلام و مسلمانی فراوانند اما کدام اسلام؟ اسلام حقیقی یا اسلامی که هر کس به گمان خود معتقد به آن است؟ آری همه خود را مسلمان می‌دانند اما اسلام را همانگونه که هست درک نکرده‌اند! دوران ما دوران تاریکی است، راستگویی جای خود را به دروغ‌پردازی می‌دهد و مردمان فقط با زبان یکدیگر اظهار دوستی می‌کنند اما در دل‌هایشان نفرت موج می‌زند؛ عصیانگری مایه افتخار گشته و پاکدامنی عجیب می‌نماید

إِذَا أُتْهِكَّتِ الْمَحَارِمُ وَ اِكْتَسِبَتِ الْمَآثِمُ وَ سُلِّطَ الْاَشْرَارُ عَلٰی الْاٰخِيَارِ وَ يَفْشُو الْكِذْبُ وَ يَتَبَاهَوْنَ بِاللَّبَاسِ^۱

هنگامی که محارم، هتک حرمت شوند و گناهان علنی گردند و اشرار بر نیکان مسلط شوند و دروغگویی آشکار گردد و مردم به لباس خود فخر فروشی نمایند. (ظهور نزدیک است)

إِذَا كَثُرَ الزُّنَا بَعْدِي، كَثُرَ مَوْتُ الْفَجَاءَةِ وَ إِذَا طُفِّفَ الْمِكْيَالُ وَ الْمِيزَانُ أَخَذَهُمُ اللهُ بِالسِّنِينَ وَالنَّقْصِ وَ إِذَا مَنَعُوا الزُّكَاةَ مَنَعَتِ الْاَرْضُ بَرَكَاتِهَا مِنْ الزَّرْعِ وَ الثَّمَارِ وَ الْمَعَادِنِ كُلِّهَا. وَ إِذَا جَارَ الْحُكَّامُ تَعَاوَنُوا عَلٰی

الظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِذَا تَقَضُّوا الْعَهْدَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ. وَإِذَا قَطَعُوا الْأَرْحَامَ جُعِلَتْ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ.^۱

آنگاه که بعد از من زنا بسیار شود، مرگ ناگهانی زیاد می‌شود و هنگامی که کم‌فروشی رایج گردد خداوند آن‌ها را با قحطی و گرسنگی گرفتار سازد. هنگامی که زکات داده نشود، زمین برکت‌های خود را از معدن و میوه و زراعت منع می‌کند.

هنگامی که زمامداران ستمگری پیشه کنند، آن‌ها خود بر ظلم و تجاوز همکاری کنند. هنگامی که پیمان‌ها را بشکنند، خداوند دشمن را بر آن‌ها چیره کند و هنگامی که پیوند خویشاوندی را قطع کنند ثروت‌ها در دست اشرار قرار می‌گیرد.

دوران ما سرنوشت اندوهناکی را برای مسلمانان روایت می‌کند، اکنون توده‌های متراکم مسلمان بر فراز منابع ثروت نشسته‌اند اما حاکمان دست‌نشانده دشمنان اسلام ثروت مسلمین را به تاراج دشمنان می‌برند تا به جای آن سلاح برادر کشی به ارمغان آورده و به جای تیغ کشیدن بر دشمن برادران مسلمان خویش را نشانه روند.

پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند:

وَ إِذَا لَمْ يَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوُا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لَمْ يَتَّبِعُوا الْأَخْيَارِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ شِرَارِهِمْ.

هنگامی امر به معروف و نهی از منکر ننمایند و از نیکان اهل بیت



من پیروی نکنند خداوند اشرار را بر آنها مسلط می کند.

آری این سیره پروردگار عالم است که هرگاه قومی راه حق را ترک کرد و نیکی‌ها را رواج نداد و از شیوع بدی‌ها جلوگیری نکرد و از پاکان نیک سرشت پیروی ننمود، اشرار آن قوم بر آنها مسلط شوند، و این وعده‌ای تحقق یافته است که ما به روشنی شاهد آن هستیم. نگاهی گذرا به کشورهای اسلامی و حاکمان آنها فریادی بلند بر خواب گران مسلمانان خواهد بود اگر بشوند و ببینند که چگونه با سرپیچی از دستورات پروردگار عالم، اشرار بر سرنوشت آنان حکمرانی می کنند و آنان مجال دم برآوردن را نیز نمی یابند، دست آورد شومی که با سرپیچی از سیره الهی گریبان گیر توده‌های مسلمان گشته و لازمه رهایی از آن خیزشی بلند به سوی حقیقت اسلام و پیروی از آن است.

وَرَأَيْتَ الْعُقُوقَ قَدْ ظَهَرَ وَاسْتُخِفَّ بِالْأَوْلَادِينَ^۱

و می بینی که عاق والدین رواج یافته است و فرزندان پدر و مادرشان را خوار و کوچک می شمارند.

و يُعِيرُونَهُ بِضِيقِ الْمَعِيشَةِ وَ يُكَلِّفُونَهُ مَا لَا يُطِيقُ حَتَّى يُورِدُوهُ مَوَارِدَ
الْهَلَكَةِ^۲

به خاطر تنگدستی آدمی را سرزنش می کنند و چیزهایی از انسان انتظار دارند که توان انجامش را ندارد، تا اینکه او را در راه‌های بی برگشت هلاک کنند.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۹.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۳۷.

يَجْفُو الرَّجُلُ وَالِدَيْهِ وَيَبْرُ صَدِيقَهُ.^۱

مرد (انسان) به پدر و مادرش ستم می کند در حالی که به دوستش نیکی می کند.

يَفْتَرِي الْوَالِدُ عَلَى أَبِيهِ وَيَدْعُو عَلَى وَالِدَيْهِ وَيَفْرَحُ بِمَوْتِهِمَا.^۲

فرزند به پدرش تهمت می زند و پدر و مادرش را نفرین می کند و از مرگ آنها خوشحال می شود.

يَخْسُدُ الرَّجُلُ أَخَاهُ وَيَسُبُّ أَبَاهُ وَيَتَعَامَلُ الشُّرَكَاءَ بِالْخِيَانَةِ.^۳

مرد (انسان) به برادرش حسادت می ورزد و پدرش را دشنام می دهد و با شرکایش به خیانت رفتار می کند.

إِذَا قَطَعُوا الْأَرْحَامَ وَ مَنُّوا بِالطَّعَامِ وَإِذَا ذَهَبَتْ رَحْمَةُ الْأَكْبَرِ وَ قَلَّ حَيَاءُ الْأَصَاغِرِ.^۴

آن هنگامی که قطع رحم شود و به خاطر غذا منت گذارده شود و هنگامی که رحمت و مهربانی از دل بزرگان رخت بر بندد و حیای کوچکترها کم شود.

يَكُونُ هَلَاكُ الرَّجُلِ عَلَى يَدَيْ أَبَوَيْهِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَبَوَانِ فَعَلَى يَدَيْ زَوْجَتِهِ وَوَلَدِهِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ زَوْجَةٌ وَ وُلْدٌ فَعَلَى يَدَيْ قَرَابَتِهِ وَ

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۲.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۳۱.

۳. بشاره الاسلام، ص ۲۳.

۴. بحار الانوار، ج ۲، ص ۶۳.



جیرانه.^۱

مرد (انسان) به دست پدر و مادرش به هلاکت می‌رسد و اگر پدر و مادر نداشته باشد، به دست همسر و فرزندان کشته می‌شود و اگر همسر و فرزندی نداشته باشد، به دست خویشان و همسایگانش کشته می‌شود.

إِذَا اسْتَعْلَنَ الْفُجُورُ وَ قَوْلُ الْبُهْتَانِ وَ الْإِثْمُ وَ الطُّغْيَانُ ... وَ أَكْرَمَ الْأَشْرَارُ.^۲

زمانی که نابکاری (فجور) و تهمت و گناه و سرکشی آشکار شود ... و اشرار گرامی داشته شوند.

... إِذَا دَبَّ الْكِبْرُ فِي الْقُلُوبِ دَبِيبَ السَّمِّ فِي الْأَبْدَانِ وَ ظَهَرَتِ الْجِرَائِمُ وَ هُوَّتِ الْعِظَائِمُ.^۳

آن هنگام که خود بزرگ بینی (تکبر) در قلب آدمی، همچون سم در بدن نفوذ می‌کند، گناهان آشکار می‌شوند و دستوره‌های خداوند کوچک شمرده می‌شود.

إِذَا مَشَتْ أُمَّتِي الْمَطِيظَا وَ خَدَمْتَهُمْ أَبْنَاءُ فَارِسٍ وَ الرُّومِ.^۴

هنگامی که امت من با تکبر راه بروند و فرزندان فارس و روم به آنها خدمت کنند.

۱. منتخب الاثر، ص ۴۳۷.

۲. بشاره الاسلام، ص ۱۳۳.

۳. الزام الناصب، ص ۱۸۱.

۴. معانی الاخبار، ص ۳۰۱.

از آنجا که تمثیل، یکی از راه‌های تفهیم مطلب به مخاطب است، رسول خدا نیز برای اینکه مردمان آن دوران بتوانند مطلب را درک کنند فارس و روم را به عنوان مثال بیان فرمودند چرا که در آن دوران دو امپراتور و ابرقدرت شرق و غرب عالم یعنی پارس و روم عظمتی دست نیافتنی در منظر اعراب داشتند و تنها چیزی که به ذهن آنان خطور نمی‌کرد همین بود که روزی خادمانی چون پارسیان و رومیان داشته باشند. اما اکنون و پس از هزار و چند صد سال برخی حاکمان دولت‌های عربی و اسلامی را می‌بینیم که با تکبر بر زمین راه می‌روند و خود را در سایه سار حمایت قدرت‌های شرق و غرب می‌یابند در حالی که این خدمت و حمایت علتی ندارد جز اینکه این حاکمان به دو خواسته قدرت‌ها پاسخ می‌دهند: ۱ - سرسپردگی و معامله بر سر دین و عقیده خود با آنچه که آنان می‌خواهند. ۲ - در اختیار گذاشتن منابع انرژی با بهای اندک برای ثروت اندوزی بیشتر قدرت‌های زورگو، آری از این روست که قدرت‌های شرق و غرب حاضر به خدمتگزاری برای مسلمین خواهند بود، خدمتگزاری که غایتی جز تأمین منافع آنها ندارد اما مسلمین همچنان شوریده وضع موجودند و غافل از اینکه گربه در راه خدا موش نمی‌گیرد!

يَكْتُرُ فِيهِمُ الْمَالُ وَ يُعْظَمُ أَصْحَابُ الْمَالِ.^۱

ثروتشان افزایش می‌یابد و ثروتمندان را گرامی می‌دارند.

... يَكُونُ ذَلِكَ إِذَا عَظُمَتْ أَغْنِيَاءُكُمْ وَ أَهْتَمُّ فُقَرَاءَكُمْ ... وَ رَأَيْتَ

الْخَلْقَ فِي الْمَجَالِسِ لَا يُتَابِعُونَ إِلَّا الْأَغْنِيَاءَ.^۲

... زمانی که ثروتمندان، بزرگ و فقیران پست شمرده شوند ... و

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۹.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۴.



می بینی خلق را که در مجالس غیر از ثروتمندان را پیروی نمی کنند.
 إِذَا سَادَ الْقَبِيلَةَ فَاسَقَهُمْ وَ كَانَ زَعِيمُ الْقَوْمِ أَرَذَلَهُمْ وَ أَكْرَمَ الرَّجُلُ
 مَخَافَةَ شَرِّهِ وَ ظَهَرَتِ الْقَيْنَاتُ وَ الْمَعَارِزُ ... وَ لَعَنَ آخِرَ الْأُمَّةِ أَوْلَهَا،
 فَأَرْتَقِبُوا عِنْدَ ذَلِكَ رِيحاً حَمْرَاءَ وَ زَلْزَلَةً وَ مَسْخاً وَ قَذْفاً وَ آيَاتٍ تَتَابَعُ
 كِنِظَامٍ بِالِ قُطْعِ سِلْكِهِ فَتَتَابَعُ^۱

آن هنگام فاسقان بر مردم حکومت می کنند و انسان های رذل
 رهبر آن ها می شوند، مردم از ترس به آن ها احترام می گذارند و
 غنا و موسیقی آشکار می شود و هر امتی، امت قبل از خود را لعن
 می کند، در این هنگام منتظر باد سرخ، زلزله، مسخ، خسف و
 نشانه های دیگر خداوند باشید که یکی پس از دیگری، همچون
 حلقه های گردنبند بر شما نازل می شوند.

يَتَجَاهَرُ النَّاسُ بِالْمُنْكَرَاتِ ... فَيُنْفِقُ الْمَالَ لِلْغِنَاءِ.^۲

مردم آشکارا به انجام منکرات می پردازند ... و برای موسیقی و
 غنا پول خرج می کنند.

لَيْشْرِبَنَّ أَنْاسٌ مِنْ أُمَّتِي الْخَمْرَ، يُسَمُّونَهَا بِغَيْرِ اسْمِهَا وَ يُضْرَبُ عَلَيَّ
 رُؤْسِهِمْ بِالْمَعَارِزِ.^۳

همانا عده های از امت من شراب را به نامی غیر از شراب

۱. تخف العقول، ص ۳۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۴، ۱۸۳.

۳. مسند احمد، ج ۲، ص ۴۱۸.

می‌نوشند در حالی که بر فراز سرشان موسیقی نواخته می‌شود. آری! اینان خود نیز از پلیدی کردار خویش آگاهند و به همین دلیل نام شراب را عوض کرده‌اند به گمان اینکه با تغییر نام آن پلیدی آن نیز نابود می‌گردد! عده‌ای که نام مسلمانی را یدک می‌کشند به شرب خمر می‌پردازند اما با نامی دیگر، انواع و اقسام مشروبات الکلی و نابودگران عقل و خرد را می‌نوشند و به لِه و لعب مشغول می‌شوند. این احتمال نیز در برداشت از حدیث وجود دارد که عده‌ای از مسلمانان از نوشیدنی‌هایی استفاده می‌کنند که اساساً شراب نام ندارند اما دارای خواص و ویژگی‌ها و آثار شراب هستند، در هر حال با شرمساری باید گفت که هر دو صورت آن در میان برخی مسلمانان رواج دارد.

يُظْهِرُ الْقِمَارُ وَيُبَاعُ الشَّرَابُ ظَاهِرًا لَيْسَ لَهُ مَانِعٌ^۱

قمار آشکار می‌شود و شراب علناً خرید و فروش می‌شود به گونه‌ای که هیچ مانعی برای آن نیست.

متأسفانه، اگر نگوئیم در همه کشورهای اسلامی به جرأت می‌توان گفت در اکثر کشورهای اسلامی چنین فضایی حاکم است، قمار بازان آشکارا قمار بازی می‌کنند و شراب به راحتی و در منظر همه افراد خرید و فروش می‌شود و هیچ کس جرأت مقابله و جلوگیری از آن را ندارد.

... وَ مَنْ أَكَلَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى يُخَمِّدُ بِصَلَاتِهِ^۲

... و کسی که اموال یتیمان را بخورد به عنوان فردی شایسته از

۱. منتخب الاثر، ص ۴۳۰.

۲. بشارة الاسلام، ص ۱۳۵.



او ستایش می‌شود.

... تُقَسَّمُ أَمْوَالُ ذَوِي الْقُرْبَى بِالزُّورِ وَ يُتَقَامَرُ عَلَيْهَا وَ تُشْرَبُ بِهَا
الْخُمُورُ^۱

... اموال نزدیکان (پیامبر ﷺ) به زور خورده می‌شود و با آن قمار
بازی و شراب خورده می‌شود.

آری، اموال نزدیکان پیامبر ﷺ به ناروا خورده می‌شود، وقتی مسلمانان
خمس مال خود را که بخشی از آن سهم امام علیؑ و مال ذوی القربی است
نمی‌پردازند به روشنی می‌یابیم که چگونه اموال ذوی القربی پیامبر ﷺ به
ناروا خورده می‌شود و صرف امور حرام می‌گردد.

لِيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، يَسْتَحِلُّونَ الْخَمْرَ، عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ
وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ^۲

زمانی بر مردم فرا می‌رسد که شراب را حلال می‌شمارند، لعنت
خدا و همه ملائکه و مردم بر آن‌ها باد.

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هُمْ ذِئَابٌ، فَمَنْ لَمْ يَكُنْ ذِئْبًا أَكَلَتْهُ الذِّئَابُ^۳

زمانی می‌آید که مردم گرگ می‌شوند پس کسی که گرگ
نیاشد، گرگ‌ها او را می‌خورند.

إِذَا لَبَسَ النَّاسُ جُلُودَ الضَّأْنِ عَلَى قُلُوبِ الذِّئَابِ وَ قُلُوبُهُمْ أَنْتَنُ مِنْ

۱. منتخب الاثر، ص ۴۳۱.

۲. بشارة الاسلام، ص ۷۶.

۳. تحف العفول، ص ۴۴.

الْجِيفِ وَ أَمْرٌ مِنَ الصَّبْرِ ...^۱

هنگامی که مردمان بر دلهای گرگ صفت خود لباس می‌پوشانند و دلهایشان از مردار گندیده‌تر و از حنظل تلخ‌تر است ...

كَلَامُهُمْ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَ قُلُوبُهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْحَنْظَلِ! مَا مِنْ يَوْمٍ إِلَّا يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَمِنِّي تَفِرُونَ أَمْ عَلَيَّ تَتَجَرَّأُونَ؟ «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَ أَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ».^۲

کلام آنها از عسل شیرین‌تر و دلهایشان از حنظل تلخ‌تر است. خداوند هر روز به آنها می‌فرماید: آیا از من فرار می‌کنید یا بر من گستاخی می‌کنید؟ «آیا گمان می‌کنید که بیهوده آفریده شده‌اید و به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید».

... إِذَا كَثَرَ الطَّلَاقُ وَ لَا يَقَامُ حَدٌّ.^۳

... زمانی که طلاق بسیار شود و حدود الهی بر پا نشود.

پس از دوران طلایی حاکمیت عدل یعنی آن هنگام که مردمان نمایندگان پاک نهاد پروردگار عالم را از مسند قدرت کنار زدند و به جای آنان شیطان سیرتان انسان‌نما را برگزیدند بسیاری از حدود الهی تعطیل شد و امروز انسان هزاره سوم میلادی شاهد آمار روزافزون طلاق و جدایی و از هم پاشیدگی

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۵.

۲. مؤمنون، آیه ۱۱۵؛ الزام الناصب، ص ۱۸۲.

۳. الزام الناصب، ص ۱۸۲.



خانواده‌هاست. از آن هنگام که دوران نوگرایی و فرانوگرایی رو به اوج گرفت، اخلاق و ارزش‌های انسانی رو به افول نهاد و روز به روز به نابودی نزدیک‌تر می‌شود. آری حتی در ادیانی هم که طلاق امری حرام معرفی می‌شد اکنون حکم به حلال بودن آن می‌شود، به راستی تا به کی می‌توان به نظارهٔ پیکر نیمه‌جان انسانیت نشست و دست روی دست گذاشت، تا گوهر بی‌همتای آفرینش در منجلاب هوا پرستی‌های بی‌انتهای نابودی گراید؟

... لَتَرْكَبُنَّ سُنَنَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ شِبْرًا بِشِبْرٍ وَ ذَرِاعًا بَذِرَاعٍ، لَوْ أَنَّ
أَحَدَكُمْ دَخَلَ فِي حُجْرٍ ضَبٌّ لَدَخَلْتُمْ فِيهِ وَ حَتَّىٰ أَنْ أَحَدَكُمْ لَوْ جَامَعَ
أَمْرَأَتَهُ فِي الطَّرِيقِ لَفَعَلْتُمُوهُ.^۱

... همانا سنت‌های مردمان پیشین در میان شما وجب به وجب و مو به مو اجرا خواهد شد، اگر یک نفر از آن‌ها وارد خانهٔ سوسماری شود شما نیز همچون او وارد خواهید شد و حتی اگر یکی از آن‌ها در راه با همسرش نزدیکی کند، شما نیز حتماً چنین خواهید کرد.

غم بارتر از این چه می‌تواند باشد که انسانی پیرو بی‌چون و چرای انسان دیگری همانند خود شود؟ مگر نه آنکه پروردگار بی‌همتا آدمیان را مفتخر به داشتن گوهری تابناک نموده است که سایر آفریده‌ها از آن محروم‌اند؟ مگر نه آنکه آدمی صاحب عقل و خرد و اندیشه است؟ پس چرا از آن بهره نمی‌برد و همچون حیوانات پیرو پیشینیان خود می‌شود؟ عقل گوهری تابناک است که از سوی آفرینندهٔ یگانه در نزد آدمی به امانت نهاده شده تا با بهره‌گیری از نور آن راه خوشبختی و سعادت را از بیراهه‌های تباهی تشخیص دهد. میراث فکری و

۱. نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۴۷۱.

آئینی پیشینیان از دو حال خارج نیست یا با حکم عقلانیت سعادت محور همراهی می‌کند و یا سر از میان مخالفان حکم عقل در می‌آورد که در چنین صورتی پیروی از آن خط بطلانی بر انسانیت انسان است و باید فاتحهای نثار پیکر بی‌جان آدمیت نمود.

... وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَتَسَافِدُونَ كَمَا تَتَسَافَدُ الْبَهَائِمُ، لَا يُنْكَرُ أَحَدٌ مُنْكَرًا
تَخَوُّقًا مِنَ النَّاسِ.^۱

... و مردم را می‌بینی درحالی که همچون چهارپایان (آشکارا) فساد می‌کنند (با یکدیگر نزدیکی می‌کنند) و به خاطر ترس از مردم کسی نمی‌تواند چیزی بگوید.

انسان عصر فرانوگرایی و مردمان پایان دوران ناجوانمردانه ضربات مهلکی بر پیکر نیمه‌جان اخلاق می‌نوازند به گونه‌ای که اندکی تا جان سپردن آن باقی نمانده است. در دوران ما روابط نامشروع و غیر اخلاقی جنسی در سرزمین‌های شرقی و غربی زمین فزونی یافته و گویی تبدیل به یکی از شرایط حیات در دوران معاصر گشته است به طوری که اگر کسی جز این کند فردی غیر متمدن و واپسگرا قلمداد می‌شود. اکنون تمام امور جنسی بین زن و مرد به گونه‌ای هولناک و همچون درختی تناور در حال رشد است به طوری که دیگر حتی از دست شرم و حیا و عفت و پاکدامنی هم کاری ساخته نیست، این افراد روی حیوانات را هم سفید کرده‌اند و در برابر دیدگان دیگران با راحتی کامل دست به اعمال شنیعی می‌زنند که حتی حیوانات از انجام آن شرم دارند.

اکنون ما هستیم و یک قانون مسلم و آن اینکه زمانی که آتش بیاید تر و



خشک را با هم می‌سوزاند. کدام وجدان بیدار و آگاه است که چنین انسان‌هایی را شایستهٔ بلا و عذاب نداند، بلاهایی که آخرین رسول پروردگار هم وعدهٔ آن‌ها را داده‌اند و ما مردمان پایان دوران را از آنها آگاه کرده‌اند؛ اکنون با زیر پا گذاشتن اصل بقا سلامت جامعه یعنی امر به معروف و نهی از منکر و آشکار شدن آثار این عمل باید در انتظار عذاب الهی باشیم و وای بر آن روز که دیگر خوب و بد را از هم تشخیص نمی‌دهد و در چنین زمانی خشک و تر به آتش عذاب الهی خواهند سوخت. بهترین درمان پیشگیری است، پس علاج واقعه قبل از وقوع کنیم و قبل از نزول عذاب الهی به سوی درگاه بخشش پروردگار بازگردیم و از اعمال خویش توبه کنیم و راه حق را پیش گیریم.

در اینجا به پایان نقل فرمایشات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌رسیم و ادامهٔ مطلب را در پیشگاه امیر مؤمنان علیه السلام پی می‌گیریم.

گفتار دوم: روایات امیر مؤمنان علیه السلام

... يُصْبِحُ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ ذَكِيلًا وَالْفَاسِقُ فِيمَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ مُخْمُودًا.^۱

... کسی که امر به معروف می‌کند با خواری صبح می‌کند و فاسق با گناهکاری مورد ستایش دیگران است.

... وَلَا يَزْدَادُ الْأَمْرُ إِلَّا شِدَّةً وَلَا الدُّنْيَا إِلَّا إِذْبَارًا.^۲

... و بر کارها (و اوضاع و احوال) افزوده نمی‌شود مگر سختی و دنیا به مردمان پشت می‌کند.

۱. منتخب الاثر، ص ۲۹۲.

۲. نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۵۲۸.

لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُظَرَّفُ فِيهِ الْفَاجِرُ وَ يُقَرَّبُ فِيهِ الْمَاجِنُ وَ
يُضَعَّفُ فِيهِ الْمُنْصِفُ.^۱

همانا زمانی بر مردم می‌آید که در آن گناهکاران مورد احترام‌اند و ندیمان مقرب‌اند و منصفان ضعیف‌اند.

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُقَرَّبُ فِيهِ إِلَّا الْمَاحِلُ وَلَا يُظَرَّفُ فِيهِ إِلَّا
الْفَاجِرُ وَلَا يُضَعَّفُ إِلَّا الْمُنْصِفُ يَعْدُونَ الصَّدَقَةَ فِيهِ غُرْمًا وَ صَلَةَ الرَّحِمِ
مَنًّا وَ الْعِبَادَةَ اسْتِطَالَةً عَلَى النَّاسِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَكُونُ السُّلْطَانُ بِمَشُورَةِ
النِّسَاءِ وَ إِمَارَةَ الصِّبْيَانِ وَ تَدْبِيرَ الْخِصْيَانِ.^۲

زمانی می‌آید که حيله‌گران مقرب و گناهکاران مورد احترام و منصفان ضعیف هستند، صدقه را جریمه می‌دانند و با منت صله رحم می‌کنند و برای فخر فروشی بر مردم عبادت می‌نمایند، پس در آن زمان حاکم با مشورت زنان و دستور کودکان و تدبیر خواجهگان حکومت می‌کند.

... قُبِلَتْ شَهَادَةُ الزُّورِ وَ رُدَّتْ شَهَادَةُ الْعَدْلِ وَ اسْتَخَفَّ النَّاسُ بِالْذِمَاءِ وَ
ارْتَكَبَ الزُّنَا وَ أَكَلَ الرَّبَا وَ اتَّقَى الْأَشْرَارَ مَخَافَةَ أَلْسِنَتِهِمْ.^۳

... شهادت دروغ پذیرفته می‌شود در حالی که شهادت عادل رد

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۶۵.

۲. بشاره الاسلام، ص ۲۵.

۳. كشف الغم، ج ۳، ص ۳۲۴.



می شود و مردمان خون را سبک می شمارند، مرتکب زنا می شوند، ربا می خورند و از ترس زبان اشرا را به آنها احترام می گذارند.

عَلَامَةٌ ذَلِكَ إِذَا أَمَاتَ النَّاسُ الصَّلَاةَ وَ أَضَاعُوا الْأَمَانَةَ وَ اسْتَحَلُّوا
الْكَذِبَ وَ أَكَلُوا الرِّبَا وَ أَخَذُوا الرُّشَى وَ شَيَّدُوا الْبُنْيَانَ وَ بَاعُوا الدِّينَ
بِالدُّنْيَا وَ اسْتَعْمَلُوا السُّفَهَاءَ وَ شَاوَرُوا النِّسَاءَ وَ قَطَعُوا الْأَرْحَامَ، وَ اتَّبَعُوا
الْأَهْوَاءَ وَ اسْتَخَفُّوا بِالِدِّمَاءِ وَ ظَهَرَتْ شَهَادَاتُ الزُّورِ وَ اسْتَعْمَلَ الْفُجُورُ
وَ قَوْلُ الْبُهْتَانِ وَ الْإِثْمِ وَ الطُّغْيَانِ.^۱

نشانه آن (زمان) هنگامی است که مردم نماز را بمیرانند، امانت را ضایع کنند، دروغ را حلال بشمارند، و ربا می خورند و رشوه می گیرند، بناها را بلند و محکم می سازند، و دین را به دنیا می فروشند، سفیهان را به کار گیرند و با زنان مشورت می کنند، رحمها را قطع می کنند و هواهای نفسانی را پیروی می کنند، و خون را سبک می شمارند، و شهادت های دروغ آشکار می شود، و فجور و تهمت و گناه و سرکشی به کار گرفته می شود.

وَ تَعَامَلُوا بِالرِّبَا وَ تَظَاهَرُوا بِالزُّنَى ... وَ اسْتَحَلُّوا الْكَذِبَ وَ اتَّبَعُوا
الْهَوَى.^۲

و با ربا معامله می کنند و زنا را آشکار می کنند ... دروغ را حلال

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۷.

می‌شمارند و از هوای نفس پیروی می‌کنند.

إِذَا رَأَيْتَ كُلَّ عَامٍ يَخْدُثُ فِيهِ مِنَ الشَّرِّ وَالْبِدْعَةِ أَكْثَرَ مِمَّا كَانَ^۱

در آن هنگام (هنگام ظهور) شرّ و بدعت هر سال بیشتر از سال‌های قبل اتفاق می‌افتد.

بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ سِنِينَ خَدَاعَةٍ يُكْذِبُ فِيهَا الصَّادِقُ وَ يُصَدِّقُ فِيهَا الْكَاذِبُ وَ يُقَرِّبُ فِيهَا الْمَاحِلُ وَ يَنْطِقُ الرُّوَيْبِضَةُ^۲

در آستانه (ظهور) قائم سال‌هایی بسیار فریبنده است، که در آن‌ها راستگو تکذیب و دروغو تصدیق می‌شود و حيله‌گر مقرب می‌شو و افراد بی‌صلاحیت سخن می‌گویند.

نیک بنگریم آیا در دوران ما راستگویان تکذیب نمی‌شوند؟ آیا دروغویان تصدیق و تأیید نمی‌شوند؟ آیا افراد بی‌صلاحیت به سخن پراکنی نمی‌پردازند؟ به راستی آیا افراد کارآمد و صاحب تخصص، پردازش اموری را به دست گرفته‌اند؟ اندکی انصاف آدمی را وادار به اعتراف می‌کند که در این دوران بسیار افراد بی‌صلاحیت هستند که در راس امور قرار گرفته‌اند و بسیار انسان‌های عاقل و کارآمد به گوشه تنهایی رانده شده‌اند.

إِذَا أَخَذَ الْبَاطِلُ مَآخِذَهُ وَ رَكِبَ الْجَهْلُ مَرَآكِبَهُ وَ هَدَرَ فَنِيقُ الْبَاطِلِ بَعْدَ كُظُومٍ وَ تَأَخَى النَّاسُ عَلَى الْفُجُورِ وَ تَهَاجَرُوا عَلَى الدِّينِ وَ تَحَابَّوْا

۱. منتخب الاثر، ص ۴۳۱.

۲. الغیبه النعمانی، ص ۱۴۸.



عَلَى الْكَذِبِ وَ تَبَاغَضُوا عَلَى الصِّدْقِ ...^۱

هنگامی که باطل به کار گرفته می‌شود و جهالت بر مرکب خود سوار می‌گردد و پس از مدتی سکوت ناقوس باطل به صدا در می‌آید و مردمان برای گناه کردن با یکدیگر همکاری می‌نمایند و از دین فرار می‌کنند و به خاطر دروغگویی یکدیگر را دوست دارند و به خاطر راستگویی بر یکدیگر غضب می‌کنند ...

آن هنگام که حاکمیت جامعه در دست نمایندگان پرودگار در زمین بود، صدایی از ناقوس باطل به گوش نمی‌رسید، اما به محض بی‌مهری مردمان نسبت به حاکمان آسمانی، ناقوس باطل به صدا درآمد، صدایی گوش‌خراش، که آدمیان را نوید سیه‌روزی و بدبختی می‌داد و امروز انسانِ پایان دوران شنوندهٔ بلندترین صدایی است که تا کنون از آن به گوش رسیده است.

... يَسْتَحِلُّ الْفِتْيَانُ الْمَغَانِيَّ وَ شَرِبَ الْخَمْرَ.^۲

... جوانان غنا (موسیقی مطرب گونه) و شرب خمر را حلال می‌دانند.
... وَ يَفْتَخِرُونَ بِشُرْبِ الْخُمُورِ وَ يَضْرِبُونَ فِي الْمَسَاجِدِ بِالْعِيدَانِ وَ الْمَزَامِيرِ فَلَا يُنْكَرُ عَلَيْهِمْ أَحَدٌ، أَوْلَادُ الْعُلُوجِ يَكُونُونَ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ الْكَاكِبَرِ وَ يَرَعَى الْقَوْمَ سَفَهَاؤُهُمْ.^۳

... به خوردن شراب افتخار می‌کنند و در مساجد، نی و بربط

۱. منتخب الاثر، ص ۴۳۷.

۲. الزام الناصب، ص ۱۹۵.

۳. الزام الناصب، ۱۸۴.

می‌زنند و هیچکس هم به آنها اعتراض نمی‌کند، فرزندان کافران جزء بزرگان به حساب می‌آیند و کم خردان بر مردم رهبری می‌کنند.

با کمال تأسف امروزه شاهد آن هستیم که قبله‌گاه نخستین مسلمانان، مسجدالاقصی در چنگال خونریز صهیونیست‌ها به مرکزی برای لهو و لعب و نواختن موسیقی تبدیل شده است و فرزندان کافران بی‌دین بر آنجا مسلط گشته‌اند. حتی در مساجد خود ما نیز به بهانه‌های مختلف موسیقی نواخته می‌شود و به روشنی تحقق سخن امیرمؤمنان را مشاهده می‌کنیم.

... و رَأَيْتَ السُّلْطَانَ يَحْتَكِرُ الطَّعَامَ.^۱

... و حاکمان را می‌بینی در حالی که غذاها را احتکار می‌کنند.

در آخرالزمان برخی حاکمان مواد خوراکی را انبار می‌کنند و بسیار کمتر از تقاضا و نیاز جامعه آنها را عرضه می‌کنند تا با تولید قیمت کاذب سود بیشتری به جیب خود وارد کنند.

وَالْفَقِيرُ بَيْنَهُمْ ذَلِيلٌ حَقِيرٌ وَ الْمُؤْمِنُ ضَعِيفٌ صَغِيرٌ وَ الْعَالِمُ عِنْدَهُمْ وَ ضِعٌّ وَ الْفَاسِقُ عِنْدَهُمْ مُكْرَمٌ وَ الظَّالِمُ عِنْدَهُمْ مُعْظَمٌ وَ الضَّعِيفُ عِنْدَهُمْ هَالِكٌ وَ الْقَوِيُّ عِنْدَهُمْ مَالِكٌ.^۲

فقیر بین آنها ذلیل و حقیر است و مؤمن ضعیف و کوچک است و عالم پست و فاسق گرامی است و ظالم بزرگوار است، ضعیف هلاک شده و قوی صاحب اختیار است.

۱. منتخب الاثر، ص ۴۲۸.

۲. الزام الناصب، ص ۱۹۵.



... وَ يَبْطُلُ حُدُودُ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ يُقَالُ: رَأَى فُلَانٌ وَ زَعَمَ فُلَانٌ وَ يُتَّخَذُ الْآرَاءُ وَالْقِيَاسُ وَ يُنْبَذُ الْآثَارُ، فَعِنْدَ ذَلِكَ تُشْرَبُ الْخُمُورُ وَ تُسَمَّى بِغَيْرِ إِسْمِهَا وَ يُضْرَبُ عَلَيْهَا بِالْعَرُطَبَةِ وَ الْكُوبَةِ وَ الْقَيْنَاتِ وَ الْمَعَارِزِ وَ تُتَّخَذُ آنِيَةُ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ.^۱

... احکام و مرزهایی که خداوند در کتابش بر پیامبرش محمد ﷺ نازل فرموده باطل می‌شود و می‌گویند: «فلانی چنین نظری دارد» و «فلانی چنین می‌گوید» و نظر و عقیده آنان را می‌پذیرند و سنت اسلامی را رها می‌کنند. در آن زمان، شراب را می‌نوشند در حالی که نام دیگری (غیر از شراب) بر آن نهاده‌اند و در مجالس مشروب از موسیقی، نرد و شطرنج استفاده می‌کنند و استفاده از ظروف طلا و نقره رایج می‌گردد.

گویی فرمانروای مؤمنان علی عليه السلام در دوران ما زندگی کرده‌اند که چنین دقیق اوضاع و احوال مردمان را بیان فرموده‌اند اما مردان خدا از دیدن و لمس کردن مشهودات و ملموسات بی‌نیازند چرا که آنان وجودی خداگونه دارند و به خواست آفرینشگر بی‌همتا آینده‌آیندگان را آشکارا و با دیدی الهی مشاهده می‌کنند. آری دوران ما، دوران مهجوری انسانیت است، دورانی است که جهل و هوای نفس قلمرو امپراتوری خود را تا دروازه‌های آخرین دژ نجات‌بخش انسانیت یعنی عقل، گسترش داده‌اند و بی‌صبرانه در انتظار فتح این امیدگاه انسانیت هستند. چه کم، چه زیاد فرقی ندارد اما وجود دارد مجالسی تاریک و آلوده به فسق و فجور که در آن مرزهای

سرزمین سعادت در نوردیده می‌شود و حاضران در آن شتابان به سوی مرداب‌های هلاکت و تباهی در حرکت‌اند. عقل این راهنمای درونی و حجت پرودگار بر انسان، در دوران ما گویی کاری از دستش بر نمی‌آید چرا که هر چه فریاد برمی‌آورد گوش شنوایی نمی‌یابد و این حیوان ناطق (بنابر تعریف منطقی انسان) صاحب نطق، گویا فراموش کرده است که از نعمتی به نام عقل و خرد برخوردار است که می‌تواند او را در جدایی بین حق و باطل یاری دهد و می‌تواند او را از پیروی بی‌چون و چرای حیوان گونه از نظرات و دیدگاه‌هایی که واضح‌البطلان هستند رهایی بخشد و به او این جرأت را بدهد که خود بیندیشد و راه خوشبختی را در واپسین آئین آسمانی بجوید نه در واگویی‌های انسان‌هایی همچون خود که خود نیز از صحت آن مطمئن نیستند.

دَخَلَ النَّاسُ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا^۱ وَ سَيُخْرَجُونَ مِنْهُ أَفْوَاجًا^۱

مردمان گروه گروه وارد دین خدا می‌شوند و به زودی گروه گروه از آن خارج می‌شوند.

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرمایند:

يُخْرَجُ النَّاسُ مِنْ دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا كَمَا دَخَلُوا فِيهِ أَفْوَاجًا^۲

مردم گروه گروه از دین خدا خارج می‌شوند همانگونه که گروه گروه داخل آن شدند.

آری در این دوران دین خدا به نمایشگاهی برای بازدید عموم تبدیل می‌شود که مردمان گروه گروه بدان وارد می‌شوند و سپس همانطور که وارد شده بودند گروه گروه از آن خارج می‌شوند؛ افسوس از بی‌فکری ما آدمیان که همه چیز را به بازی گرفته‌ایم، دریغ از اندکی تأمل، تأملی اندک اما پربار،

۱. الملاحم والفتی، ص ۱۰۸ و ۱۴۴.

۲. الملاحم و الفتن، ص ۱۰۸ و ۱۴۴.



بیاید قدری با خود بیندیشیم، به راستی ما از کجا آمده‌ایم؟ برای چه آمده‌ایم؟ و به کجا خواهیم رفت؟ آیا پوچ‌گرایی و لذت‌جویی می‌تواند پاسخ مناسبی در برابر این سوالات عمیق و در عین حال ساده باشد؟ آیا تن دادن به روزمرگی‌های زندگی درمان مناسبی برای این دغدغه فکری است؟ اندیشه‌های روشمند و روشنگر مهم‌ترین رکن سعادت است، بیائیم با اندیشیدن حداقل حجتی بر اعمال و رفتارمان بیابیم تا در دادگاه عدل الهی سر افکنده نباشیم.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

يَخْرُجُ بَعْدَ أَيَّاسٍ وَ حَتَّى يَقُولَ النَّاسُ: لَا مَهْدِيَّ!

(قائم) بعد از ناامیدی ظهور می‌کند به گونه‌ای که مردم می‌گویند: (او) مهدی نیست.

لَقَدْ خَالَطَ الشَّيْطَانُ أُمَّةً مِنْهُمْ ... وَ وَجَّحَ فِي دِمَائِهِمْ وَ يُوسِّسُ لَهُمْ بِالْإِفْكِ حَتَّى تَرْكَبَ الْفِتْنَ الْأَمْصَارَ وَيَقُولُ الْمُؤْمِنُ الْمَسْكِينُ الْمُحِبُّ لَنَا: إِنِّي مِنَ الْمُسْتَضْعَفِينَ! وَ خَيْرُ النَّاسِ يَوْمَئِذٍ مَنْ يَلْزَمُ نَفْسَهُ وَ يَخْتَفِي فِي بَيْتِهِ عَنِ مُخَالَطَةِ النَّاسِ.^۲

شیطان در اجزای بدنشان نفوذ کرده ... و با خونشان مخلوط شده است و مردمان را وسوسه می‌کند که تهمت بزنند تا فتنه‌ها افق شهرها را فرا گیرد، مؤمن بیچاره‌ای که دوستدار ماست می‌گوید: من از مستضعفانم! و بهترین مردمان در آن دوران کسی است

۱. الملاحم والفتن، ص ۵۰.

۲. الزام الناصب، ص ۱۹۷.

که مراقب خود باشد و در خانه‌اش بماند و از همنشینی با مردم دوری کند.

به امید آنکه ما جزء بهترین مردمانی باشیم که فرمانروای مؤمنان علی علیه السلام آنان را وصف فرموده‌اند.

گفتار سوم: روایات امام باقر علیه السلام

لا يَخْرُجُ إِلَّا إِذَا عَضَّ الزَّمَانُ وَ جَفَا الْإِخْوَانُ وَ ظَلَمَ السُّلْطَانُ.^۱

(قائم) ظهور نمی‌کند مگر در روزگاری سخت و جانکاه که برادران ظلم می‌کنند و حاکمان ستم روا می‌دارند.

أَنِّي يَكُونُ ذَلِكَ وَ لَمْ يَعْصِ الزَّمَانُ؟ أَنِّي يَكُونُ ذَلِكَ وَ لَمْ يَجْفُ الْإِخْوَانُ؟ أَنِّي يَكُونُ ذَلِكَ وَ لَمْ يَظْلِمِ السُّلْطَانُ؟^۲

چگونه او (قائم) اکنون ظهور کند در حالی که روزگار سخت و جانکاه نشده‌است؟ و چگونه در حالی که برادران ظلم نکرده‌اند؟ و چگونه در حالی که حاکمان ستم روا ننموده‌اند؟

إِذَا ظَهَرَتْ بَيْعَةُ الصَّبِيِّ قَامَ كُلُّ ذِي صِيصِيَةٍ بِصِيصِيَتِهِ.^۳

هنگامی که بیعت کودکان آشکار شود، هر مسلحی سلاح به دست می‌گیرد.

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۸۰.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۴۱.

۳. الزام الناصب، ص ۱۷۸.



امروزه شاهد فراوانی سلاح در دست مردمان هستیم به طوری که بر اساس آمارهای اعلام شده بیشترین سلاح‌های گرم در دست غیر نظامیان است و هر روزه عده‌ای با همین سلاح‌ها کشته می‌شوند.

إِذَا أَصْبَحَ الْمُؤْمِنُ ذَلِيلًا وَ الْمُنَافِقُ عَزِيزًا وَ يَكُونُ الْمُؤْمِنُ أَدْلًا مِنَ الْأُمَّةِ^۱

هنگامی که مؤمن خوار می‌گردد و منافق عزیز می‌شود و مؤمن از کنیز هم ذلیل‌تر است.

لَا يَخْرُجُ إِلَّا بَعْدَ فِتْنَةٍ تُسْتَحَلُّ فِيهَا الْمَحَارِمُ كُلُّهَا، ثُمَّ تَأْتِيهِ الْخِلَافَةُ وَ هُوَ قَاعِدٌ فِي بَيْتِهِ وَ هُوَ خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ^۲

(قائم) ظهور نمی‌کند مگر بعد از فتنه‌ای که تمام حرام‌ها را حلال می‌کند. سپس در حالی که در خانه نشسته است خلافت به سوی او می‌آید و او بهترین زمینیان است.

در طول تاریخ حیات بشر فتنه‌های فراوانی روی داده است که در آن محارم الهی را حلال شمرده‌اند اما شاید این فتنه، فتنه سفیانی باشد، فتنه‌ای سترگ که تاریخ نظیرش را به یاد ندارد و همین فتنه سترگ است که مردمان را جان بر لب می‌کند تا بی‌تابانه در پی نجات دهنده‌ای عادل باشند تا آنان را رهایی بخشیده و حاکمیت عدل را بر سرنوشت آدمیان برقرار سازد به امید آن روز.

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۱، ۱۸۲.

۲. بشاره الاسلام، ص ۱۳۳.

گفتار چهارم: روایات امام صادق علیه السلام

يَخْرُجُ حِينَ تَغْيَرِ الْبِلَادِ وَ ضَعْفِ الْعِبَادِ وَ حِينَ الْيَأْسِ مِنَ الْفَرَجِ.^۱

(قائم) زمانی ظهور می کند که سرزمین ها دگرگون و بندگان ضعیف و مردم از گشایش در امور (فرج) نا امید شوند.

يُؤْذِي الْجَارُ جَارَهُ، لَيْسَ لَهُ مَانِعٌ.^۲

همسایه، همسایه اش را اذیت می کند در حالی که هیچ مانعی (از اذیت کردن همسایه) برایش وجود ندارد.

وَ رَأَيْتَ الْجَارَ يُؤْذِي جَارَهُ خَوْقًا مِنْ لِسَانِهِ.^۳

همسایه ای را می بینی که همسایه اش را اذیت می کند و همسایه از زبان او می ترسد.

تَفْسُوا الْقُلُوبُ وَ تَمْتَلِي الْأَرْضُ جَوْرًا وَ يَكْثُرُ الْقَتْلُ حَتَّى تَخْزَنَ ذَوَاتُ الْأَوْلَادِ وَ تَفْرَحَ الْعَوَاقِرُ فَبَيْنَ يَدَيْ خُرُوجِهِ بَلْوَى أَى بَلْوَى لِلْمُقِيمِينَ عَلَى الْبَاطِلِ وَ هُوَ انتِقَامٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى.^۴

قلبها سخت و زمین پر از ظلم می شود و قتل آن قدر افزایش می یابد که مادران برای فرزندان شان می ترسند و کسانی که فرزند ندارند خوشحال اند و در زمان ظهورش بلای سختی برای اهل باطل

۱. بشارة الاسلام، ص ۲۷۸.

۲. بشارة الاسلام، ص ۱۳۲.

۳. الزام الناصب، ص ۱۸۳.

۴. منتخب الاثر، ص ۳۴۸.



خواهد بود و آن انتقامی است از جانب خداوند بلندمرتبه.

انسان همواره دوست دارد فرزندی داشته باشد تا نسل او را ادامه دهد، اما دورانی فرا می‌رسد که فرزند داران ناراحت‌اند و آنانکه صاحب فرزند نمی‌شوند از این امر شادمان‌اند چرا که با نداشتن فرزند دیگر نگرانی هم نخواهند داشت، پناه می‌بریم به خدای یکتا که تنها قدرت مؤثر در عالم وجود است از آن روز و فتنه‌هایش.

إِذَا رَأَيْتَ الشَّرَّ ظَاهِراً لَا يُنْهَى عَنْهُ وَ يُعْذَرُ صَاحِبُهُ وَ رَأَيْتَ الْفِسْقَ قَدْ ظَهَرَ وَ رَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ صَامِتاً لَا يُقْبَلُ قَوْلُهُ وَ رَأَيْتَ الْفَاسِقَ يَكْذِبُ وَ لَا يُرَدُّ عَلَيْهِ كَذِبُهُ وَ فَرِيَّتُهُ^۱

هنگامی که می‌بینی شر آشکار شده است و کسی جلوی آنرا نمی‌گیرد و بهانه می‌آورند و می‌بینی که فسق، علنی شده است و مؤمن را می‌بینی که ساکت است چون سخنان او پذیرفته نمی‌شود و می‌بینی که فاسق دروغ می‌گوید در حالی که کسی دروغ و تهمت او را رد نمی‌کند.

.... يَكُونُ صَاحِبُ الْمَالِ أَعَزَّ مِنَ الْمُؤْمِنِ وَ يَصِيرُ الْمُؤْمِنُ ضَعِيفاً وَ الْمُنَافِقُ عَزِيزاً وَ الْفَقِيرُ حَقِيراً وَ الْعَالِمُ وَ ضِعْفاً وَ الْفَاسِقُ مُكْرَماً وَ الظَّالِمُ مُعَظَماً^۲

... ثروتمند، عزیزتر از مؤمن است و مؤمن ضعیف است و منافق عزیز

۱. منتخب الاثر، ص ۴۲۹.

۲. بشارة الاسلام، ص ۷۵.

است و فقیر حقیر است و عالم پست است و فاسق گرامی است و ظالم محترم است.

إِذَا صَارَ لِأَهْلِ الزَّمَانِ وَجُوهٌ جَمِيلَةٌ وَ ضَمَائِرٌ رَدِيئَةٌ فَمَنْ رَأَاهُمْ أَعْجَبُوهُ
وَمَنْ عَامَلَهُمْ ظَلَمُوهُ.^۱

هنگامی که مردمان آن زمان ظاهری زیبا و باطنی پست دارند. هر کس آن‌ها را ببیند تعجب می‌کند و کسی که با آن‌ها معامله کند مورد ظلم قرار می‌گیرد.

إِذَا رَأَيْتَ السَّكَرَانَ يُصَلِّيَ بِالنَّاسِ وَلَا يُشَانُ بِالسُّكْرِ وَإِذَا سَكَرَ
الْإِنْسَانُ أَكْرَمَ وَ اتَّقَى وَ خِيفَ شَرُّهُ وَ تَرَكَ لَا يُعَاقَبُ وَ يُعْذَرُ لِسُكْرِهِ.^۲

هنگامی که می‌بینی انسان مستی به نماز ایستاده است و کسی به او چیزی نمی‌گوید و هنگامی که مست می‌شود به او احترام می‌گذارند و از شر او می‌ترسند ولی او را رها می‌کنند و در مستی‌اش او را معذور می‌دارند.

عقل یگانه گوهری است که ارزش انسان را با آن محک می‌زنند و در صورت فقدان آن آدمی، حیوانی دو پا می‌شود که از هر جنبنده‌ای هولناک‌تر است و این شرب خمر است که انسان به اختیار خود با ارتکاب آن خویشتن را در زمره حیوانات داخل می‌کند و خطرناک‌ترین جنبنده می‌شود و خود را به ورطهٔ هلاکت می‌کشاند همان گونه که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

۱. الزام الناصب، ص ۱۹۴.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۴.



الْخَمْرُ رَأْسُ كُلِّ إِثْمٍ وَ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ^۱

شراب اساس هر گناه و کلید هر بدی ای است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

أَنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِلشَّرِّ أَقْفَالًا وَ جَعَلَ مَفَاتِيحَهَا الشَّرَّابَ وَ مَا عُصِيَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَشَدُّ مِنْ شُرْبِ المُسْكِرِ لِأَنَّ أَحَدَهُمْ يَدَعُ صَلَاةَ الفَرِيضَةِ وَ يَثْبُ عَلَى أُمِّهِ وَ أُخْتِهِ وَ ابْنَتِهِ وَ هُوَ لَا يَعْقِلُ^۲.

خداوند برای هر شری قفلی معین کرده است که کلید تمام این قفل‌ها شراب است. خداوند به چیزی بدتر از شراب نافرمانی نشده است، زیرا انسان نماز واجبش را ترک می‌کند، و در حال که بی‌عقلی مادر، خواهر و دخترش را مورد تعرض قرار می‌دهد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ده گروه که در تهیه و توزیع شراب نقش دارند را

نفرین کرده‌اند:

- ۱ - کسی که درخت آن را بکارد.
- ۲ - کسی که از درخت آن نگهداری کند.
- ۳ - کسی که عصاره آن را بگیرد.
- ۴ - کسی که آن را بخورد.
- ۵ - کسی که پخش کننده (ساقی) آن باشد.
- ۶ - کسی که بار شراب را حمل کند.
- ۷ - کسی که آن بار به سوی او حمل شود.

سند احمد، ج ۲، ص ۴۱۸.

صافی، ج ۱، ص ۲۴۸.

۸ - کسی که آنرا بفروشد.

۹ - کسی که آن را بخرد.

۱۰ - کسی که پول آن را بخورد.

اما صد افسوس که با این حال شراب، عروس سفره‌ها و نُقل مجالس است و بر سر هر سفره‌ای و در هر مجلسی یافت می‌شود.

و رَأَيْتَ الْخَمْرَ يُتَدَاوَى بِهَا وَ تُوصَفُ لِلْمَرِيضِ وَيُسْتَشْفَى بِهَا.^۱

و می‌بینی که بوسیله شراب مُداوا می‌کنند و به بیماران توصیه می‌شود و بوسیله آن قصد مداوا می‌کنند.

... وَ الْخُمُورُ تُشْرَبُ عَلَانِيَةً وَ يَجْتَمِعُ عَلَيْهَا مَنْ لَا يَخَافُ اللَّهَ وَ يُدْعَى إِلَيْهَا.^۲

... و شراب‌ها آشکارا نوشیده می‌شوند و کسانی که از خدا نمی‌ترسند گرد آن جمع می‌شوند و دیگران را نیز دعوت می‌کنند.

... وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُمْسِي نَشْوَانَ وَ يُصْبِحُ سَكْرَانَ وَ لَا يَهْتَمُّ بِمَا النَّاسُ فِيهِ.^۳

... و می‌بینی که عده‌ای شب را در نشوونگی و صبح را در مستی‌اند و به آنچه که بر مردم می‌گذرد، اهمیت نمی‌دهد.

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۴.

۲. بشارة الاسلام، ص ۲۵.

۳. منتخب الاثر، ص ۴۳۰.



يَكُونُ ذَلِكَ إِذَا رَأَيْتَ النَّاطِرَ يَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِمَّا يَرَى الْمُؤْمِنُ فِيهِ مِنَ
الْاجْتِهَادِ وَرَأَيْتَ الْكَافِرَ فَرِحاً لِمَا يَرَى فِي الْمُؤْمِنِ، مَرِحاً لِمَا يَرَى فِي
الْأَرْضِ مِنَ الْفَسَادِ وَرَأَيْتَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِيلًا.^۱

در آن زمان هر کس مؤمنی را که در سختی و تلاش ببیند به خداوند
پناه می‌برد و انسان کافر چون مؤمن را در این حال ببیند، خوشحال
می‌شود و از اینکه فساد بر روی زمین فراگیر شده بسیار شاد است، و
امر کننده به معروف را می‌بینی که ذلیل است.

وَالسُّلْطَانُ يُذِلُّ الْمُؤْمِنَ لِلْكَافِرِ.^۲

و حاکم به خاطر انسانی کافر، مؤمنی را خوار می‌کند.

... إِحْتِكَارُ السُّلْطَانِ لِلطَّعَامِ وَ بَخْسُ الْمِكْيَالِ وَ الْمِيزَانِ وَ الْعَشُّ وَ
شُيُوعُ الْمُسْكِرَاتِ وَ شِرَاءُ الْخُمُورِ فِي الْأَسْوَاقِ.^۳

... حاکمان مواد خوراکی را احتکار می‌کنند و کم‌فروشی، تقلب و تزویر
فراگیر می‌شود و خوردن مسکرات گسترش می‌یابد و در بازارها
شراب فروخته می‌شود.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

... وَ رَأَيْتَ الْفَاسِقَ فِيمَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ قَوِيًّا مَحْمُوداً ... وَ رَأَيْتَ سَبِيلَ
الْخَيْرِ مُنْقَطِعاً وَ سَبِيلَ الشَّرِّ مَسْلُوكاً ... وَ كَانَ صَاحِبُ الْمَالِ أَعَزُّ مِنَ

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۳۲.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۳۰.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۸.

الْمُؤْمِنِ وَ كَانَ الرَّبَّ ظَاهِرًا لَا يُغَيِّرُ ... وَ رَأَيْتَ الْقِمَارَ قَدْ ظَهَرَ وَ رَأَيْتَ
 الشَّرَابَ يُبَاعُ ظَاهِرًا لَيْسَ لَهُ مَانِعٌ ... وَ رَأَيْتَ الشَّرِيفَ يَسْتَذِلُّهُ الَّذِي
 يَخَافُ سُلْطَانَهُ ... وَ رَأَيْتَ الْهَرْجَ قَدْ كَثُرَ ... وَ رَأَيْتَ النَّاسَ مَعَ مَنْ
 غَلَبَ ... وَ رَأَيْتَ الْآيَاتِ فِي السَّمَاءِ لَا يَقْزَعُ لَهَا أَحَدٌ ... وَ رَأَيْتَ النَّاسَ
 قَدْ اسْتَوَوْا فِي تَرْكِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَرْكِ التَّدِينِ ...
 وَ رَأَيْتَ الْقُضَاةَ يَقْضُونَ بِخِلَافِ مَا أَمَرَ اللَّهُ^۱.

... می بینی که فاسق در آنچه خداوند دوست ندارد، مقتدرانه عمل
 می کند و مورد ستایش دیگران قرار می گیرد ... و می بینی که راه خیر
 مسدود و بی رهرو است ولی راه شر رهروان زیادی دارد ... و ثروتمند
 از مؤمن عزیزتر است و ربا علنی است و کسی چیزی نمی گوید ... و
 می بینی قمار آشکار شده و شراب آشکارا خرید و فروش می شود و
 کسی از آن جلوگیری نمی کند و انسان شریف را در نزد سلطان خوار
 می کنند ... هرج و مرج فراوان شده ... مردم پیرو قدرتمندان هستند ...
 نشانه های آسمانی دیده می شود ولی کسی تحت تأثیر قرار نمی گیرد ...
 ترک امر به معروف و نهی از منکر و ترک دینداری در میان مردم
 گسترش می یابد ... و قاضیان را می بینی که بر خلاف دستورات الهی
 قضاوت می کنند.



لَا يَخْرُجُ حَتَّى تَغْمُرَ السَّبَاحُ وَ تَتَنَكَرَ الْمَعَارِفُ^۱

(قائم) خروج نمی کند تا اینکه زمین های بایر آباد شوند و نیکی ها شناخته شوند.

چه بسیار زمین های بایری که آباد شده است و چه فراوان راه هایی نیک کرداری که در میان مردمان ناشناخته اند در حالی که مردمان به جای یافتن آن ها سرگرم امور بی ارزش دنیایی خویش اند.

يَكُونُ هَمُّ النَّاسِ بَطُونُهُمْ وَ فَرُوجُهُمْ فَلَا يُبَالُونَ بِمَا أَكَلُوا وَ لَا بِمَا نَكَحُوا^۲

هم و غم مردم، شکم و شهوتشان است و برایشان مهم نیست که چه می خورند و با چه کسی دفع شهوت می کنند.
لا يَكُونُ ذَلِكَ إِلَّا عَلَى رَأْسِ شَرَارِ النَّاسِ^۳
این امر جز بر بدترین مردم فرود نمی آید.

گفتار پنجم: روایات امام رضا علیه السلام

إِذَا اشْتَدَّتِ الْحَاجَةُ وَ الْفَاقَةُ وَ أَنْكَرَ النَّاسُ بَعْضَهُمْ. يَأْتِي الرَّجُلُ أَخَاهُ فِي حَاجَتِهِ فَيَلْقَاهُ بِغَيْرِ الْوَجْهِ الَّذِي كَانَ يَلْقَاهُ فِيهِ وَ يُكَلِّمُهُ بِغَيْرِ الْكَلَامِ

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۳.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۳۲.

۳. الغيبة طوسی، ص ۲۷۶.

الَّذِي كَانَ يُكَلِّمُهُ^۱.

هنگامی که فقر و نیازها بسیار شوند و مردم یکدیگر را انکار کنند و کسی برای حاجتی به نزد برادرش برود پس او را به غیر از ظاهری که قبلاً ملاقات کرده بود ملاقات کند و به غیر از کلامی که قبلاً از او شنیده بود، می شنود.

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

وَ إِذَا رَأَيْتَ الْحَاجَةَ وَالْفَاقَةَ وَ أَنْكَرَ النَّاسُ بَعْضَهُمْ: بَعْضاً فَصَارَ الرَّجُلُ يَأْتِي أَخَاهُ فَيَسْأَلُهُ الْحَاجَةَ، فَيَنْظُرُ إِلَيْهِ بِغَيْرِ الْوَجْهِ الَّذِي كَانَ يَنْظُرُ إِلَيْهِ وَ يُكَلِّمُهُ بِغَيْرِ اللِّسَانِ الَّذِي كَانَ يُكَلِّمُهُ بِهِ، فَانْتَظِرُوا أَمْرَ اللَّهِ^۲.

و هنگامی که می بینی فقر و نیاز فراوان گشته است و مردم یکدیگر را نمی شناسند (انکار می کنند) و کسی برای حاجتی به نزد برادرش برود، پس او را به غیر از ظاهری که قبلاً ملاقات کرده ببیند و به غیر از کلامی که قبلاً از او شنیده بود، بشنود، پس در این زمان، منتظر امر الهی باشید.

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۰۴، ۱۰۸.

۲. الغیبة، نعمانی، ص ۱۵۶.

مردانِ پایانِ دوران



گفتار اول: روایات پیامبر اکرم ﷺ

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند:

إِذَا كُنْتَ فِي عِشْرِينَ رَجُلًا أَوْ أَقَلَّ أَوْ أَكْثَرَ فَتَصَفَّحْتَ وَجُوهَهُمْ فَلَمْ تَرَفِيهِمْ رَجُلًا يُهَابُ فِي اللَّهِ فَاَعْلَمْ أَنَّ الْأَمْرَ قَدْ قَرُبَ.

هرگاه در میان بیست نفر مرد یا کمتر یا بیشتر (از بیست نفر) بودی و در صورت آنها جست‌وجو و دقت نمودی و یک مرد در میان آنان ندیدی که دیگران به خاطر خدا از او بترسند، پس بدان که امر (ظهور) نزدیک شده است.

دورانی که در میان بیست مرد یک نفر پیدا نشود که دیگران به خاطر خدا از او تبعیت کنند و از مخالفت با او هراس داشته باشند، دورانی تیره و تاریک است، آیا ما در دوران خود چنین شرایطی را شاهد نیستیم؟ آیا امروز ما مردمان مصداق این حدیث شریف نیستیم؟ این نمادی از افول انسانیت است که باید ناله‌ها بر آن نمود. فرزندان آدم باید از شرمساری چنین شرایطی سرافکنندگی را با تمام وجود تجربه کنند، به راستی چه چیز غم‌بارتر از اینکه در میان بیست مرد یک نفر خدا ترس پیدا نشود، این نشانه‌ای از پایان حیات انسانیت است چرا که این مردان هستند که مسئول هر نیکبختی و شادکامی و یا تیره بختی و انحراف همسر و فرزندانشان هستند، این مردان هستند که مخاطب پروردگار بی‌همتایند که «خود و اهل خود (خانواده) را از آتش (دوزخ) حفظ کنید» این مردان هستند که می‌توانند با تربیت صحیح، یک نسل با ایمان و مفید را تقدیم جامعه بشری کنند و یا با یک تربیت ناصحیح، نوادگانی بدکردار و مایه شرمساری را از خود به یادگار گذارند.

آری این مردان هستند که با سکوت و ابراز خرسندی خود نسبت به

عملکرد پلید همسران و فرزندانشان و تن دادن به خواسته‌های نا مشروع آنان آتش تباهی را شعله‌ورتر می‌کنند و نابودی سلامت اجتماعی آدمیان را تا نسل‌های دور به ارمغان می‌آورند. با یک ریشه‌یابی دقیق به این نکته پی می‌بریم که هر فساد و تباهی که بر جامعه حکمفرما شود یکی از دلایل عمده‌اش عملکرد مردان آن جامعه است زیرا این مردان هستند که وظیفه پاسداری از کیان مادی و معنوی همسر و فرزندان خویش را به دوش می‌کشند و هر گونه انحراف و فساد که واقع شود انگشت اتهام به سوی مرد آن خانواده نشانه می‌رود.

مَا تُرِكَ بَعْدِي فِتْنَةٌ أَضْرَّ عَلَى الرَّجَالِ مِنَ النِّسَاءِ.^۱

بعد از من فتنه‌ای زیان‌بارتر از زنان برای مردان نیست.

هَلَكَتِ الرَّجَالُ حِينَ أَطَاعَتِ النِّسَاءَ.^۲

مردان هنگامی که فرمانبردار زنان باشند هلاک می‌شوند.

نیک آشکار است که هلاکت ثمره پیروی از عامل هلاکت است و این عامل همه زنان نیستند بلکه آن عده از زنان‌اند که در زمره سپاهیان ابلیس و هوای نفس هستند و گرنه چه افتخاری برای زنان از این بالاتر که فاطمه‌زهراء علیها السلام یک زن بود، او که نمونه یک انسان کامل و آئینه تمام‌نمای پرودگار عالم بود. آنچه که در این روایت و امثال آن مورد نظر بوده زنان هواپرستی است که از سپاهیان ابلیس‌اند.

۱. نهج الفصاحه، ج ۲، ۵۳۳.

۲. نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۵۴۰.

ما أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي فِتْنَةً أَخُوفَ مِنَ النِّسَاءِ وَالْخَمْرِ.^۱

بر امتم از چیزی بیشتر از زن و شراب نمی‌ترسم.

أَخُوفُ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ فِتْنَةَ السَّرَّاءِ مِنْ قِبَلِ النِّسَاءِ إِذَا تَسَوَّرْنَ الذَّهَبَ
وَ اتَّعَبْنَ الْغَنَى، وَ كَلَّفْنَ الْفَقِيرَ مَا لَا يَجِدُ.^۲

بر شما از چیزی بیشتر از فتنه پنهان (نامرئی) زنان نمی‌ترسم، آن هنگام که غرق در طلا شوند و ثروتمند را به زحمت اندازند و فقیری را به کاری مجبور کنند که توانایی‌اش را ندارد.

آری، زن که گوهری تابناک بر فراز تاج انسانیت است اگر ارزش خود را نشناسد و دل به خواسته‌های شیطانی بندد تبدیل به فتنه‌ای هولناک می‌شود که رسول خدا آن را ترسناک‌ترین فتنه امت خویش معرفی می‌کنند. زنانی که گوهر وجود خویش را با ابلیس به معامله گذاشته‌اند و ارزش و عظمت خود را نشناخته‌اند و خود را تبدیل به طمعگاه شهوت‌رانان نموده‌اند به راستی که فتنه‌ای مخوف هستند. زنی که دامن او می‌تواند خیزشگاه مردان به معراج باشد با خودفروشی به ابلیس ابزاری برای شهوت‌رانی می‌شود. نیک بنگریم آیا دوران ما ترجمانی از این روایات نیست؟ آیا زنان معبود مردان نگشته‌اند و ستایشگاه مردان کسی جز زنان‌اند؟

يُطِيعُ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ وَ يَعْصِي وَالِدَيْهِ وَ يَعْصِي فِي هَلَاكِ أَخِيهِ وَ يَجْفُو
جَارَهُ وَ يَقْطَعُ رَحِمَهُ وَ تَرْتَفِعُ أَصْوَاتُ الْفُجَّارِ.^۳

۱. نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۵۴۰.

۲. نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۶۱.

۳. الزام الناصب، ص ۱۹۵.

مرد از زنش اطاعت می‌کند در حالی که پدر و مادرش را نافرمانی می‌کند و در هلاکت برادرش تلاش می‌کند و همسایه‌اش را آزار می‌دهد و صدای فاجرات بلند می‌شود.

... يَكُونُ الرَّجُلُ هَمَّهُ بَطْنُهُ وَ قَبْلَتُهُ زَوْجَتُهُ وَ دِينُهُ دِرَاهِمُهُ.^۱

... مرد هم و غمش شکمش و قبله‌اش همسرش و دینش دراهمش (ثروت و دارایی) می‌شود.

لَعَنَ اللَّهُ الرَّجُلَ يَلْبَسُ لِبْسَةَ الْمَرْأَةِ وَ الْمَرْأَةُ تَلْبَسُ لِبْسَةَ الرَّجُلِ!^۲

خداوند لعنت کند مردی که لباس زنان را می‌پوشد و زنی که لباس مردان را به تن می‌کند.

لَعَنَ اللَّهُ الْمَخْنَثِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ الْمُتَرَجِّلَاتِ مِنَ النِّسَاءِ!^۳

خداوند زنان و مردان همجنس باز را لعنت کند.

... إِذَا اسْتَعْمِلَ السُّفَهَاءُ وَ شَاوَرُوا النِّسَاءَ.^۴

... هنگامی که کم خردان به کار گرفته شوند و با زنان مشورت شود.

... إِذَا رَكِبَ الذُّكُورُ الذُّكُورَ وَ الْإِنَاثَ.^۵

هنگامی که مردان با مردان و زنان با زنان آمیزش کنند.

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۳۲ - ۱۳۵.

۲. نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۴۷۳ - ۴۷۴.

۳. نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۴۷۴.

۴. بشارة الاسلام، ص ۴۴.

۵. كشف النعمة، ج ۳، ص ۳۲۴.



... إِذَا اكْتَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَالنِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ.^۱

هنگامی که مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا نمایند.

... تُنْكَحُ الْأَرْحَامُ وَ يُكْتَفَى بِهِنَّ!^۲

... با محارم خود آمیزش می کنند درحالی که آن‌ها برایشان کافی‌اند.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

... تُنْكَحُ الْبِهَائِمُ!^۳

... با چهارپایان آمیزش می کنند.

إِذَا رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُعَيِّرُ عَلَى إِثْيَانِ النِّسَاءِ.^۴

هنگامی که می بینی مردی را به خاطر آمیزش با زنان مورد

سرزنش قرار دهند.

... إِذَا صَارَ الْغُلَامُ يُعْطَى مَا تُعْطَى الْمَرْأَةُ يُعْطَى قَفَاهُ لِمَنْ ابْتَغَى!^۵

... هنگامی که پسر همچون زن، خویش را در اختیار خریداران قرار دهد.

به راستی آدمی تا به کجا می تواند سقوط کند که حتی از حیوانات هم

پست تر شود! انسانی که باید به عنوان خلیفه و جانشین خدا در زمین باشد با

پیروی از خواسته های شیطانی دل خویش ره به سوی تباهی بر می گزیند و از

هر جنبنده ای پست تر می شود! این سقوط بی انتها نتیجه هرج و مرج گرایی در

۱. منتخب الاثر، ص ۴۲۵.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۲۹.

۳. منتخب الاثر، ص ۴۳۰.

۴. منتخب الاثر، ص ۴۳۰.

۵. الزام الناصب، ص ۱۸۳.

حوزه شناخت و ادراک آدمی است، نتیجه نفی عقلانیت سعادت محور است چرا که عقل سعادت محور بزرگترین مانع بر سر راه تیرگی‌ها و تباهی‌هاست و این نفی و انکار آن است که راه را برای حکمرانی ابلیس بر سرنوشت آدمی می‌گشاید و زمینه شکوفایی گل‌های متعفن فساد و تباهی را فراهم می‌کند.

... يَتَسَمَّنُ الرَّجَالُ لِلرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ لِلنِّسَاءِ.^۱

مردان برای مردان و زنان برای زنان آرایش می‌کنند.

... يُزَفُّ الرَّجَالُ لِلرِّجَالِ كَمَا تُزَفُّ الْمَرَأَةُ لِرِجَالِهَا!^۲

... مردان با مردان زفاف می‌کنند همانگونه که زن با همسرش زفاف می‌کند.

آسمان آبی انسانیت پوشیده از ابرهای زُمخت سیاهی است به گونه‌ای که گویی قرار نیست روزی خورشید پاکی‌ها از پس آنها تاییدن گیرد و این سرنوشت شوم را پایان بخشد. آری این فجایعی که در روایات بدان اشاره شد امروزه به صورت قانونی در برخی کشورهای غربی به وقوع می‌پیوندد و در دیگر سرزمین‌ها نیز آشکارا اما غیرقانونی صورت می‌گیرد، این افتخار تمدن غرب است که با تشکیک در بنیادی‌ترین اصول اخلاقی، انسان هزاره سوم میلادی را مجاز به هر کردار پلیدی می‌کند که حتی حیوانات از انجام آن شرم دارند. امروزه در مغرب زمین برای ازدواج مرد با مرد سند رسمی ازدواج صادر می‌شود و از آن تعریف و تمجید هم می‌کنند، آری پس از هزاره‌ها قوم لوط بازگشته‌اند و بر زمین حکمرانی می‌کنند. پناه می‌بریم به پروردگار بی‌همتا از شر این بدترین جنبندها روی زمین!

يَمْتَشِطُ الرَّجُلُ كَمَا تَمْتَشِطُ الْمَرَأَةُ لِرِجَالِهَا وَ يُعْطَى الرَّجَالُ الْأَمْوَالَ

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۷.

۲. بشارة الاسلام، ص ۷۶.



عَلَى فُرُوجِهِمْ. وَ يُتَنَافَسُ فِي الرَّجُلِ وَ يُغَارُ عَلَيْهِ مِنَ الرِّجَالِ، وَ يُبَدَّلُ
فِي سَبِيلِهِ النَّفْسُ وَ الْمَالُ.^۱

مرد برای مرد موهایش را شانه می‌زند و خود را آرایش می‌کند، همانگونه که زن برای شوهرش چنین می‌کند و مردان برای چنین کارهایی پول می‌گیرند. همچنین مردی ناموس مرد دیگر می‌شود و نسبت به او غیرت می‌ورزد و به خاطر او جان و مالش را فدا می‌کند.

... تَحَلَّى ذُكُورُ أُمَّتِي بِالذَّهَبِ وَ يَلْبَسُونَ الْحَرِيرَ وَ الدِّيَابِجَ، وَ يَتَّخِذُونَ
جُلُودَ النُّمُورِ. فَهُنَاكَ يَكْثُرُ الْمَطَرُ، وَ يَقِلُّ النَّبَاتُ وَ الْخَيْرُ، وَ تَكْثُرُ
الْهَزَاتُ.^۲

... در آمد مرد از پشتش و در آمد زن از جلویش می‌باشد.

... تَكُونُ مَعِيشَةُ الرَّجُلِ مِنْ دُبُرِهِ وَ مَعِيشَةُ الْمَرْأَةِ مِنْ فَرْجِهَا!^۳

... مردان امت من با طلا، خود را زینت می‌دهند و لباس حریر و دیبا می‌پوشند و لباسی از پوست پلنگ بر تن می‌کنند، در این هنگام، باران فروان می‌بارد؛ اما گیاهان و برکت کم می‌شوند و زلزله بسیار می‌شود. (استفاده از پوست پلنگ حرام است).

عِنْدَهَا يُغَارُ عَلَى الْغُلَامِ كَمَا يُغَارُ عَلَى الْجَارِيَةِ فِي بَيْتِ أَهْلِهَا.^۱

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۳.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۳۱.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۷.

در آن دوران، برای پسر همانند دختر غیرت به کار گرفته می‌شود.

كَانَكَ بِالدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ إِذَا ضَيَّعْتَ أُمَّتِي الصَّلَاةَ، وَ اتَّبَعْتَ الشَّهَوَاتَ وَ
 غَلَّتِ الْأَسْعَارُ وَ كَثُرَ اللَّوَاطُ وَ زُخِرِفَتْ جُدْرَانُ الدُّوْرِ وَ رَفِعَ بِنَاءُ
 الْقُصُورِ وَ رَكِبُوا جُلُودَ النَّمُورِ وَ أَكَلُوا الْمَأْثُورَ وَ لَبَسُوا الْحُبُورَ وَ
 صَارَتِ الْمُبَاهَاةُ بِالْمَعْصِيَةِ.^۲

دنیا را تصور کن در حالی که امتم نماز را ضایع می‌کنند و از شهوات پیروی می‌کنند و قیمت‌ها گران می‌شود و لواط فراوان می‌گردد و دیوار خانه‌ها تزئین شده، خانه‌ها مرتفع بنا می‌شود. بر پوست پلنگ سوار می‌شوند و هر چه به دستشان بیاید می‌خورند و زینت آلات می‌پوشند و گناه مایه فخر فروشی می‌شود.

اگر کمی به شیوه زندگی خود توجه کنیم و نگاهی به اطراف بیندازیم به روشنی خواهیم دید که از مصادیق این حدیث هستیم، در این دوران عزت و بزرگی از آن کسی است که خانه آراسته به تزئینات تجملاتی، اتومبیل گران قیمت و لباس‌های شاهانه داشته باشد و آنچه که نزد پروردگار عالم معیار سنجش ارزش آدمیان است، در نزد ما بی‌ارزش است، حلال را به حرام و حرام را به حلال می‌الائیم و به هر قیمتی در پی کسب منافع بیشتر هستیم.

سَيَاتِي بَعْدِي أَقْوَامٌ يَأْكُلُونَ طَيِّبَ الطَّعَامِ وَ أَلْوَانَهَا وَ يَرْكَبُونَ الدَّوَابَّ وَ
 يَتَزَيَّنُونَ بِزِينَةِ الْمَرْأَةِ لِزَوْجِهَا وَ يَتَبَرَّجُونَ تَبَرُّجَ النِّسَاءِ وَ زِيَّهُمْ مِثْلُ زِيٍّ

۱. منتخب الاثر، ص ۴۳۳.

۲. الامام المهدي، ص ۲۱۹.



مُلُوكِ جَبَابِرَةٍ هُمْ مُنَافِقُوا هَذِهِ الْأُمَّةُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، شَارِبُوا الْقَهَوَاتِ، لَا عِبُونَ بِالْكَعَابِ، رَاكِبُونَ لِلشَّهَوَاتِ، تَارِكُونَ لِلْجَمَاعَاتِ، رَاقِدُونَ عَنِ الْعَتَمَاتِ، مَقْرَطُونَ بِالْغَدَوَاتِ مِثْلَهُمْ كَمِثْلِ الدَّقْلِيِّ، زَهْرَتُهَا حَسَنَةٌ وَ طَعْمُهَا مُرٌّ، كَلَامُهُمُ الْحِكْمَةُ وَ أَعْمَالُهُمْ دَاءٌ لَا يَقْبَلُ الدَّوَاءُ.^۱

به زودی پس از من اقوامی می آیند که غذاهای خوشمزه و رنگارنگ می خورند و بر مرکب‌ها سوار می شوند و آرایش می کنند همچون زنی که برای شوهرش آرایش می کند، همانند زنان خودنمایی می کنند و روش آنها همانند پادشاهان ستمگر است، آنها منافقان مردم آخر الزمان هستند، مشروبات می نوشند، قمار بازی می کنند، بر مرکب شهوات می تازند، نماز جماعت را ترک می کنند، هنگام نماز صبح و عشا خواب‌اند و در خواندن نماز ظهر و عصر سهل انگاری می کنند، آنها همچون درخت افلی هستند که گلی زیبا ولی طعمی تلخ دارد، کلام آنها حکمت و اعمالشان مرضی است که دوا ندارد.

مرکب یعنی آنچه که بر آن سوار می شوند و معنایی وسیع دارد که شامل همه چیزهایی که قابلیت سوار شدن را دارند می شود، در گذشته و قبل از آغاز حیات صنعتی بشر، معمولاً مرکب مصدایقی چون، اسب، قاطر، الاغ، و هر چیزی که بیشترین کارایی اش اختصاص به سواری دادن بود، داشت، اما امروزه مرکب انسان عصر صنعت و فناوری، موتورسیکلت، اتومبیل، هواپیما و ... است.

گفتار دوم: روایات امیرمؤمنان علیه السلام

فرمانروای مؤمنان مردان پایان دوران را اینگونه وصف نموده‌اند:

و يَرَى الرَّجُلَ مِنْ زَوْجَتِهِ الْقَبِيحَ فَلَا يَنْهَاهَا وَلَا يَرُدُّهَا عَنْهُ وَ يَأْخُذُ مَا تَأْتِي مِنْ كَدِّ فَرْجِهَا وَ مِنْ مَقْسِدِ خَدْرِهَا حَتَّى لَوْ نَكِحَتْ طُولاً وَ عَرْضاً لَمْ يَنْهَاهَا وَ لَا يَسْمَعُ مَا وَقَعَ فَذَاكَ هُوَ الدِّيُّوثُ.^۱

مرد را می‌بینی که همسرش مرتکب زنا می‌شود و او مانعش نمی‌شود و هرچه از این راه کسب درآمد می‌کند، می‌گیرد و خرج می‌کند حتی اگر تمام وجود زنش پر از گناه شود از این کار ممانعت نمی‌کند و هر چه به او گفته می‌شود، در برابر آنچه که اتفاق می‌افتد هیچ کاری انجام نمی‌دهد.

تُزَوِّجُ الْإِمْرَأَةَ بِالْإِمْرَأَةِ وَ تُزَفُّ كَمَا تُزَفُّ الْعُرُوسُ إِلَى زَوْجِهَا.^۲

زن با زن ازدواج می‌کند و همچون عروسی که به نزد شوهر می‌رود خود را آرایش می‌کند.

فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ أَقْبَلَتْ عَلَيْهِمْ فِتْنٌ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا.^۳

پس هرگاه چنین شد، فتنه‌هایی بر آنها نازل می‌شود که تاب تحمل آن را ندارند.

امروز فتنه‌های بزرگ یکی پس از دیگری بر سر مسلمانان فرود می‌آید،

۱. بشارة الاسلام، ص ۷۷.

۲. الزام الناصب، ص ۱۹۵.

۳. بشارة الاسلام، ص ۷۸.



بیش از ۶۰ سال از تأسیس یک جلااد خانه صهیونیستی به دست فرزندان ابلیس می‌گذرد، رژیم می‌کشد غایبی جز خونریزی و نابودگری ندارد و اکنون سردمدار کفر و استکبار، ایالت متحده آمریکا با شعار مبارزه با تروریسم و با هدف جنگ صلیبی به سرزمین‌های اسلامی لشکرکشی کرده و آن‌ها را به اشغال خود در آورده، کسی که خوب می‌تواند معنای این حدیث را درک کند، کودک یتیم عراقی است، که همه چیز خود را از دست داده و تنها و بی‌کسی می‌کوشد تا زندگی کند به امید روزی که انتقام گیرنده مظلومان ندای دادگری سردهد.

إِذَا رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَأْكُلُ مِنْ كَسْبِ امْرَأَتِهِ مِنَ الْفُجُورِ، يَعْلَمُ ذَلِكَ وَ يَقِيمُ عَلَيْهِ، بَلْ يَكْرِى امْرَأَتَهُ وَ خَادِمَتَهُ وَ جَارِيَتَهُ وَ يَرْضَى بِالِدَنِيِّ مِنْ طَعَامِهِ وَ شَرَابِهِ وَ مَلْدَاتِهِ.^۱

هنگامی که مردی را می‌بینی که از درآمد خودفروشی همسرش می‌خورد و با وجود آگاهی از آن، ممانعتی به عمل نمی‌آورد بلکه زن، کنیز و دخترش را کرایه می‌دهد و به زندگی پست دنیا از غذا و نوشیدنی و لذت‌های آن راضی می‌شود.

وَ يَعْيِّرُ الرَّجُلُ عَلَى صَوْنِ النِّسَاءِ.^۲

مردی را به خاطر حفاظت از زنش سرزنش می‌کنند.

هستند مردانی که به خاطر پوشش و حجاب همسرشان سرزنش می‌شوند و هستند همسران و دخترانی که بر خلاف عقیده همسر و پدرشان به حجاب

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۳.

۲. بشارة الاسلام، ص ۱۳۳.

علاقه‌ای ندارند. عده‌ای از مردان به جرم خواستن از همسر و دخترشان برای داشتن پوشش مناسب‌تری متهم به واپس گرایی، سختگیری و خشک مقدسی می‌شوند.

يُنْفِقُ الرَّجُلُ مِنْ مَالِهِ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَلَا يُنْهَى وَلَا يُؤْخَذُ عَلَيْهِ وَ يَمْنَعُ
الْيَسِيرُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ.^۱

مرد مالش را در غیر طاعت خداوند خرج میکند و کسی ممانعت نمی‌کند و او را باز خواست نمی‌کنند، در حالی که چون بخواهد در اطاعت از خداوند خرج کند، ممانعت می‌شود.

گفتار دوم: روایات امام صادق علیه السلام

... وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ إِذَا مَرَّ بِهِ يَوْمٌ وَ لَمْ يَكْسِبْ فِيهِ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ مِنْ
فُجُورٍ أَوْ بَخْسِ مِكْيَالٍ أَوْ مِيزَانٍ، أَوْ غَشْيَانِ حَرَامٍ أَوْ شُرْبِ مُسْكَرٍ،
كُتِبَ حَزِينًا، يَحْسِبُ أَنَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ عَلَيْهِ ضِيعَةٌ مِنْ عُمْرِهِ.^۲

... و می‌بینی مرد را هنگامی که روزی بر او بگذرد و گناه بزرگی همچون فحشا، کم فروشی، تقلب، حرام خواری و شرابخواری را مرتکب نشده باشد گمان می‌کند که آن روز از عمرش از بین رفته است.

... وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ مَعِيشَتُهُ مِنْ بَخْسِ الْمِكْيَالِ وَالْمِيزَانِ.^۳

۱. بشاره الاسلام، ص ۱۳۲.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۳.

۳. الزام الناصب، ص ۱۸۳.



... و می بینی مردی را که زندگی اش از راه کم فروشی و تقلب میگذرد. گویی تقلب و فریبکاری عنصر لاینفک تجارت است، امروزه مردمان در سراسر پهنه گیتی به هر میزان که توان داشته باشند می کوشند تا با کم فروشی و فریبکاری سود نامشروع خود را بیفزایند. کم فروشی اصطلاحی است که دارای مصادیق پرشماری است و اختصاص به حرفه خاصی ندارد، هرکسی در هر کاری که فعالیت می کند اگر بهترین کارایی را از خود به نمایش نگذارد در حقیقت کم فروشی کرده است.

... وَ رَأَيْتَ الْفِسْقَ قَدْ ظَهَرَ وَ أَكْتَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ
 ... وَ رَأَيْتَ الرَّجَالَ يَتَسَمَّنُونَ لِلرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ لِلنِّسَاءِ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ
 مَعِيشَتَهُ مِنْ دُبُرِهِ وَ مَعِيشَةَ الْمَرْأَةِ مِنْ فَرْجِهَا وَ أَعْطَوْا الرَّجَالَ الْأَمْوَالَ
 عَلَى فُرُوجِهِمْ، وَ تُنَوِّسَ فِي الرَّجُلِ، وَ تَغَايَرَ عَلَيْهِ الرَّجَالُ ... وَ رَأَيْتَ
 الرَّجُلَ يُعَيِّرُ عَلَى إِتْيَانِ النِّسَاءِ ... وَ رَأَيْتَ الْعُقُوقَ قَدْ ظَهَرَ وَ اسْتُخْفِيَ
 بِالْوَالِدَيْنِ وَ كَانَا مِنْ أَسْوَأِ النَّاسِ حَالاً عِنْدَ لَوْلَدٍ ... وَ رَأَيْتَ الْأَعْلَامَ
 الْحَقَّ قَدْ دَرَسَتْ، فَكُنْ عَلَى حَذَرٍ، وَ أَطْلُبْ إِلَى اللَّهِ النَّجَاةَ وَ اعْلَمْ أَنَّ
 النَّاسَ فِي سُخْطِ اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - وَ إِنَّمَا يُمَهِّلُهُمْ لِأَمْرِ يُرَادُ بِهِمْ فَكُنْ
 مُتَرَقِّباً وَ اجْتَهِدْ أَنْ يَرَاكَ اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ - فِي خِلَافِ مَا هُمْ عَلَيْهِ.^۱

... و می بینی که گناه کاری آشکار شده و مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا می کنند ... و می بینی مردان برای مردان و زنان برای زنان آرایش می کنند و مردی را می بینی که از پشتش و زنی را

که از فرجش کسب درآمد می‌کند ... و مردان برای دفع شهوات پول‌هایی را خرج می‌کنند و به مرد حسادت شود و نسبت به او غیرت می‌ورزند ... و می‌بینی که مرد به خاطر آمیزش با زنان سرزنش می‌شود ... و می‌بینی که عاق والدین آشکار می‌شود و والدین خوار شمرده می‌شوند. و نزد فرزند از بدترین مردم می‌باشند ... و می‌بینی که شانه‌های حق کهنه شده‌است، پس از این مسائل بر حذر باش و از خداوند نجات بخواه و بدان که مردم در خشم و غضب الهی هستند و خداوند بنا به مصلحتی به آنها مهلت داده است. پس منتظر باش و تلاش کن که خداوند - عزوجل - تو را در میان آنها نبیند.

و چه اندک اند افرادی که خواستار نجات‌اند و می‌کوشند تا خود را از شر این فتنه‌ها رهایی بخشند.

زنانِ پايانِ دوران

زن در صدف آفرینش است، زن گوهری برگزیده از جانب پایان بخش رسولان الهی است، زن روشنایی افق زندگی است، زن ترجمان شکوه مهر و محبت است، زن کلید دار صندوقچه نیکیبختی است، زن نماد لطافت انسان است و زن ... تنها اگر بداند که زن است و ارزش گوهر وجود خویش را بشناسد و رهرو راستین واپسین آئین آسمانی باشد، آئینی که گویی فرود آمده تا زنان را به والایی مقامشان نزد پروردگار عالم آگاه سازد.

زنان پاسداران پاکی نسل انسان‌اند، اگر روزی از زیر بار این مسئولیت سترگ شانه خالی کنند و بیراهه‌های تباهی را بر راستی راه راست ترجیح دهند و با غفلت از والا مقامی خود نزد پروردگار بی‌همتا، خویشتن را تبدیل به ابزاری برای سیری بخشیدنِ گرسنگان سیری ناپذیر وادی شهوت کنند، باید بر سر مزار انسانیت نشست و گریست و فاتحه‌ای نثار سلامت و پاکی جامعه انسانی نمود. آدمی هر گاه مالک چیز ارزشمندی باشد می‌کوشد تا آنرا از چشمان دزدان و راهزنان پنهان دارد و برای حفظ و نگهداری آن بهترین و مطمئن‌ترین مکان را انتخاب کند، این یک سیره عقلانی است که خردمندان از آن پیروی می‌کنند بی‌شک آفریننده عقل نیز خود از عاملان این سیره است. زن درّی گرانبهاست و به همین دلیل به امر آفرینشگر بی‌همتا باید از چشمان ناپاک دزدان شرف و انسانیت پنهان شود تا آسیبی به این درّ گرانبها وارد نشود اگر

کسی از این سیره عقلانی سر پیچی کرد نباید انتظار داشته باشد که همواره در امنیت و آرامش به سر برد چرا که همیشه چشمان ناپاکی هستند که بی صبرانه در انتظار شکار چنین درّهایی هستند.

اما صد حیف که عده‌ای از زنان ارزش و والا مقامی گوهر وجود خویش را نشناخته‌اند و با آرایش ظاهر خود و خودنمایی و عرضه خود به عنوان کالایی لذت بخش، شکارچی هوسبازانی می‌شوند که حیوانیت را بر انسانیت را برتری داده و بر می‌گزینند. در چنین صورتی چگونه می‌توان به رستگاری این جامعه امید داشت؟ چگونه می‌توان چنین جامعه‌ای را جامعه انسانی نامید در حالی که تنها گمشده آن انسانیت است؟ چگونه می‌توان دم از کرامت انسانی زد در حالی که حیوانیت برگزیده اعضای این جامعه است؟ به راستی چرا باید همه چیز را در لذت‌های پوچ مادی منحصر کرد و انسانیت انسان را قربانی دل خواسته‌های شیطانی نمود؟

آیا مردان به چنین زنانی جز به دیده ابزار می‌نگرند؟ آیا چنین زنانی می‌توانند رکن رکین کیان خانواده باشند؟ پر واضح است که این زنان پاک دامن‌اند که نگاهبان سلامت و رستگاری خانواده‌اند و زنانی که پوشش‌های نامناسب دارند و به هر طریقی می‌کوشند که خودنمایی کنند نمی‌توانند همچون زنان مؤمن و با حجاب دل مردانشان را به دست آورند و کانون خانواده را گرم نمایند.

اکنون به اوصاف زنان در پایان دوران از دیدگاه آخرین پیام‌آور الهی و خاندان پاک و معصومش می‌پردازیم.

گفتار اول: روایات پیامبر اکرم ﷺ

در گفتگوی پیامبر اکرم با یکی از یارانشان آمده است:

كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَدَتْ نِسَاؤُكُمْ، وَ فَسَقَ شَبَابُكُمْ، وَ لَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ
بَلْ أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا
وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا؟! فَقِيلَ لَهُ: وَ يَكُونُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ وَ
شَرُّ مِنْ ذَلِكَ.^۱

(پیامبر خدا فرمود:) «چگونه خواهید بود آن هنگام که زنانتان فاسد شوند و جوانان فاسق گردند و امر به معروف نکنید بلکه امر به منکر و نهی از معروف نمایید و هنگامی که خوبی را بد و بدی را خوب بدانید؟» پس به آن حضرت عرض شد: ای پیامبر خدا چنین چیزی پیش خواهد آمد؟ فرمود: «آری و بدتر از آن پیش خواهد آمد».

... إِذَا شَارَكَتِ النِّسَاءُ أَزْوَاجَهُنَّ فِي التِّجَارَةِ حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا. ۲

... هنگامی که زنان با شوهرانشان در تجارت مشارکت کنند به خاطر حرص به دنیا.

امروزه به روشنی شاهد تحقق این حدیث هستیم. عده‌ای از زنان به جای عمل به وظایف سنگین و مهم خود به دلیل حرص به دنیا شریک همسرانشان می‌شوند تا ثروت اندوزی کنند و بر دارایی‌های مادی خود بیفزایند، در حالی

۱. منتخب الاثر، ص ۴۲۶.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۲۸.

که مهم‌ترین وظیفه خود که همان تربیت فرزند نیک کردار است را به دست فراموشی سپرده‌اند، فرزندی که می‌تواند بهترین ثروت و دارایی مادی و معنوی باشد و به عنوان یک صدقه جاریه نیکبختی ابدی را برای پدر و مادرش به ارمغان آورد.

... يَتَشَبَّهُ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ ۱.

... مردان خود را به زنان و زنان خود را به مردان شبیه می‌کنند.

با کمال تأسف باید گفت که این حدیث در دوران ما دارای مصادیق فراوانی است، گذشته از نوع پوشش، آرایش چهره‌ها نیز گواه این ادعاست، با شرمساری مردانی را می‌بینیم که صورت خود را همچون زنان آراسته‌اند و زنانی را می‌بینیم که پوشش مردان را به تن کرده‌اند.

لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ وَ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ
بِالنِّسَاءِ! ۲

خداوند لعنت کند زنانی که خود را به مردان شبیه کرده‌اند و مردانی را که خود را به زنان شبیه کرده‌اند!

به راستی این رفتارها ریشه در چه دارد؟ چرا عده‌ای از آنچه هستند ناراضی‌اند و می‌کوشند تا با تلاشی بیهوده تغییر ماهیت دهند؟ مشکل از ماهیت ما نیست این نوع تفکر و دیدگاه ما نسبت به هستی است که اشکال دارد. اگر زندگی را آنگونه که هست بپذیریم و بکوشیم تا با پیروی از دستورات آفریننده حکیم آنرا به آنچه باید باشد تبدیل کنیم، نارضایتی جایی در فرهنگ

۱. منتخب الاثر، ص ۲۹۲.

۲. نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۴۷۴.



واژگان ما نخواهد داشت.

... إِذَا تَزَيَّنَّتِ النِّسَاءُ بِثِيَابِ الرِّجَالِ، وَ سَلِبَ عَنْهُنَّ قِنَاعَ الْحَيَاءِ.^۱

... هنگامی که زنان به لباس مردان آراسته شوند و حیا از آنان گرفته شود.

لَعَنَ اللَّهُ الرَّجُلَةَ مِنَ النِّسَاءِ.^۲

خداوند زنی که خود را به صورت مردان در آورده لعنت کند.

دوران ما روایتگر چه تعداد از مضمولان این لعن رسول خداست؟ آیا پیروی از دل خواسته‌های شیطانی بهای مناسبی برای خرید لعن رسول خداست؟ آیا مشکل ما آدمیان با اینگونه رفتارها مرتفع می‌شود؟ زنی که خود را به شکل مردان در می‌آورد، به عمل فریاد می‌زند که از زن بودن خود ناراضی است و می‌کوشد تا با تشبه به مردان کمی از این ناخرسندی را سر پوش گذارد. عده‌ای دیگر از زنان به گمان روشنفکری و مخالفت با سنت‌گرایی خود را به مردان شبیه می‌کنند، اینان بر این باورند که برای زندگی در عصر مدرن باید با هرچه که از گذشته برجای مانده مبارزه کنند، بی‌آنکه با خود بیندیشند با چنین استدلالی هیچ ضمانتی بر صحت و درستی دست‌آوردهای فرهنگ مدرنیته نیز نخواهد بود.

إِذَا ظَهَرَتِ الْقَلَانِسُ الْمُشْتَرَكَةُ ظَهَرَ الزَّانَا.^۳

هنگامی که قلنسوهای (قلنسو = نوعی کلاه) مشترک آشکار شود،

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۱، ۱۸۲.

۲. نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۴۷۴.

۳. قرب الاسناء، ص ۸۵.

زنا آشکار می‌شود.

إِذَا رَأَيْتُمُ اللَّاتِي عَلَى رُؤُوسِهِنَّ مِثْلَ أُسْنَمَةِ الْبُغْرِ، فَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَا تُقْبَلُ
لَهُنَّ صَلَاةٌ^۱

هنگامی که زنانی را دیدید که بر روی سرشان، چیزی همچون
کوهان شتر است، بدانید که نمازشان پذیرفته نمی‌شود.

سَيَكُونُ فِي آخِرِ أُمَّتِي رِجَالٌ يَرْكَبُ نِسَاؤَهُمْ عَلَى سُورِجٍ كَأَشْبَاهِ
الرِّجَالِ، يَرْكَبُونَ عَلَى الْمِيَاثِرِ حَتَّى يَأْتُوا أَبْوَابَ الْمَسَاجِدِ نِسَاؤَهُمْ
كَاسِيَاتٍ عَارِيَاتٍ، عَلَى رُؤُوسِهِنَّ كَأُسْنَمَةِ الْبُخْتِ الْعِجَافِ، لَا يَجِدْنَ رِيحَ
الْجَنَّةِ، فَالْعَنُوهُنَّ فَإِنَّهُنَّ مَلْعُونَاتٌ^۲

در آخر الزمان، مردانی می‌آیند که زنانشان بر زین‌ها سوار می‌شوند و بر
تشک‌هایی سوار می‌شوند تا اینکه به در مساجد برسند. زنانشان در عین
لباس پوشیدن لخت و عریان هستند و بر سرشان چیزی همانند کوهان
اشتران لاغر است، آن‌ها عطر بهشت را نمی‌شنوند، آن‌ها را لعنت کنید
که آن‌ها از رحمت خدا به دور هستند.

در این حدیث به تشک‌های نرمی اشاره شده است که حرکت می‌کنند، می‌توان
با نشستن بر آن از جایی به جای دیگر حرکت کرد. بی‌شک مخاطبان این حدیث در
چهارده قرن پیش تصور آن را هم نمی‌کردند که روزی انسان بتواند وسیله‌ای
بسازد که بدون استفاده از جاننداری دیگر آدمی را در کمال آرامش و راحتی و با

۱. کترالعمال، ج ۱۶، ص ۳۹۲.

۲. صحیح مسلم، ج ۶، ص ۱۶۸.



صندلی‌های نرم و راحت همچون تشک، از جایی به جایی دیگر انتقال دهد. اما ما مردمان عصر صنعت و فناوری هر روزه شاهد ظهور مدل‌ها و نوع‌های پیشرفته‌تری از آن وسیله هستیم، آری شاید مقصود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آن تشک‌ها، صندلی‌های اتومبیلی باشد که اکنون عادی‌ترین وسیله‌ی حمل و نقل دوران ماست.

همچنین در این حدیث از تعبیر «کاسیات عاریات» استفاده شده که با توجه به معنای آن، دو کلمه‌ی متضاد هستند، یعنی «پوشیدگانِ عریان» اما این تضاد معنای برای انسان امروز جای تعجب ندارد چرا که مصداق عینی آنرا به روشنی و فراوانی مشاهده می‌کند. امروزه افرادی را می‌توان دید که در عین لباس پوشیدن عریان‌اند. مصادیق این تعبیر فراوان‌اند از آن جمله می‌توان به لباس‌های تورمانندی اشاره کرد که همه چیز از پس آن آشکاراست و یا می‌توان چنین تفسیر کرد که لباس‌هایی تنگ که در عین پوشانیدن بدن تمام برجستگی‌ها و اعضای بدن را نمایان می‌کنند و یا لباس‌های کوتاهی را مثال زد که در عین لباس بودن بدن را نیز نمایش می‌دهند.

و نکته دیگری که در این حدیث نمایان است، سوارشدن زنان بر زین است. آری امروزه زنان مسلمان با کمال غرور و افتخار در برابر دیدگان مردان نامحرم سوار بر زین اسب‌ها به اسب سواری می‌پردازند و از آن به تفریحی سالم تعبیر می‌کنند، حتی عده‌ای با مردان به مسابقه اسب سواری می‌پردازند و از این مسابقه دادن شادمان‌اند.

إِذَا رَكِبَتْ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوجَ فَعَلَيْهِنَّ مِنْ أُمَّتِي لَعْنَةُ اللَّهِ!

هنگامی که زنان بر زین‌ها سوار شوند پس بر آنهایی که از امت من

هستند لعنت خدا باد!

آدمی تا چه حد باید مورد نفرت باشد که آخرین سفیر الهی که رحمتی برای جهانیان و اسوهٔ مهربانی است از خدا برای او طلب لعن کند؟

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَظْهَرَ ثِيَابُ تَلْبَسُهَا نِسَاءُ كَاسِيَاتٍ عَارِيَاتٍ وَ تَعْلُو التُّحُوتُ الْوُعُولَ^۱.

روز قیامت فرا نمی‌رسد تا اینکه لباس‌هایی ظاهر شود که زنان آن‌ها را می‌پوشند و در عین پوشیدگی، برهنه و عریان‌اند و بدکاران و اوباش نسبت به مردم برتر باشند.

آری امروزه شاهد این نوع لباس‌ها هستیم، لباس‌هایی که بر تن می‌شوند اما چیزی را نمی‌پوشانند و مردمان پایان دوران را به پوشیدگانی عریان بدل کرده‌اند و نیز به روشنی می‌بینیم که بدکاران و انسان‌های پست بر مردمان شریف و آزاده برتری داده می‌شوند درحالی که استحقاق آن را ندارند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عده‌ای از زنان را اینگونه وصف نموده‌اند که گویی ترجمان آن در دوران ما نمود پیدا کرده است.

وَ تَصِيرَ النِّسَاءُ كَالْبَهْمِ^۲.

و زنان همچون حیوان (چهارپا) می‌شوند.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این حدیث زنان پایان دوران را زنانی خود رأی و لجوج دانسته‌اند که به توصیه و نصیحت هیچ‌کس گوش نمی‌کنند و همواره تابع رأی و نظر خود هستند بی‌آنکه در مورد درستی آن اندکی بیندیشند چرا که واژه‌ی

۱. منتخب الاثر، ص ۴۲۶.

۲. معارج الیقین فی اصول الدین، ص ۳۹۷.



«ببهم» در زبان عربی به معنای بره، بزغاله و گوساله‌ای است که به تنهایی و جدای از مادرش به چراگاه می‌رود و توجهی به چیز دیگری جز دشت پر علف ندارد.

... يَرْفَعُ الْعِلْمُ وَ يَظْهَرُ الْجَهْلُ، وَ يُشْرَبُ الْخَمْرُ وَ يَقْشُو الزُّنَا، وَ يَقُلُّ
الرِّجَالُ حَتَّى أَنْ الْخَمْسِينَ إِمْرَأَةً فِيهِنَّ رَجُلٌ وَاحِدٌ.^۱

... علم، برداشته می‌شود و جهل آشکار می‌شود و شرب خمر می‌شود و زنا علنی می‌شود و تعداد مردان کم می‌شود به گونه‌ای که در بین پنجاه زن فقط یک مرد یافت شود.

آنچه از این حدیث می‌توان دریافت وقوع جنگ‌های بزرگ و همه‌گیری است که پس از آن تعداد زنان پنجاه برابر مردان خواهد بود گواه این ادعا روایت دیگری است که اشاره به بروز جنگ‌های خونین در پایان دوران دارد.

وَ حَتَّى تَمُرَّ الْمَرْأَةُ بِالْقَوْمِ فَيَقُومُ إِلَيْهَا بَعْضُهُمْ فَيَرْفَعُ ذَيْلَهَا كَمَا يَرْفَعُ
بِذَنْبِ النَّعْجَةِ.^۲

و تا اینکه (زمانی فرا رسد) زنی بر عده‌ای عبور کند پس یکی از آنها برخیزد و دامن او را بالا می‌زند. آنچنانکه دنبه گوسفندی را بالا می‌زنند.

این حدیث نمایانگر عمق فاجعه است، دورانی که انسانیت در سیاه چاله‌های امپراطوری جهل و هواپرستی در اسارت به سر می‌برد و هواپرستان در بهشت تباهی خویش به عیش و نوش مشغولند. این تعبیری که در حدیث

۱. نهج الفصاحه، ج ۱، ص ۱۸۴.

۲. مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۲۷۱.

به کار رفته است نشانگر مرگ حیا و عفت است در پایان دوران، تشبیه به گوسفند کنایه از اوج بی‌حیایی و پستی است چرا که استفاده از چنین تشبیهی برای تفهیم بی‌تفاوتی در برابر چنین عمل شنیع و پلیدی است.

آری! روند کنونی بشر در بی بند و باری نویدبخش چنین دوران تیره و تاری است که در آن اخلاق و حیا و انسانیت قربانیان بی‌گناهی خواهند بود در مسلخ هواپرستی‌های بی‌انتهای، به طوری که مشاهده چنین فجایعی تبدیل به یک امر عادی شده و مردمان بی‌تفاوت از کنار آن عبور می‌کنند، چنانکه در حدیث دیگری آمده است، زن و مرد در میان راه با هم می‌آمیزند و دیگران به آن‌ها می‌گویند ای کاش کمی کنارتر می‌رفتید تا راه عبوری برای ما باشد!

اندوهناک است که بدانیم این حوادث اکنون در مغرب زمین به فراوانی یافت می‌شود و قدرت رسانه‌ای غربیان اعم از شبکه‌های تلویزیونی، اینترنت جهانی، و ... در پی صادرات این دست‌آورد شوم فرهنگ مدرنیته به مشرق زمین و به خصوص کشورهای اسلامی است.

... و إِذَا رَأَيْتَ الْمَرْأَةَ تَصْنَعُ زَوْجَهَا عَلَى نِكَاحِ الرِّجَالِ، وَ رَأَيْتَ خَيْرَ بَيْتٍ يُسَاعِدُ النِّسَاءَ عَلَى فِسْقِهِنَّ^۱.

... و هنگامی که می‌بینی زنی از همجنس‌بازی همسرش آگاه است و می‌بینی که در بهترین خانه‌ها زن را به گناه ترغیب می‌کنند.

زن و مرد از افکار و کردار پلید یکدیگر آگاهند اما برای احترام به آزادی! در برابر دل‌خواسته‌های نامشروع یکدیگر سکوت می‌کنند.

آری آزادی این مظلوم‌ترین واژه تاریخ، بهترین بهانه است برای سرپوش گذاشتن بر کردارهای پلیدی که حتی حیوانات از انجام آن شرمناک‌اند؛ این



تمدن غرب است که خواستگاه چنین اعمال پلیدی بوده و این جرأت را به آدمیان شیطان سیرت داده است که در برابر دیدگان عموم دست به هر عمل شنیعی که خواستند بزنند. این لیبرالیسم فکری است که دامنه‌ی تعریف آزادی را تا عمق اسارت گسترش داده است و ضد آزادی را آزادی تلقی می‌کند. به امید روزی که یگانه آزاد مرد دوران ندای آزادی انسانیت را سردهد و مفهوم حقیقی آزادی را تحقق عینی بخشد.

وَ كَانَ الزَّانَا تُمْتَدِّحُ بِالنِّسَاءِ وَاللَّيْلُ لَا يَسْتَخْفِي بِهِ مِنَ الْجُرْأَةِ عَلَى
الله^۱

زن را به خاطر زناکاری ستایش می‌کنند و منتظر شب نمی‌مانند که آن‌ها را بیوشاند زیرا تا به این حد بر خدا جرأت پیدا کرده‌اند.

آری، آدمی با مرگ حیا و به بند کشیدن عقل، شرم را واژه‌ای بی‌معنی می‌داند و برای ارتکاب اعمال پلید نیازی به پنهان کاری احساس نمی‌کند بلکه با وقاحت تمام دست به گناه می‌آلاید و از کردار خویش خرسند است و آنرا مایه‌ی افتخار و مباهات خود می‌داند حتی می‌کوشد بر پیروان بیراهه تباهی‌اش بیفزاید و آمار هم کیشانش را افزایش دهد.

إِذَا رَفَعُوا الْبُنْيَانَ وَ شَاوَرُوا النِّسْوَانَ وَ يَكْثُرُ الْاِخْتِلَاطُ.^۲

هنگامی که خانه‌ها بلند شوند و زنان مورد مشورت قرار گیرند و اختلاط (بین زن و مرد) فراوان شود.

امروزه ارتفاع ساختمان‌ها به بیش از ۱۰۰ طبقه افزایش یافته و از ۴۰۰ متر

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۶۳.

هم فراتر رفته است، برج‌های رفیع بسیار شده و زنان مشاوران در همهٔ امورند. اختلاط بین زن و مرد نیز در همه جا آشکار است و روز به روز رو به فزونی دارد. هم‌چنین پیامبر در این باره فرموده‌اند:

... أَنَّهَا تُوْطَأُ حَرِيْمُهُمْ وَيَجُوْرْنَ فِي حُكْمِهِمْ وَتُدِيرُ أُمُورَهُمُ النِّسَاءُ.

... به حریم آنها تجاوز می‌شود، در قضاوتشان به آنها ظلم می‌کنند و زنان کارهای آنها را اداره می‌کنند.

آیا تمام آنچه که تحت عنوان آزادی و برابری زنان و مردان صورت گرفته دست آوردی جز تباهی و نابودی سلامت فکری افراد و جامعه داشته است؟ آیا این برابری و تساوی در حقوق چیزی جز کشاندن زنان به محیط کار و حاشیه خیابان‌ها و مجالس ابتذال و در نهایت نابودی در مرداب‌های تباهی را به ارمغان آورده است؟ زنی که امنیت و آسایش خانه را رها کرده و بیشتر وقت خود را در مکان‌های مختلط سپری می‌کند چگونه می‌تواند ادعا کند که در آشفته بازار دلفریب امروزی با خیالی راحت و به دور از تیغ نگاه‌های زهرآلود بدون آنکه لکهای بر سفیدی عفت و عصمت و حیثیت اخلاقی‌اش بنشیند، تلاشی انسانی کرده‌است و شب هنگام با صحت و سلامت کامل به خانه‌اش باز می‌گردد؟! خوشا به غیرت شوهر متعهد، پدر بزرگوار و برادر جوانمردش باد که با خاطری آسوده در خانه به انتظار آمدنش نشسته‌اند!

... إِذَا رَأَيْتُ الْمَرْأَةَ تَقْهَرُ زَوْجَهَا وَتَعْمَلُ مَا لَا يَشْتَهِي وَتُنْفِقُ عَلَيْهِ مِنْ

كَسْبِهَا فَيَرْضَىٰ بِالذَّنْبِ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ.^۱

... هنگامی که می‌بینی زن با شوهرش به تندی برخورد می‌کند و



بر خلاف میل او رفتار می‌کند و از درآمد خود به او انفاق می‌کند پس او به خوردنی و نوشیدنی پست راضی می‌شود.

عِنْدَهَا اِمَارَاتُ النِّسَاءِ مُشَاوِرَةُ الْاِمَاءِ وَ قُعُودُ الصَّبِيَّانِ عَلٰى الْمَنَابِرِ وَ التَّبَاهِي بِاللِّبَاسِ^۱

در آن دوران زنان حکومت می‌کنند و کنیزان مورد مشورت قرار می‌گیرند و کودکان بر فراز منبرها می‌روند و به لباس فخر فروشی می‌شود.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

يَحْكُمُ الدَّوْلَةَ الْخِصْيَانُ وَ النِّسْوَانُ وَ تَكُونُ اِمَارَةُ الصَّبِيَّانِ وَ الْعِلْمَانِ^۲
خواجهگان و زنان حکومت می‌کنند و زنان و کودکان مدیریت می‌نمایند.

ایشان سپس سه مرتبه این جمله را تکرار فرمودند که:

... إِذَا كَانَتْ اِمَارَةُ الصَّبِيَّانِ فَوَاللَّهِ لَتَكُونَنَّ!^۳

... هنگامی که حکومت در دست کودکان قرار گیرد پس به خدا سوگند حتماً چنین خواهد شد.

برای تصدیق پیام‌آوران عالم غیب در آنچه که بدان اشاره شد نیازی به جستجوی دوردستها نیست اگر به سراغ پدر بزرگ‌های خود برویم به ما خواهند گفت که

۱. بشارة الاسلام، ص ۲۵.

۲. الزام الناصب، ص ۱۷۸.

۳. الملاحم و الفتن، ص ۷۰.

آخرین شاه سلسله قاجار نوجوانی کم سن و سال بود که بر کشوری بزرگ چون ایران پادشاهی می‌کرده و برای یافتن نمونه‌های بیشتر کافی است چند ورقی تاریخ معاصر را مطالعه کنیم؛ اکنون شاهد حاکمیت زنان در بالاترین حد حکومتی در برخی کشورهای جهان هستیم، خبری که غیب‌گویان آسمانی و نمایندگان پروردگار عالم در میان زمینیان قرن‌ها پیش بدان اشاره داشته‌اند و آنرا به عنوان یکی از نشانه‌های پایان دوران مطرح نموده‌اند. اگر با تطبیق این روایات با دوران خود به این گمان برسیم که ما مردمان آخرالزمان هستیم آیا دچار اشتباه شده‌ایم؟

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

يَا لَهَا مِنْ طَامَّةٍ إِذَا حَكَمْتُ فِي الدَّوْلَةِ الْخَصِيَّانُ وَالنَّسْوَانُ وَالسُّودَانُ
وَأَخَذَتْ إِمَارَةَ الشُّبَّانِ وَالصَّبِيَّانِ؛ وَخَرِبَ جَامِعُ الْكُوفَةِ مِنَ الْعُمَرَانِ
وَانْعَقَدَ الْجِسْرَانُ فَذَلِكَ الْوَقْتُ زَوَالَ مُلْكِ بَنِي الْعَبَّاسِ وَظَهْوَرُ
قَائِمِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

چه اتفاقات سختی روی خواهد داد، هنگامی که حکومت در دست خواجهگان، زنان و سیاهان باشد و اداره‌ی امور به کودکان و نوجوانان برسد و مسجد جامع کوفه، پس از آبادانی ویران می‌شود و دو «پل» ساخته می‌شود» و آن زمانی است که حکومت بنی عباس از بین می‌رود و قائم ما اهل بیت ظهور می‌کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

لَنْ يُفْلِحَ قَوْمٌ وَ لَوْ أَمَرَهُمْ إِمْرَأَةٌ!

قومی که زمامدار امورشان زنی باشد هرگز رستگار نخواهند شد.



لا يُقَدِّسُ اللهُ أُمَّةً قَادَتْهُمْ إِمْرَأَةٌ^۱

امتی که رهبر آنان زن باشد تقدّسی پیدا نمی‌کند.

در حدیثی آمده است که پیامبر خدا ﷺ در واپسین لحظات عمرشان فرمودند: از برادرم جبرئیل پرسیدم: «آیا بعد از من به روی زمین خواهی آمد؟» گفت: آری، ده مرتبه خواهم آمد و گوهرهای زمین را به خود بالا خواهم برد. پرسیدم: «چه چیز خواهی برد؟»

گفت: در مرتبه اول، برکت را از زمین برمی‌دارم. در مرتبه دوم مهربانی را از دل مؤمنان بر می‌دارم. در مرتبه سوم حیا را از زنان بر خواهم گرفت. در مرتبه چهارم عدالت را از حاکمان بر خواهم داشت. در مرتبه پنجم محبت را از دل مردمان خواهم گرفت. در مرتبه ششم صبر را از فقرا می‌گیرم. در مرتبه هفتم سخاوت را از ثروتمندان خواهم برد. در مرتبه هشتم علم را از علما می‌گیرم. در مرتبه نهم قرآن را از قلوب قاریان بر می‌دارم و در مرتبه دهم ایمان را از دل‌های مؤمنان بر خواهم داشت.

اگر کمی با خود بیندیشیم به این نتیجه خواهیم رسید که جبرئیل امین حداقل ۹ بار بر زمینیان فرود آمده و گوهرهای آنان را باخود به آسمان برده است، آری با نگاهی گذرا به اوضاع و احوال کنونی آدمیان در می‌یابیم که برکت از زمین رخت بر بسته، مهربانی دل‌ها را بدرود گفته، حیا، زنان را به حال خود رها کرده، مردان غیرت را به گوشه عزلت رانده‌اند و عدالت، دوستی، صبر، سخاوت و دانش، زمینیان را ترک کرده‌اند، قرآن هم تبدیل به وسیله‌ای برای اثبات خوش صدایی برخی قاریان شده و جز خواندن غنا گونه و ترتیل ناقص، چیزی از آن باقی نمانده است. تنها نقطه امید آدمیان خرده ایمانی است آلوده

۱. صحیح بخاری، ج ۹، ص ۵۵.

به انواع و اقسام ناپاکی‌ها. وای بر روزی که جبرئیل برای آخرین بار بر زمینیان فرود آید و آخرین نقطه امید انسانیت را نیز با خود به آسمان برد.

گفتار دوم: روایات امیرمومنان علیه السلام

... تَكُونُ النُّسُوءُ كَاشْفَاتٍ عَارِيَاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ، مِنْ الدِّينِ خَارِجَاتٍ وَ إِلَى الْفِتَنِ مَائِلَاتٍ وَ إِلَى الشَّهَوَاتِ وَ اللَّذَّاتِ مُسْرِعَاتٍ، لِلْمُحَرَّمَاتِ مُسْتَحَلَّاتٍ وَ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ. ۱

زنان عریان و متظاهر به زینت‌هایشان می‌باشند، از دین بیرون رفته‌اند و به سوی فتنه‌ها تمایل دارند و با سرعت به سوی شهوات و لذات می‌شتابند، حرام را حلال می‌شمارند و در جهنم، جاودانه خواهند بود.

تنها بازمانده این قافله تحقق یافته واپسین فراز روایت است که در سرای آخرت مهر جاودانگی در دوزخ بر گذرنامه آنان زده شود و آنان را به سوی آتش خشم الهی روان کنند تا برای ابدیت در دوزخ خودساخته‌شان جاودانه باشند. اسف بار است که اینان تا رو در روی آتش قرار نگیرند ایمان نمی‌آورند، اما چه سود، نوش دارو پس از مرگ سهراب! در آنجا دیگر عذری پذیرفته نیست و جایی برای پذیرش توبه باقی نمانده است، چنانکه پروردگار عالم در معجزه جاوید واپسین پیام‌آورش قرآن کریم در مورد فرعون فرموده است:

«الآنَ وَ قَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ»^۲

۱. منتخب الاثر، ص ۴۲۶.

۲. یونس، آیه ۱۹.



«آیا اکنون؟ که مدت درازی نافرمانی کرده‌ای؟». آری هولناک است آن هنگام که تکذیب کنندگان را در آتش دوزخ می‌افکنند؛

«وَ إِذَا أُلْتُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقْرَّبِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَ ادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا»^۱

«و هنگامی که در غل و زنجیر، در جای تنگ و محدودی از آن (جهنم) افکنده شوند، فریاد واویلاه سردهند. امروز یک بار واویلاه نگوئید بلکه بسیار واویلاه بگوئید.»

... وَ ذَٰلِكَ إِذَا تَسَلَّطَتِ النِّسَاءُ وَ سَلَّطْنَ الْأَمَاءُ وَ أَمَّرَتِ الصَّبِيَّانُ^۲

... زمانی که زنان تسلط پیدا کنند و کنیزان مسلط شوند و کودکان دستور دهند.

... إِذَا غَلَبَتِ النِّسَاءُ عَلَى الْمُلْكِ وَ غَلَبْنَ كُلَّ امْرِيٍّ فَلَا يُوتَى إِلَّا مَا لَهُنَّ فِيهِ هَوًى^۳

... زمانی که زنان، حکومت را به دست گیرند و بر همه مسلط شوند و جز خواسته‌های نفسانی آنان برآورده نشود.

۱. فرقان، آیه‌ی ۱۳ و ۱۴.

۲. بشارة الاسلام، ص ۴۱.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۹.

گفتار سوم: روایات امام صادق علیه السلام

... وَ رَأَيْتُ النِّسَاءَ يَتَزَوَّجْنَ بِالنِّسَاءِ وَ رَأَيْتَ مَعِيشَةَ الْمَرَأَةِ مِنْ كَدِّ
فَرَجِهَا وَ رَأَيْتَ النِّسَاءَ يَتَّخِذْنَ الْمَجَالِسَ كَمَا يَتَّخِذُهَا الرِّجَالُ.^۱

... می بینی که زنان با زنان ازدواج می کنند و می بینی در آمد زن
از خودفروشی اوست و می بینی که زنان همانند مردان مجالس
تشکیل می دهند.

... إِذَا رَأَيْتَ النِّسَاءَ يَبْذُلْنَ أَنْفُسَهُنَّ لِأَهْلِ الْكُفْرِ.^۲

... هنگامی که می بینی زنان خود را در اختیار کافران قرار می دهند.

... تُصْبِحُ طِهْرَانُ قُصُورُهَا كَقُصُورِ الْجَنَّةِ وَ نِسْوَانُهَا كَالْحُورِ الْعَيْنِ،
يَتَلَبَّسْنَ بِلِبَاسِ الْكُفَّارِ وَ يَتَزَيَّنْنَ بِزِيِّ الْجَبَابِرَةِ، يَرْكَبْنَ السُّرُوحَ وَ لَا
يَتَمَكَّنْنَ لِأَزْوَاجِهِنَّ وَ لَا تَكْفِي مَكَاسِبُ الْأَزْوَاجِ لَهُنَّ. فِرُوا مِنْهَا إِلَى قَلَّةِ
الْجِبَالِ وَ مَنْ الْجُحْرِ إِلَى الْجُحْرِ كَالثَّغْلَبِ بِأَشْبَالِهِ.^۳

... تهران چنان می شود که قصرهایش همچون قصرهای بهشت،
زنانش همچون حورالعین هستند، لباس کافران را می پوشند و
زندگی شان، همانند زندگی ستمگران است، بر زین ها سوار می شوند و
از همسرانشان فرمانبری ندارند و در آمد همسرشان برای آنان کافی
نیست. از آنها به سوی قله کوهها و از پناهگاهی به پناهگاهی دیگر

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶-۲۵۷.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۸.

۳. الزام الناصب، ص ۱۸۳.



بگریزید همچون روباهی که با بچه‌های خود فرار می‌کند.

آری تعجب برانگیز است که امام صادق علیه السلام از تهرانی سخن بگویند که قرن‌ها بعد از صدور این حدیث از یک روستای کوچک به کلان شهری پهناور تبدیل شده، پایتخت ایران گردد و چه اعجاب آور است که هر آنچه در روایت بدان اشاره شده امروزه تحقق یافته است. کاخ‌هایی چون کاخ‌های بهشتی، زنانی که پوششی همانند کفار بر تن دارند و زندگی‌هایی که جای سادگی و پاکی را با تجملات و ناپاکی عوض کرده‌اند. آری چشمان آسمانی می‌توانند تا عمق تاریخ را رصد کنند و به خواست پرودگار بی‌همتا از جزئیات حوادث آینده خبر دهند. اما این خصوصیتی که در خصوص تهران اشاره شد در سایر کشورهای اسلامی هم قابل مشاهده است. شاید علت اینکه مشخصاً نام تهران در روایات آمده است، این باشد که چون امام صادق علیه السلام با علم الهی خویش می‌دانستند که ایران به مرکزیت تهران روزی مرکز شیعیان در جهان خواهد شد و جبهه ضد استکباری را رهبری خواهد کرد به طور خاص از تهران نام برده‌اند تا هشدار برای شیعیان باشد که فریفته جذابیت‌های مادی دنیا نشوند و خویشان را در برابر دل‌خواسته‌های شیطانی محافظت کنند و اسیر ظواهر پر زرق و برق دنیا نگردند.

... وَ خَيْرُ بَيْتٍ مِنْ يُسَاعِدِ النِّسَاءَ عَلَى فِسْقِهِنَّ^۱.

... و در آن زمان، در بهترین خانه‌ها زنان به گناه ترغیب می‌شوند.

در این خصوص روایات فراوانی از اهل بیت وجود دارد که برای طولانی نشدن مطالب از ذکر آن‌ها صرف نظر کردیم. گر در خانه کس است یک حرف بس است!

دانشمندان و حاکمان

پایان دوران



گفتار اول: روایات پیامبر اکرم ﷺ

صِنْفَانِ مِنَ النَّاسِ إِذَا صَلَحَا صَلَحَ النَّاسُ وَإِذَا فَسَدَا فَسَدَ النَّاسُ:
الْعُلَمَاءُ وَالْأُمَرَاءُ.^۱

دو گروه از مردم هستند که اگر اصلاح شوند، مردم اصلاح می‌شوند و اگر فاسد گردند مردم نیز فاسد می‌گردند: دانشمندان و حاکمان. شرارُ الْعُلَمَاءِ الَّذِينَ يَأْتُونَ الْأُمَرَاءَ وَخِيَارُ الْأُمَرَاءِ الَّذِينَ يَأْتُونَ الْعُلَمَاءَ.^۲ بدترین دانشمندان کسانی هستند که در دربار حاکمان باشند و بهترین حاکمان کسانی هستند که نزد دانشمندان باشند.

رسول خدا در این روایت به نکته‌ای اشاره می‌کند که انسان امروز به نیکی آن را درک می‌کند. آری این قدرت است که باید در خدمت علم باشد نه علم در خدمت قدرت، انسان امروز به روشنی می‌بینند که نتایج حاصل از عمل نکردن به این اصل زیربنایی چه فجایعی را به ارمغان آورده است. زورمندی زورمندان به واسطه بهره‌کشی از دانشمندان و به کارگیری دست‌آوردهای آنان در زمینه‌های مختلف تولید قدرت است.

۱. نهج‌الفصاحه، ج ۲، ص ۳۹۳.

۲. المحجة البيضاء، ج ۱، ص ۱۴۴.

از پیامبر خدا پرسیده شد بدترین مردم چه کسانی هستند؟
ایشان فرمودند:

الْعُلَمَاءُ إِذَا فَسَدُوا.^۱

دانشمندان هنگامی که فاسد شوند.

سخن گفتن معصومین از حوادث آینده و خبر دادن از آن همجنس پیشگویی‌های منجمان، کاهنان، فال بین‌ها، و کف‌بین‌ها نیست، بلکه متصل به سرچشمه زلال وحی الهی است، این آگاهی بخشیدن از رویدادهای آینده هدفی جز حفظ مصالح امت اسلامی ندارد چرا که اولاً با محقق شدن هر یک از این رویدادها دلایل حقانیت آئین آسمانی اسلام استوارتر خواهد شد و ثانیاً پیروان واپسین آئین آسمانی می‌توانند با بهره بردن از این هشدارها خود را به موقع و پیش از آنکه به ورطهٔ هلاکت و تباهی بیفتند نجات داده و به اصطلاح علاج واقعه را پیش از وقوع بنمایند، و از این روست که اخبار غیبی واصله از معصومین در روند هدایت و ارشاد مردم نقشی بسزا ایفا می‌کنند، گذشته از آنکه پاسخ برخی افراد کنجکاو را نیز خواهند داد.

اکنون ما از پس هزار و چندصد سال فاصله با زمان صدور این احادیث به روشنی تحقق بسیاری از آنها را مشاهده می‌کنیم و با تحقق هر یک از این احادیث باورمان به آسمانی بودن این آئین و پیشوایان معصومش استوارتر می‌شود و به یقین در می‌یابیم که آنچه فرموده‌اند منشائی جز زلال چشمه‌سار وحی الهی ندارد و هرگز کلمه‌ای از خود بدان نیامیخته‌اند. تطابق این اخبار با دوران ما به قدری شگفت‌انگیز است که آدمی گمان می‌کند، سالیان درازی در میان مردمان این دوران زندگی کرده‌اند و همهٔ وقایع را با چشم خود دیده‌اند.



سخنان رسول گرامی اسلام همچون دری است که با گذر زمان از ارزش آن کاسته نمی‌شود و اختصاص به زمان و مکان و قوم خاصی ندارد، گوهر گرانبها همیشه و در هر جا و نزد هر قوم و ملتی گوهری است گرانبها؛ فرمایشات واپسین رسول پروردگار که برای عموم جامعه بشری صادر شده است نیز ارزش و اعتباری به بلندای تاریخ دارد که با گذر زمان، حقانیت آن آشکارتر می‌شود. و از این روست که آنچه در خصوص دانشمندان و زمامداران بیان فرموده‌اند، کلامی استوار و حق است. آنچه که پیامبر گرامی اسلام در هزار و چندصد سال پیش بیان فرموده‌اند امروزه به عنوان یک نظریه مهم در علم سیاست مطرح است و از آن با کاربردی معکوس برای سلطه بر جوامع بشری استفاده می‌شود. اتحاد علم و قدرت امپراطوری عظیمی را بنا می‌کند که حتی نوع تفکر جوامع رانیز او تعیین می‌کند و او تعیین می‌کند که هر کسی چگونه فکر کند و چگونه عمل کند! و این خطری است که پیامبر اسلام قرن‌ها پیش بدان اشاره کرده‌اند. آری اصلاح جامع رابطه‌ای مستقیم با اصلاح دانشمندان و زمامداران دارد چرا که دانشمندان مرجع امور معنوی و علمی مردم‌اند و زمامداران زمام امور مادی جامعه را به دست دارند، پس اگر این دو گروه اصلاح شوند مردمان نیز در دین و دنیا خود رستگار خواهند شد و اگر این دو گروه فاسد شوند تباهی جامعه امری مسلم خواهد بود.

أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي أُمَّةً مَضِلِّينَ^۱

من بر امتم از رهبران گمراه می‌ترسم.

يُنزَلُ بِأُمَّتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ بَلَاءٌ شَدِيدٌ مِنْ سُلْطَانِهِمْ لَمْ يُسْمَعْ بِبَلَاءٍ أَشَدُّ مِنْهُ حَتَّى تَضِيقَ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ الرَّحْبَةَ، وَ حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ

مَلْجَأٌ يَلْتَجِيْ اِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ فَيَبِيْعَتْ اللهُ رَجُلًا مِنْ عِترَتِي^۱.

در آخر الزمان از طرف حکمرانان بلای شدیدی بر امتم نازل می‌شود که هیچ گوشی بلای بدتر از این را نشنیده است به طوری که زمین با این وسعت بر مردم تنگ می‌شود و هیچ کس جایی را پیدا نمی‌کند که از این ظلم به آن پناه ببرد، پس در این هنگام است که خداوند مردی از خاندانم را مبعوث می‌کند.

اِذَا قَلَّ عُلَمَاؤُكُمْ وَ ذَهَبَ قِرَاؤُكُمْ وَ قَطَعْتُمْ زَكَاتَكُمْ وَ اَظْهَرْتُمْ مُنْكَرَاتِكُمْ وَ عَلَتْ اَصْوَاتِكُمْ فِي مَسَاجِدِكُمْ وَ جَعَلْتُمُ الدُّنْيَا فَوْقَ رُؤُسِكُمْ وَ الْعِلْمَ تَحْتَ اَقْدَامِكُمْ وَ الْكِذْبَ حَدِيثَكُمْ وَ الْغِيْبَةَ فَاكِهَتَكُمْ وَ الْحَرَامَ غَنِيْمَتَكُمْ وَ لَا يَرْحَمُ كَبِيْرَكُمْ صَغِيْرَكُمْ، وَ لَا يُوقِّرُ صَغِيْرَكُمْ كَبِيْرَكُمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ تَنْزِلُ اللَّعْنَةُ عَلَيَكُمْ وَ يَجْعَلُ بِاْسُكُمْ بَيْنَكُمْ^۲.

زمانی که عالمان کم شوند قاریاتان از بین بروند و زکات را ندهید و منکرات را آشکار کنید و صدایتان در مساجد بالا رود و دنیا را روی سر خود قرار دهید و علم را زیر پایتان، کلامتان دروغ باشد و غیبت میوه‌تان و حرام توشه‌تان گردد و بزرگرها به کوچکرها رحم نکنند و کوچکرها به بزرگرها احترام نگذارند، در این زمانه است که لعنت بر شما نازل می‌شود و بر یکدیگر می‌تازید.

۱. بشاره الاسلام، ص ۲۸-۳۱.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۰-۱۸۱.



پروردگار متعال در قرآن کریم چنین می‌فرماید:

«فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا»^۱

«بعد از آن‌ها کسانی می‌آیند که نماز را ضایع می‌کنند و از شهوات پیروی می‌کنند پس به زودی هلاکت را ملاقات خواهند کرد».

إِذَا تَقَارَبَ الزَّمَانُ التَّقَى الْمَوْتَ خِيَارَ أُمَّتِي كَمَا يَتَّقِي أَحَدُكُمْ خِيَارَ الرُّطْبِ مِنَ الطَّبَقِ.^۲

هنگامی که زمان (ظهور) نزدیک می‌شود مرگ بهترین امت را در بر می‌گیرد، همانگونه که شما رطب خوب را جدا می‌کنید.

إِذَا كَانَتْ أُمْرَاؤُكُمْ شِرَارِكُمْ وَ أَعْيَاؤُكُمْ بُخْلَاؤُكُمْ وَ أُمُورُكُمْ إِلَى نِسَائِكُمْ فَبَطْنُ الْأَرْضِ خَيْرٌ مِنْ ظَهْرِهَا.^۳

هنگامی که فرمانروایانتان، اشرارتان و ثروتمندانتان، بخیلانتان باشند و کارهایتان به دست زنان بیفتد، دل خاک (برای شما) از روی خاک بهتر است.

... يُصْبِحُ زَعِيمُ الْقَوْمِ أَرْضَهُمْ.^۴

... پست‌ترین مردم، رهبر قوم می‌شود.

۱. مریم، آیه ۵۹.

۲. نهج الفصاحه، ج ۱، ص ۳۶.

۳. نهج الفصاحه، ج ۱، ص ۴۵.

۴. إلزام الناصب، ص ۱۸۰.

آری دوران ما شاهد دهها مورد از مصادیق این حدیث شریف بوده است که مردمانی پست و بی‌ارزش سرپرستی و رهبری امور یک ملت را به دست گرفته‌اند، بارزترین مصادق کنونی این حدیث رئیس جمهور ایالات متحده آمریکاست (جرج واکر بوش) که به اذعان خود آمریکایی‌ها احمق‌ترین رئیس جمهور تاریخ این کشور است، کشوری که داعیه پرچم داری نظم نوین جهانی را دارد.

إِذَا أَسْنَدَ الْأَمْرُ إِلَىٰ غَيْرِ أَهْلِهِ فَانْتَظِرُوا السَّاعَةَ.^۱

هرگاه مسند کارها به غیر اهلش سپرده شود منتظر فرج باشید.

إِنَّ اللَّهَ إِذَا غَضِبَ عَلَىٰ أُمَّةٍ لَمْ يَنْزِلْ بِهَا عَذَابَ خَسْفٍ وَلَا مَسْخٍ غَلَّتْ أَسْعَارُهَا وَتُحْبَسُ عَنْهَا أَمْطَارُهَا وَيَلِي عَلَيْهَا شِرَارُهَا.^۲

همانا خداوند هرگاه بر امتی غضب کند عذاب خسف و مسخ را بر آنان فرود نمی‌آورد، (بلکه) اجناس گران می‌شود، باران نمی‌بارد و اشرار بر مردم حاکم می‌شوند.

با اندک تأملی در این حدیث و نگاه گذرا به زندگی انسان معاصر به روشنی درخواهیم یافت که مردمان این دوران مورد خشم الهی قرار گرفته‌اند چرا که بهای کالاها در سراسر پهنه گیتی افزایش یافته و زمینیان در اثر نباریدن باران با خطر خشکسالی‌های وسیع مواجه‌اند، بنا به اعلام سازمان‌های جهانی بحران انسان هزاره سوم میلادی، بحران آب است گذشته از این اشرار نیز بر برخی از کشورهای بزرگ جهان فرمانروایی می‌کنند.

۱. إلیزم الناصب، ص ۱۷۸.

۲. نهج الفصاحه، ج ۱، ص ۱۲۵.



إِنِّي أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي بَعْدِي أَعْمَالًا ثَلَاثَةً: زَلَّةَ عَالِمٍ وَ حُكْمَ جَائِرٍ وَ هَوَى مُتَّبِعًا^۱

بعد از خودم بر امتم از سه چیز می ترسم: لغزش عالم، ظلم حاکم و پیروی از هوای نفس.

سَتَكُونُ عَلَيْكُمْ أُمَّةٌ يُمْلِكُونَ عَلَيْكُمْ أَرْزَاقَكُمْ يُحَدِّثُونَكُمْ فَيَكْذِبُونَكُمْ لَا يَرْضَوْنَ مِنْكُمْ حَتَّى تُحَسِّنُوا قَبِيحَهُمْ وَ تُصَدِّقُوا كَذِبَهُمْ^۲

رهبرانی بر شما مسلط می شوند که روزی هایتان را تصاحب می کنند، با شما سخن می گویند و سخنانشان دروغ است و از شما راضی نمی شوند تا اینکه اعمال زشت آنها را تحسین کرده و دروغشان را تصدیق کنید.

سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ يَكْثُرُ الْفُقَرَاءُ وَ يَقِلُّ الْعُلَمَاءُ وَ يُقْبَضُ الْعِلْمُ وَ يَكْثُرُ الْهَرَجُ ... ثُمَّ يَأْتِي بَعْدَ ذَلِكَ زَمَانٌ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ رِجَالٌ لَا يُجَاوِزُ تَرَاقِيَهُمْ^۳

زمانی بر امتم فرا می رسد که فقرا فراوان می شوند و دانشمندان کم می شوند و دانش گرفته می شود و کشتار بسیار می شود ... سپس زمانی می آید که مردان قرآن می خوانند و از گلویشان فراتر نمی رود.

۱. نهج الفصالحه، ج ۱، ص ۱۹۴.

۲. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۵۸.

۳. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۵۸.

إِذَا أَبْغَضَ الْمُسْلِمُونَ عُلَمَاءَهُمْ وَأَظْهَرُوا عِمَارَةَ أَسْوَاقِهِمْ وَتَنَاجَّحُوا
عَلَى جَمْعِ الدَّرَاهِمِ، رَمَاهُمْ اللَّهُ بِأَرْبَعِ خِصَالٍ: بِالْقَحْطِ مِنَ الزَّمَانِ وَجَوْرِ
السُّلْطَانِ وَالْخِيَانَةِ مِنْ وِلَاةِ الْحُكَّامِ وَالصَّوْلَةَ مِنَ الْعَدُوِّ. ١

هنگامی که مسلمانان با عالمانشان دشمنی کنند و آبادانی
بازارهایشان را آشکار کنند و برای جمع کردن ثروت، ازدواج
کنند، خداوند چهار چیز را بر آنان نازل می‌کند: قحطی زمان،
ستم سلطان، خیانت حاکمان و ترس از دشمن.

آری مردمان این دوران با عالمانشان آشکار یا پنهان دشمنی می‌کنند و روز
به روز بر زرق و برق بازارهایشان می‌افزایند. ازدواج از یک پیمان مقدس و
آسمانی برای تشکیل یک خانواده خوشبخت به فرصتی برای کسب ثروت و
طمع ورزی به مال و ثروت دیگران بدل شده و یکی از ارکان و اصول اساسی
ازدواج میزان دارایی‌های منقول و غیر منقول طرفین گشته است. و از این
روست که دچار قحطی زمان گشته‌ایم، شب و روز می‌کوشیم اما بازهم وقت
کم می‌آوریم.

مَنْ أَفْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى مِنَ اللَّهِ لَعْنَتُهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ وَ
مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ وَ لِحِقَهُ وَزْرٌ مَنْ عَمِلَ بِقُتْيَاهُ! ٢

کسی که بدون علم و هدایت خداوندی فتوایی بدهد، فرشتگان
رحمت و عذاب او را لعنت می‌کنند و گناه کسی که به فتوای او

۱. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۵۸.

۲. وسائل الشیعه، ص ۹.



عمل کرده است به گردن او خواهد بود.

پیامبر می‌فرمایند:

لِسَانُ الْقَاضِي بَيْنَ جَمْرَتَيْنِ مِنْ نَارٍ حَتَّى يَقْضِيَ بَيْنَ النَّاسِ، فِيمَا إِلَى
الْجَنَّةِ وَإِمَّا إِلَى النَّارِ.^۱

زبان قاضی، بین دو شعله آتش است. هنگامی که حکمی می‌دهد،
یا به سوی بهشت می‌رود یا به سوی جهنم.

شِرَارُ أُمَّتِي مَنْ يَلِي الْقَضَاءَ، إِنْ إِشْتَبَهَ لَمْ يُشَاوِرْ وَإِنْ أَصَابَ بَطِرَ وَ
إِنْ غَضِبَ عَنَفٌ ... وَ كَاتِبُ السُّوءِ كَالْعَامِلِ بِهِ.^۲

بدترین امت من قاضیانی‌اند که اگر شک کنند، مشورت
نمی‌کنند و اگر به نتیجه خوبی برسند بسیار شادمانی می‌کنند و
اگر خشمگین شوند، همانگونه (با حالت خشم) عمل می‌کنند ...
نویسنده (مطالب) بد، همچون عمل کننده به آن است.

لَسْتُ أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي غَوْغَاءَ تَقْتُلُهُمْ وَ لَا عَدُوًّا يَجْتَا حُهُمْ وَ لَكِنِّي
أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي أَيْمَةً مُضِلِّينَ إِنْ أَطَاعُوهُمْ فَتَنُوهُمْ وَ إِنْ عَصَوْهُمْ
قَتَلُوهُمْ.^۳

بر امتم از کشتار و دشمن نابودگر نمی‌ترسم، بلکه بر آنها از
رهبران گمراه می‌ترسم که اگر آنها را اطاعت کنند، گمراه

۱. وسائل الشیعه، ص ۹.

۲. کنز العمال، ج ۶، ص ۹۳.

۳. نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۴۷۲.

می‌شوند و اگر نافرمانی کنند کشته می‌شوند.

ایشان فرموده‌اند:

لِكُلِّ شَيْءٍ آفَةٌ تَفْسِدُهُ وَ آفَةُ هَذَا الدِّينِ وَ لَأَةُ السُّوءِ ... (بعية الحادث عن

زواتی مسند الحارث، ص ۱۹۴) وَيَلُ لَأُمَّتِي مِنَ عُلَمَاءِ السُّوءِ.^۱

برای هر چیزی آفتی است که آنرا فاسد می‌کند و آفت این دین

رهبران بد هستند ... وای بر امتم از عالمان بد!

سَيَكُونُ بَعْدِي أُمَّةٌ يُعْطُونَ الْحِكْمَةَ عَلَى مَنَابِرِهِمْ فَإِذَا نَزَلُوا نَزَعَتْ

عَنْهُمْ وَ أَجْسَادُهُمْ شَرٌّ مِنَ الْجِيفِ.^۲

پس از من پیشوایانی من پدید می‌آیند که چون بر فراز منبر

قرار گیرند، سخنان حکمت‌آمیز می‌گویند، پس هنگامی که از

منبر فرود آمدند نور حکمت و ایمان از آنها گرفته

می‌شود، چنین دانشمندانی از مردار پلیدتر هستند.

يَتَفَقَّهُ أَقْوَامٌ لغيرِ اللَّهِ وَ طَلَبًا لِلدُّنْيَا وَ الرَّئِيسَةَ وَ يُوجِّهُ الْقُرْآنُ عَلَى

الْأَهْوَاءِ وَ يَصِيرُ الدِّينُ بِالرَّأْيِ.^۳

اقوامی برای غیر خدا درس فقه می‌خوانند، صرفاً برای مقام و ریاست و

طلب دنیا به فقه می‌گرایند، قرآن را بر اساس خواسته‌های خود توجیه

می‌کنند و آئین خدا را با آراء خود تفسیر می‌کنند.

۱. کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۹۷.

۲. الزام الناصب، ص ۱۹۵.

۳. منتخب الاثر، ص ۴۳۰.



آری متأسفانه امروزه افرادی را می‌بینیم که فقط برای دنیاطلبی و کسب جاه و مقام و ریاست به دنبال فقاقت می‌روند و چه فراوان‌اند افرادی که هنوز چیزی نیاموخته‌اند اما دم از رای و فتوا می‌زنند و برابر کلام صریح معصوم قد علم می‌کنند و ابراز نظر می‌کنند که رأی من چنین است و چنان!

مَا تَعَلَّمَ الْعِلْمُ رِيَاءً وَ سُمْعَةً يُرَادُ بِهِ الدُّنْيَا، إِلَّا نَزَعَ اللَّهُ بَرَكَتَهُ وَ ضَيَّقَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ وَ وَكَّلَهُ إِلَى نَفْسِهِ وَ مَنْ وَكَّلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ فَقَدْ هَلَكَ.^۱

هرگاه علم را به خاطر ریا و مال دنیا بیاموزند، خداوند برکتش را برمی‌دارد و زندگی‌شان سخت می‌شود و به خودشان واگذاشته می‌شوند و کسی که به خودش واگذاشته شود هلاک خواهد شد. مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَ لَمْ يَعْمَلْ بِمَا فِيهِ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى وَ مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ يُرِيدُ بِهِ الدُّنْيَا وَ آثَرَ عَلَيْهِ حُبَّ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا اسْتَوْجِبَ سُخْطَ اللَّهِ وَ كَانَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ.^۲

کسی که علمی بیاموزد و به آن عمل نکند، خداوند او را روز قیامت کور محشور می‌کند و کسی که به خاطر دنیا علم بیاموزد و محبت دنیا و زینت آن بر دلش بماند، مستحق غضب الهی می‌شود و جایگاهش در پایین‌ترین طبقه جهنم است.

لَا تَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ لِتَبَاهُوا بِهِ الْعُلَمَاءَ وَ لِتَمَارُوا بِهِ السُّفَهَاءَ وَ لِتُصْرَفُوا بِهِ

۱. إلزام الناصب، ص ۱۸۶.

۲. إلزام الناصب، ص ۱۸۶.

وَجُوهَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ فِي النَّارِ.^۱

علم را به خاطر فخرفروشی به دانشمندان و جدل با کم خردان و جلب توجه مردم به خود نیاموزید، پس هر کسی چنین کند جایگاهش آتش (جهنم) خواهد بود.

يَكُونُ فِي أُمَّتِي فِزَعَةٌ فَتَصِيرُ النَّاسَ إِلَى عُلَمَائِهِمْ فَإِذَا هُمْ قَرَدَةٌ خَنَازِيرٌ، قَدْ عَوْقَبُوا بِنَظِيرِ مَا فَعَلُوا مِنْ تَغْيِيرِ الْحَقِّ عَنْ جَهْتِهِ وَ تَحْرِيفِ الْكَلَامِ عَنْ مَوَاضِعِهِ، مَسَخَ اللَّهُ صُورَهُمْ وَ غَيَّرَ خَلْقَتَهُمْ كَمَا بَدَّلُوا الْحَقَّ بَاطِلًا.^۲

امتم به وحشت (و گرفتاری) دچار می‌شوند و به دانشمندان خود مراجعه می‌کنند ولی آنها را میمون و خوک می‌بینند. این عاقبت کسانی است که حق را از مسیرش منحرف و سخن را از جایگاهش دور می‌کنند. خداوند صورت‌های آنان را مسخ می‌کند و خلقت آنها را تغییر می‌دهد همانگونه که حق را به باطل تبدیل کردند.

و این هنگام نیز فرا خواهد رسید و عالمان بد کردار به خصوص آنهایی که همه دانش و بینش خود را برای ستمکاران به ارمغان برده‌اند و همچون مصداقی برای «چو دزدی با چراغ آید، گزیده تر برد کالا» گشته‌اند تا با چراغ نورافشان دانش، آیات و احکام الهی را توجیه و تفسیر به رأی کنند و راه را برای ستمگران و خیانت پیشگان هموار کنند، اینان به زودی به کیفر عملکرد پلید خویش در این سرا و سرای واپسین که عذابی به مراتب دردناک‌تر دارد

۱. المحجة البيضاء، ج ۱، ص ۱۲۵.

۲. بشارة الاسلام، ص ۱۷۶.



خواهند رسید. رسول اکرم آنها را بدترین مردمان زمین تعبیر فرموده است که اگر به مقام و منصبی دست یابند از رشوه‌خواری سیر نمی‌شوند و اگر معزول شوند از روی ریا و فریبکاری رو به عبادت می‌آورند. آنها راهزنان راه خدا و دزدان باورهای مردم‌اند و با کردار ناشایست خود مردم را از دین دور کرده و به بیراهه‌های کفر و الحاد می‌رانند.

عَلَمَاوَهُمْ خَوْنَةٌ فَجَرَةٌ ! أَشْرَارُ خَلَقِ اللَّهِ هُمْ وَأَتْبَاعُهُمْ وَمَنْ يَأْتِيهِمْ وَ
يَأْخُذُ مِنْهُمْ وَيُحِبُّهُمْ وَيُجَالِسُهُمْ وَيُشَاوِرُهُمْ فَقَهَاؤُهُمْ خَوْنَةٌ يَدْعُونَ
أَنَّهُمْ عَلَى سُنَّتِي وَمِنْهَاجِي وَشَرَائِعِي ... إِنَّهُمْ مِنِّي بُرَاءٌ وَأَنَا مِنْهُمْ
بَرِيءٌ.^۱

علمای آنها خائن و فاسق هستند! آنان و پیروانشان و آنانکه به سوی آنها می‌آیند و از آنها کسب نور می‌کنند و آنانکه آنها را دوست دارند و با آنها می‌نشینند و با آنها مشورت می‌کنند بدترین آفریده‌های روی زمین می‌باشند. فقهای آنها خائن هستند و ادعا می‌کنند که بر سنت و طریق و آئین من می‌باشند ولی آنها از من بیزارند و من نیز از آنها بیزارم.

يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أُمَرَاءُ ظَلَمَةٌ وَوُزَرَاءُ فَسَقَةٌ وَعُرَفَاءُ ظَلَمَةٌ وَ
أُمَنَاءُ خَوْنَةٌ.^۲

در آخرالزمان، حاکمان ظالم، و وزیران، فاسق و عارفان ستمکار،

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۵.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۳۲.

و افراد مورد اعتماد خائن هستند.

... إِذَا صَارَ الْأَمْرَاءُ فَجْرَةً وَالْوُزَرَاءُ كَذِبَةً وَالْأَمْنَاءُ خَوْنَةً وَالْأَغْوَانُ ظَلَمَةً وَذُؤُورُ الرُّئَسَاءِ فِسْقَةً.^۱

... هنگامی که حاکمان ستمکار، و وزیران دروغگو و افراد مورد

اعتماد خائن، و یاران ظالم و صاحبان ریاست فاسق می‌شوند.

این حدیث بیانگر این امر است که با تحقق این صفات در طبقه‌های یاد شده می‌توان به نزدیکی فرج امیدوار بود و این امید را در خود زنده کرد که دوران سیاه حکومت نفس و شیطان به پایان رسیده و انسان خسته از تاریکی در آستانه رؤیت نور آفتاب عالم تاب عدل و داد قرار گرفته است.

أَلَا إِنَّ رَحَى الْإِسْلَامِ دَائِرَةٌ؛ فَذُورُوا مَعَ الْكِتَابِ حَيْثُ دَارَ ... أَلَا إِنَّ الْكِتَابَ وَالسُّلْطَانَ سَيَفْتَرِقَانِ فَلَا تُفَارِقُوا الْكِتَابَ ... أَلَا إِنَّهُ سَيَكُونُ عَلَيْكُمْ أَمْرًا يَفْضُونَ لِنَفْسِهِمْ مَا لَا يَفْضُونَ لَكُمْ فَإِنْ عَصَيْتُمُوهُمْ قَتَلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ أَضَلُّوكُمْ ... فَاصْنَعُوا كَمَا صَنَعَ أَصْحَابُ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ نُشِرُوا بِالْمَنَاشِيرِ وَحُمِلُوا عَلَى الْخَشَبِ ... مَوْتٌ فِي طَاعَةِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ.^۲

آگاه باشید که اسلام همچون آسیابی است که می‌چرخد و قرآن هم به همراه آن می‌چرخد، پس شما هم به همراه قرآن با آن بچرخید ... آگاه باشید به زودی قرآن و حاکمان از هم جدا می‌شوند. پس از قرآن جدا

۱. بشاره الاسلام، ص ۲۵.

۲. کنز العمال، ج ۱، ص ۲۱۶.



نشوید ... بدانید که به زودی حاکمانی بر شما حکومت خواهند کرد که آنچه بر خود حکم می‌کنند برای شما حکم نمی‌کنند، پس اگر از آنها نافرمانی کنید، شما را می‌کشند و اگر فرمانبرداری کنید گمراه می‌شوید .. پس همانند اصحاب عیسی بن مریم رفتار کنید که تسلیم نشدند و به دار کشیده شدند ... مرگ در راه بندگی خدا بهتر از زندگی در معصیت اوست.

إِذَا رَأَيْتَ أَقْرَبَ النَّاسِ مِنَ الْوَلَاةِ مَنْ يُمْتَدِّحُ بِشْتَمِ أَهْلِ الْبَيْتِ وَ مَنْ يُحِبُّهُمْ يُزَوِّرُ وَ لَا تُقْبَلُ شَهَادَتُهُ^۱

هنگامی که نزدیک‌ترین مردم به حاکمان کسی است که به خاطر دشنام دادن به اهل بیت مورد ستایش قرار گیرد و کسی که دوستدار آنان (اهل بیت) باشد، با او نیرنگ می‌کنند و شهادتش پذیرفته نمی‌شود.

ایشان همچنین در توصیف مردمان آخر الزمان، فرموده‌اند:

أَمْرَاؤُهُمْ يَكُونُونَ عَلَى الْجَوْرِ وَعُلَمَاؤُهُمْ عَلَى الطَّمَعِ وَ عَبَادُهُمْ عَلَى الرِّبَاءِ وَ تَجَارُهُمْ عَلَى أَكْلِ الرِّبَا وَ نِسَاؤُهُمْ عَلَى زِينَةِ الدُّنْيَا وَ غُلَمَانُهُمْ فِي التَّزْوِيجِ، لَا يَعْرِفُونَ عُلَمَاءَهُمْ إِلَّا بِثَوْبٍ حَسَنٍ وَ لَا يَعْرِفُونَ الْقُرْآنَ إِلَّا بِصَوْتٍ حَسَنٍ وَ لَا يَعْبُدُونَ اللَّهَ إِلَّا شَهْرَ رَمَضَانَ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ

سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا لَا عِلْمَ لَهُ وَلَا حِلْمَ وَلَا رَحِمَ لَهُ.^۱

حاکمان آن‌ها ظالم و عالمانشان طمعکار و عابدانشان ریاکار و تاجرانشان رباخوار و زنانشان بر زینت دنیااند و نوجوانانشان زناکارند. عالمان را فقط با لباس زیبا و قرآن را با صوت نیکو می‌شناسند و خداوند را فقط در ماه رمضان بندگی می‌کنند، پس در چنین هنگامی، خداوند حاکمی را بر آن‌ها مسلط می‌کند که نه علم، نه صبر و نه رحم دارد.

ثُمَّ يَأْتِي بَعْدَ ذَلِكَ زَمَانٌ حَتَّى لَا يُرَى فِيهِ إِلَّا سُلْطَانٌ جَائِرٌ أَوْ غَنِيٌّ
بَخِيلٌ أَوْ عَالِمٌ رَاغِبٌ فِي الْمَالِ أَوْ فَقِيرٌ كَذَّابٌ أَوْ شَيْخٌ فَاجِرٌ أَوْ صَبِيٌّ
وَقِحٌ أَوْ امْرَأَةٌ رَعْنَاءُ.^۲

سپس زمانی فرا می‌رسد که کسی جز حاکم ظالم یا ثروتمندِ بخیل یا عالم علاقمند به مال یا فقیر دروغگو یا کهن‌سال تبه‌کار یا کودک بی‌شرم یا زن گستاخ نمی‌بینی.

السَّاعَةُ تَكُونُ عِنْدَ خَبْثِ الْأَمْرَاءِ وَمُدَاهِنَةِ الْقُرَّاءِ وَنِفَاقِ الْعُلَمَاءِ وَإِذَا
صَدَقَتْ أُمَّتِي بِالنُّجُومِ وَكَذَّبَتْ بِالْقَدَرِ وَذَلِكَ حِينَ يَتَّخِذُونَ الْكُذْبَ
ظُرْفًا وَالْأَمَانَةَ مَغْنَمًا وَالزَّكَاةَ مَغْرَمًا وَالْفَاحِشَةَ إِبَاحَةً وَالْعِبَادَةَ تَكْبُرًا
وَاسْتِطَالَةً عَلَى النَّاسِ ... وَحِينَئِذٍ يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِتْنَةً غِبْرَاءَ مُظْلَمَةً

۱. بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۴۵۴.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۱-۱۸۲.



فَيَتِيهُونَ فِيهَا كَمَا تَاهَتِ الْيَهُودُ.^۱

فرج هنگامی رخ می‌دهد که حاکمان را پلیدی و قاریان را سازشکاری و عالمان را نفاق در برگیرد و امتم غیبگویی را تصدیق و قضا و قدر الهی را تکذیب کنند و در دروغگویی، مهارت پیدا نمایند و امانت را غنیمت و زکات و فحشا را مباح بشمارند و عبادت را برای تکبر و تسلط بر مردم به جا آورند. در این هنگام است که خداوند، فتنه سختی را بر آنها نازل می‌کند که سرگردان می‌شوند، همچون یهود که در سرزمین تیه سرگردان شدند.

پیامبر گرامی اسلام در خصوص عالمان متعهد می‌فرماید:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُقْتَلُ فِيهِ الْعُلَمَاءُ كَمَا تُقْتَلُ اللَّصُوصُ فَيَأْتِي الْعُلَمَاءُ يَتَحَامَتُونَ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ، لِأَنَّهُمْ يُدْفَعُونَ عَنْ أَنْفُسِهِمُ الْقَتْلَ وَالْأَخْذَ بِأَلْتُّهُمُ إِذَا لَزِمُوا بِيُوتَهُمْ وَأَظْهَرُوا لِبَسَاطَةِ وَتَجَاهَلُوا الْأَحْدَاثَ.^۲

زمانی بر مردم فرا می‌رسد که عالمان را همچون دزدان می‌کشند. ای کاش در آن هنگام علماء خود را به حماقت بزنند تا جان خود را از قتل و آبروی خود را از تهمت، در امان نگه دارند. از خانه‌های خود خارج نشوند، خود را به سادگی بزنند و از رویدادها اظهار بی‌اطلاعی کنند.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَنْزَعُ الْعِلْمَ بَعْدَ أَنْ أَعْطَاكُمْوَهُ إِنْتِزَاعاً وَ إِنَّمَا يَنْزَعُهُ

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۱.

۲. روضة الواعظین، ص ۴۸۵.

بِقَبْضِ الْعُلَمَاءِ فَتَبْقَى نَاسٌ جُهَالٌ يُسْتَفْتُونَ فَيُقْتُونَ بِرَأْيِهِمْ فَيَضِلُّونَ وَ
يُضِلُّونَ.^۱

خداوند دانشی را که به شما داده است سلب نمی‌کند، بلکه از طریق رحلت علمای ربانی، این علم از میان شما رخت بر می‌بندد و گروهی نادان برای شما می‌مانند، از آنها فتوا می‌طلبید و آنها با رای خود برای شما فتوا می‌دهند، خود گمراه شده شما را نیز گمراه می‌کنند.

لَأَنَا مِنْ غَيْرِ الدَّجَالِ أَخَوْفُ عَلَيْكُمْ مِنَ الدَّجَالِ قَقِيلٌ: وَ مَا ذَاكَ فَقَالَ
أُتْمَةٌ مُضِلُّونَ.^۲

(پیامبر اکرم ﷺ فرمودند) «من از غیر دجال بیشتر می‌ترسم»
پرسیده شد: و آن چیست؟ فرمودند: «رهبران گمراه کننده».

گفتار دوم: روایات امیر مؤمنان علیه السلام

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرمایند:

قَصَمَ ظَهْرِي رَجُلَانِ: عَالِمٌ مَتَهَتَكَ وَ جَاهِلٌ مَتَسَّكَ هَذَا يَفْتِي وَ يُغَيِّرُ
دِينَ اللَّهِ بِتَهْتِكِهِ وَ هَذَا يُضِلُّ النَّاسَ بِتَسُّكِهِ.^۳

دو مرد (گروه) کمر مرا شکستند: عالم گستاخ و جاهل مقدس

۱. نور الابصار، ص ۳۵.

۲. المحجة البيضاء، ج ۱، ص ۱۲۵.

۳. ينابيع المودة، ج ۲، ص ۴۱۵.



نما، این (عالم) با گستاخی فتوا می‌دهد و دین خدا را تغییر می‌دهد و آن (جاهل) با اعمالش مردم را گمراه می‌کند.

و تَبْطُلُ الْأَحْكَامُ وَ يَخْبِطُ الْإِسْلَامُ وَ تَظْهَرُ دَوْلَةُ الْإِشْرَارِ وَ يَحِلُّ الظُّلْمُ بِكُلِّ الْإِمْنَارِ.^۱

احکام باطل می‌شود و اسلام نابود می‌گردد و دولت اشرار ظاهر می‌گردد و ظلم در تمام عالم فراگیر می‌شود.

فَأُولَئِكَ يَدْعُونَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ الْأَرْجَاسِ الْأَنْجَاسِ.^۲

پس آن‌ها در ملکوت آسمان‌ها پلید نام گذاری شده‌اند.

إِنَّهُ لَا يَزَالُ عَدْلُ اللَّهِ مَبْسُوطاً عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ مَا لَمْ يَمِلْ قُرَاؤُهُمْ إِلَى أَمْرَانِهِمْ وَ مَا لَمْ يَزَلْ أَبْرَارُهُمْ يَنْهَى فُجَّارَهُمْ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلُوا ثُمَّ اسْتَقَرُّوا فَقَالُوا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قَالَ اللَّهُ فِي عَرْشِهِ: كَذَبْتُمْ، لَسْتُمْ بِهَا صَادِقِينَ.^۳

عدالت خداوند، تا هنگامی شامل حال این امت می‌شود که قاریان قرآن به سوی حاکمان تمایل پیدا نکنند و نیکوکاران گنهکاران را نهی از منکر کنند. اگر چنین نکنند و بایستند و بگویند «لا اله الا الله» خداوند در عرش خود می‌فرماید: «دروغ می‌گوئید و به آنچه می‌گوئید صادق نیستید».

۱. الزام الناصب، ص ۱۹۵.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۳۴.

۳. الغيبة، نعمانی، ص ۱۳۱.

إِذَا قَلَّ الْفُقَهَاءُ الْهَادُونَ وَ كَثُرَ فُقَهَاءُ الضَّلَالَةِ وَالْخَوْنَةِ وَإِذَا كَثُرَ الشُّعْرَاءُ.^۱

هنگامی که فقیهان هدایتگر کم شوند و فقیهان گمراه و خائن بسیار شوند و هنگامی که شاعران فراوان شوند.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

... وَ رَأَيْتَ الْحَرَامَ يُحَلَّلُ وَ رَأَيْتَ الْحَلَالَ يُحَرَّمُ.^۲

... و می بینی که حرام را حلال و حلال را حرام می شمارند.

وَ تَمِيلُ الْفُقَهَاءُ إِلَى الْكُذِبِ وَ تَمِيلُ الْعُلَمَاءُ إِلَى الرَّيْبِ.^۳

و فقیهان به دروغگویی روی می آورند و دانشمندان به شک تمایل پیدا می کنند.

آری امروزه شک گرایی به عنوان مطرح ترین مکتب فکری در مغرب زمین ظهور کرده و دانشمندان و فیلسوفان را به سوی خود جذب می کند. ناگفته نماند که اساس شک امر قبیحی نیست به شرط آنکه مقدمه یقین باشد و به عنوان پلی برای رسیدن به یقین عمل کند نه اینکه خود به صورت مکتبی فکری درآید که اصل اولی در همه چیزی را شک بداند و معتقد باشد که آدمی قادر نیست به یقین دست یابد و باید همواره و در همه چیز شک کند.

... وَ فُقَهَائُهُمْ يُقْتُونَ بِمَا يَشْتَهُونَ وَ قُضَاتُهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَعْلَمُونَ وَ

أَكْثَرُهُمْ بِالزُّورِ يَشْهَدُونَ، مَنْ كَانَ عِنْدَهُ دِرَاهِمٌ كَانَ مُوقَّرًا مَرْفُوعًا وَ

إِنْ كَانَ مَقْلًا فَهُوَ عِنْدَهُمْ مَوْضُوعٌ.^۴

۱. منتخب الاثر، ص ۴۲۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۷.

۳. الزام الناصب، ص ۲۰۷.

۴. بشارة الاسلام، ص ۷۷.



... فقیهانشان به آنچه می‌خواهند فتوا می‌دهند و قضاتشان به آنچه می‌گویند عمل نمی‌کنند و بیشتر آنها شهادت دروغ می‌دهند، کسی که دارای دراهمی (ثروت) باشد نزد آنان عزیز و گرامی است و کسی که کم پول باشد نزد آنها پست و خوار است.

آری این حقیقتی تلخ است اما وجود دارد، احترام افراد به میزان ثروت و دارایی آنها بستگی دارد و ملاک و معیار ارزش گذاری ما مردمان این دوران مقدار ثروت افراد شده است؛ در حالی که معیار ارزشمندی نزد خدای یکتا میزان تقوی و پارسایی افراد است ما مسلمانان با بهره‌برداری از سوغات شوم فرهنگ سرمایه داری، ارزش های منحط مادی گرایی (ماتریالیسم) را جایگزین ارزش‌های الهی نموده‌ایم و در حال ترویج و تثبیت آن در فرهنگ خود می‌باشیم.

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ يَنْتَقِمُ مِنْ أَهْلِ الْفِتْوَى بِمَا لَا يَعْلَمُونَ. فَتَعَسَا لَهُمْ وَ
لَاتَّبَاعِهِمْ أَوْ كَانَ الدِّينُ نَاقِصًا فَتَمُّوهُ أَمْ كَانَ بِهِ عِوَجٌ فَقَوِّمُوهُ أَمْ هُمْ
النَّاسُ بِالْخِلَافِ فَأَطَاعُوهُ أَمْ أَمْرَهُمْ بِالصَّوَابِ فَعَصَوْهُ أَمْ هُمُ الْمُخْتَارُ
فِيمَا أَوْحَى إِلَيْهِ فَذَكِّرُوهُ أَمْ الدِّينُ لَمْ يَكْتَمِلْ عَلَى عَهْدِهِ فَكَمِّلُوهُ أَمْ جَاءَ
نَبِيُّ بَعْدَهُ فَاتَّبِعُوهُ؟^۱

زمانی که قائم ظهور کند، از کسانی که فتوای بدون علم می‌دهند انتقام می‌گیرد، وای بر آنها و پیروانشان! آیا دین خدا ناقص بوده و آنها کامل کرده‌اند یا دین انحراف داشته و آنها اصلاحش کرده‌اند یا

مردم (ذاتاً) خلاف کار بوده‌اند و از آن‌ها پیروی کرده‌اند یا مردم را به راه راست دعوت کرده‌اند و آن‌ها قبول نکرده‌اند، یا خداوند چیزی از وحی کم گذاشته بود که آن‌ها یادآوری نموده‌اند و یا دین در دوران آنان ناقص بوده و آن‌ها کامل کرده‌اند یا پیامبری بعد از پیامبر آمده و از او پیروی کرده‌اند؟

... إِذَا وَقَعَ الْمَوْتُ فِي الْفُقَهَاءِ وَوَضَعَتْ أُمَّةٌ مُحَمَّدَ الصَّلَاةِ^۱

... زمانی که مرگ در فقها واقع شود و امت محمد ﷺ نماز را سبک بشمارند.

امروزه شاهد مهجوریت نماز و بی‌توجهی نسبت به آن از سوی جوانان هستیم، در حالی که نماز ستون دین است و اگر پذیرفته شود سایر عبادات هم پذیرفته می‌شوند و اگر پذیرفته نشود سایر عبادات هم پذیرفته نمی‌شوند این عبادت پر ارج و رکن رکین مناسک اسلامی در دوران ما کم ارزش شده و کمتر کسی از نور هدایتگر آن بهره می‌برد حتی عده‌ای عمل به آنرا نشانهٔ واپس‌گرایی و ساده‌اندیشی و کوتاه نظری می‌دانند.

علم فقه نیز به تدریج در حال رخت بربستن است و جای فقهای بزرگ خالی می‌ماند. چنانکه امیرمؤمنان و پیشوای پرهیزکاران نیز در این رابطه فرموده‌اند:

يَأْرُزُ الْعِلْمَ إِذَا لَمْ يُوجَدْ لَهُ حَمَلَةٌ يَحْفَظُونَهُ وَيَرَوُونَهُ كَمَا سَمِعُوهُ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَ يَصْدُقُونَ عَلَيْهِمْ فِيهِ.

طومار علم به دور خود پیچیده می‌شود که دیگر کسی پیدا



نخواهد شد تا احادیثی که اهل بیت آن را روایت کرده‌اند، روایت کند و مسئولیتی در قبال حفظ آن احساس کند.

يَكُونُ إِذَا رُفِعَ الْعِلْمُ وَ ظَهَرَ الْجَهْلُ وَ كَثَرَ الْقِرَاءُ وَ قَلَّ الْعُلَمَاءُ.^۱

(قائم) زمانی ظهور می‌کند که علم برداشته شود و جهالت ظاهر گردد و قاریان بسیار و علما اندک شوند.

... يَتَفَقَّهُ النَّاسُ لِغَيْرِ الدِّينِ وَ يَتَعَلَّمُونَ لِغَيْرِ الْعَمَلِ وَ يَطْلُبُونَ الدُّنْيَا، بِعَمَلِ الْآخِرَةِ.^۲

... مردم برای غیر دین فقه می‌آموزند و علم آموزی می‌کنند برای غیر عمل و دنیا را طلب می‌کنند با اعمال اخروی (با عبادت در پی بدست آوردن دنیا هستند).

لَا يَقُومَ حَتَّى لَا يُقَسَمَ مِيرَاثٌ وَ لَا يُفْرَحَ بِغَنِيمَةٍ.^۳

(قائم) قیام نمی‌کند مگر زمانی که میراث‌ها تقسیم شود و کسی از غنیمت (و سودآوری) شادمان نگردد.

گفتار سوم: روایات امام صادق علیه السلام

تَخَلَّوْا الْكُوفَةَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَارِزُوا الْعِلْمَ عَنْهَا كَمَا تَارِزُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ فِي بَلَدَةٍ يُقَالُ لَهَا: قُمْ، وَ أَهْلِهَا قَائِمُونَ مَقَامَ الْحُجَّةِ.^۴

۱. الزام الناصب، ص ۶۴.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۰.

۳. الامام المهدي، ص ۱۷۸.

۴. بشارة الاسلام، ص ۸۷.

کوفه از مؤمنان خالی می‌شود و علم از آن برداشته می‌شود همانگونه که مار در لانه‌اش می‌پیچد، سپس در سرزمینی که قم می‌نامندش ظاهر می‌شود که اهالی آن، بر پا دارنده مقام حجت هستند.

آری آنچه که امروز ما به روشنی شاهد آن هستیم، تحقق خبری است که امام صادق علیه السلام مردمان را بیش از دوازده قرن قبل از وقوعش آگاه فرموده بودند، در زمانی که قم روستایی بی‌نام و نشان در قلب سرزمین ایران بود، امام صادق علیه السلام از آینده درخشان آن خبر داده و نوید پایگاهی بزرگ برای تعلیم و تربیت مشتاقان علوم آل محمد صلی الله علیه و آله را به آیندگان می‌دادند، شهری که اکنون مرکز علم و اجتهاد گشته و به عنوان یکی از بزرگترین مراکز علمی جهان اسلام مطرح است و فارغ‌التحصیلان آن عالمان و مجتهدانی هستند که هدایت فکری جامعه اسلامی را به عهده دارند. نکته دیگری که در این حدیث بدان اشاره شد خبر دادن امام علیه السلام از برجیده شدن علم از کوفه و نجف می‌باشد که این نیز امروز به وقوع پیوسته است، شاید علت این امر از دیدگاه امام علیه السلام ستم زمامداران و کشته شدن رجال دین باشد.

همچنین امام صادق علیه السلام درباره شهر قم فرموده‌اند:

يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ قُمْ يَدْعُوا النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ لَا تُزَلُّهُمْ الْحَوَادِثُ وَلَا يَمْلُونَ وَلَا يَجْبُنُونَ وَعَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ^۱

مردی از قم مردم را به سوی حق دعوت می‌کند، عده‌ای که دل‌هایشان چون قطعات آهن سخت است، در اطراف او گرد می‌آیند حوادث آن‌ها



را متزلزل نمی‌سازد، و ملول نمی‌شوند و دچار ترس نمی‌گردند و بر خدا توکل می‌کنند که عاقبت از آن پرهیزکاران است.

به گزاف نگفته‌ایم اگر بگوئیم مصداق این روایت شریف بزرگ مرجع عالم تشیع امام خمینی علیه السلام بوده‌اند که از قم بر علیه حکومت طاغوت قیام کردند و عده‌ای از مردمان با ایمان و اراده‌های آهنین گرد او جمع شدند و پس از سالها مبارزه موفق به نابودی طاغوت شدند و حکومتی بر اساس اسلام بنا نهادند تا زمینه‌ای باشد برای ظهور آخرین منجی عالم بشریت که ان‌شاءالله به زودی زود خواهد بود.

... وَ الْقَضَاءُ يَقْضُونَ بِخِلَافِ مَا أَمَرَ اللَّهُ^۱

... و قاضیان بر خلاف دستورات الهی قضاوت می‌کنند.

وَ رَأَيْتَ الْوَلَاةَ يَأْتِمُنُونَ الْخَوَئَةَ لِلطَّمَعِ^۲

... و می‌بینی که حاکمان برای طمع انسان خائن را امین مردم قرار می‌دهند.

... وَ رَأَيْتَ طَالِبَ الْحَلَالِ يُذَمُّ وَ يُعَيَّرُ وَ طَالِبَ الْحَرَامِ يُمْدَحُ وَ يُعْظَمُ^۳

... و می‌بینی که جوینده روزی حلال سرزنش و تحقیر می‌شود و جوینده روزی حرام، ستایش شده و بزرگ داشته می‌شود.

در روایت آمده است که آنگاه فرمود:

أَمَا إِنَّ إِمَارَتَكُمْ لَا تَكُونُ إِلَّا لِلْأَوْلَادِ الْبَغَايَا فَهَوْلَاءَ لَا يَرْحَمُونَ.

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۴.

۲. الزام الناصب، ص ۱۸۴.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۸.

حکومت به دست حرام زادگان می‌افتد و آنها به کسی رحم نمی‌کنند.

گفتار چهارم: روایات امام رضا علیه السلام

... إِذَا رُفِعَ الْعِلْمُ مِنْ بَيْنِ أَظْهُرِكُمْ فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ مِنْ تَحْتِ أَقْدَامِكُمْ^۱
 ... زمانی که علم از میان شما برداشته شد منتظر فرج از زیر
 قدم‌هایتان باشید. (یعنی به صورت ناگهانی فرج می‌رسد).
 وَ يَسْبِقُ ذَلِكَ خُرُوجُ اثْنَيْ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ آلِ أَبِي طَالِبٍ كُلُّهُمْ يَدَّعِي
 الْإِمَامَةَ لِنَفْسِهِ^۲

و قبل از قیام (قائم) دوازده نفر از خاندان ابوطالب قیام می‌کنند
 که همگی مدّعی امامت برای خود هستند.

به امید آنکه آن صبح امید هر چه زودتر فرا رسد و شاهد طلوع آفتاب عالم
 تاب عدل و داد از پشت ابرهای تیره جهل و تباهی باشیم و پایان دادن به
 حکومت ابلیس بر سرنوشت بشر را به دست واپسین منجی آسمانی را به دیده
 خود بنگریم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۵.

۲. الغیبة، طوسی، ص ۲۶۷.